



بنیاد آرمان شهر یک نهاد مستقل و غیر انتفاعی شهروندی مستقر در کابل است که به هیچ دسته ی اقتصادی، سیاسی، مذهبی، قومی، و هیچ دولتی وابستگی ندارد. آرمان این نهاد ایجاد بسترهای مناسب برای تامین خواست‌های اجتماعی برای دیموکراسی، حقوق بشر، عدالت و قانون مداری است و نیز دست زدن به ابتکارات فرهنگی و نشر کتاب در خدمت به شکل گیری آگاهی جمعی شهروندان. بنیاد آرمان شهر در راستای تبادل اندیشه و گفتگو در داخل کشور و در منطقه با هدف ایجاد همبستگی، پیشرفت و صلح، می کوشد.

بنیاد آرمان شهر عضو فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر (FIDH) است.

این نشریه با حمایت مالی اتحادیه اروپا منتشر شده است. مسئولیت انتشار این نشریه به عهده آرمان شهر و مسئولیت محتوای مطالب به عهده نویسنده یا نویسندگان است و به هیچ وجه نمی تواند بازتاب موضع اتحادیه اروپا محسوب شود.

آدرس الکترونیک:

armanshahrfoundation.openasia@gmail.com

شماره تماس: ۰۷۷۵۳۲۱۶۹۷

در این شماره می خوانید:

- * عفو بین الملل: بوش را به خاطر دستور شکنجه مورد تحقیق و پیگرد قرار دهید ص ۱
- * تاثیر قطعنامه ۱۳۲۵ بر توافقنامه های صلح ص ۱
- * یک صدا برای عدالت در هفته حقوق بشر و قربانیان ص ۲
- * بیانیه زنان در روز حقوق بشر ص ۲
- * عفو بین الملل: در مورد تلفات به دست نیروهای ناتو و افغانستان پاسخگویی وجود ندارد ص ۲
- * زنان و رهبری سیاسی، مشکلات زنان رهبر در افغانستان ص ۲
- * بیانیه گروه هماهنگی عدالت انتقالی در روز حقوق بشر ص ۳
- * زنان، صلح و امنیت - گزارش سازمان ملل ص ۳
- * بازخوانی حافظه جمعی - گفتگوی ۶۵ ص ۳
- * اطلاعات تکمیلی در باره «کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان» ص ۳
- * اصلاحات در نظام عدلی افغانستان - گزارش تازه از گروه بین المللی حل بحران ص ۴
- * قطعنامه ۱۳۲۵، وضع زنان در افغانستان و ضرورت ها ص ۴
- * پُر سیمرخ از تلاش جمعی تا حافظه جمعی ص ۴
- * منابع سازمان ملل در باره زنان، صلح و امنیت ص ۴
- * انستیتوت تاریخ در آینه گفتگو ص ۵
- * نگاهی به کنفرانس مصالحه و عدالت ص ۵
- * گزارشی در باره مفهوم و چالش های غرامت های جمعی - مرکز بین المللی عدالت انتقالی ص ۵
- * پیام کنفرانس یک روزه در پیوند با مصالحه و عدالت ص ۵
- * پنهانکاری در باره گورهای دسته جمعی عدالت را تضعیف می کند ص ۶
- * گروه های جنایتکار برای «ان جی او» ها خطرناک هستند ص ۶
- * فدراسیون بین المللی حقوق بشر: محاکمه ژان پیر بپما، پاداشی برای شجاعت قربانیان در افریقای مرکزی ص ۶
- * معرفی کنوانسیون های ژنو ۱ تا ۳ ص ۶
- * معرفی کتاب: سکولاریسم، مجاهدین، روش در تاریخ ص ۷
- * چراغ «شب های کابل» با نام «رهنورد زریاب» دوباره روشن شد ص ۸
- * انتشار قلعه حیوانات برای اولین بار در افغانستان ص ۸
- * نشر سه عنوان کتاب به وسیله آرمان شهر ص ۸

عفو بین الملل: امریکا باید تحقیقات کفیری در باره اعتراف بوش به شکنجه را آغاز کند رئیس جمهور پیشین بوش به صدور اجازه شکنجه اعتراف کرد

۱۰ نوامبر ۲۰۱۰

عفو بین الملل امروز در پی اعتراف رئیس جمهور پیشین جرج دبلیو بوش به صدور اجازه استفاده از «روش های قوی بازجویی» خواهان شروع تحقیقات کفیری در باره نقش او و مسئولان دیگر در به کارگیری این روش ها بر ضد بازداشت شدگان در بازداشت گاه های مخفی امریکا شد.

رئیس جمهور پیشین در خاطرات خود که دیروز منتشر شد و در مصاحبه ای با ان بی سی نیز که در ۸ نوامبر ۲۰۱۰ پخش شد، داشتن نقش شخصی در صدور اجازه «به آب بستن» و روش های دیگر در مورد «بازداشت شدگان با ارزش» را تایید کرد.

کلودیو گرڈنه، یکی از مدیران ارشد عفو بین الملل، گفت: «بر اساس حقوق بین الملل، اعتراف رئیس جمهور پیشین به صدور اجازه برای انجام اقداماتی که شکنجه محسوب می شوند کافی است برای این که تعهدات امریکا برای تحقیق در باره اظهارات او و در صورت اثبات پیگرد قضایی او به اجرا گذاشته شود.»

«اعتراف او یک بار دیگر تاکید بر این وضع است که برای جنایت های شکنجه و ناپدید شدن قهری در حقوق بین الملل که امریکا انجام داده است مسئولیت پذیری و پاسخگویی وجود ندارد.»

رئیس جمهور پیشین بوش در خاطرات خود به پرونده دو تن از بازداشت شدگان در بازداشت گاه های مخفی پرداخت.

ادامه در صفحه (۹)



تاثیر قطعنامه ۱۳۲۵ بر فرایندها و توافقنامه های صلح توافقنامه های صلح یا کاغذ پاره؟

کریستین بل و کاترین اُرورک

استادان حقوق بین الملل عمومی، دانشکده عدالت انتقالی، دانشگاه آکسبر (ایرلند)

خلاصه مقاله: قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل در تاریخ ۳۱ اکتبر به تصویب رسید. این قطعنامه طیفی از اقداماتی را در بر می گرفت که زنان را در جلوگیری از درگیری، مدیریت و حل و فصل آن مشارکت دهد. چند بخش از قطعنامه به ویژه به نقش زنان و جنسیت در گفتگوها و توافق های صلح توجه داشت. مقاله حاضر به بررسی این موضوع می پردازد که آیا قطعنامه ۱۳۲۵ بر تنظیم توافقنامه های صلح تاثیر داشته است یا خیر.

این مقاله به تحلیل اشاره های صریح به زنان و جنسیت در توافقنامه های صلح از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ می پردازد و از میزان توجه به زنان و جنسیت ارزیابی کمی و کیفی به دست می دهد. مقاله با استفاده از یافته ها و تحلیل ما برای توجه به رابطه فعالیت های فمینیستی در حقوق بین الملل و مباحثات مربوط به استراتژی ها و بده بستان های زمینه ساز ترویج فمینیستی قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل و استفاده از آنها به طور ویژه، به پایان می رسد.

به گمان ما ممکن است تحلیل ما از اشاره های توافقنامه های صلح به زنان و افزایش یا تغییر این اشاره ها پس از تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ برای فعالان عدالت انتقالی جالب باشد. این داده ها مقایسه ای از توافق هایی به دست می دهد که سازمان ملل در آنها طرف ثالث به شمار می رفت و نیز توافقنامه های دیگری که در آنها طرف ثالث به شمار نمی رفت.

یافته های ما نشان می دهند که:

- تنها ۱۶ درصد توافقنامه های صلح از سال ۱۹۹۰ به بعد اشاره صریحی به زنان یا جنسیت کرده اند.
- پس از تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت اشاره ها در توافقنامه های صلح از ۱۱٪ به ۲۷٪ افزایش پیدا کرده است.
- پس از تصویب قطعنامه در توافقنامه هایی که سازمان ملل طرف ثالث بوده افزایش از ۴٪ به ۱۲٪ و در توافقنامه های دیگر افزایش از ۷٪ به ۱۴٪ بوده است.
- اما، هم پیش و هم پس از تصویب قطعنامه ۱۳۲۵، توافقنامه های صلح در صورت محلی بودن و عدم شرکت سازمان ملل به عنوان طرف ثالث احتمالاً به زنان اشاره می داشتند.
- تنها ۴٪ توافقنامه ها (۲۶ عدد) به خشونت بر پایه جنسی یا جنسیتی توجه دارند (کمتر از ۳٪ به صراحت به خشونت جنسی توجه کرده اند).
- الزامات تمام اشاره ها به زنان در توافقنامه های صلح مثبت نیست - بعضی از آنها به جای گسترش مشارکت زنان آن را محدود می سازند.
- شواهدی وجود دارد که برنامه های ... ادامه در صفحه (۹)

بیانیه شماره ۱۰



بیانیه کمپاین ۵۰٪ زنان افغانستان به مناسبت روز جهانی حقوق بشر و روز ملی قربانیان

۱۹ قوس برابر با ۱۰ دسامبر ۲۰۱۰

دولت افغانستان از ۹ سال بدین سو با سیاست های چند پهلو اذهان مردم افغانستان را مغشوش کرده است. ما بدین باور هستیم که نبود یک استراتژی واحد میان دولت افغانستان و جامعه بین المللی فضای کشور را تبدیل به میدان رقابت های نیروهای داخلی و کشورهای خارجی کرده است. زنان افغانستان همیشه به دولت افغانستان هشدار داده اند که بدون در نظر داشت خواست آن ها و برداشتن گام های عملی در راستای تامین حقوق آن ها، نمی شود به سوی دموکراسی، اعتدال و آشتی تمام مردم این سرزمین حرکت کرد. ما همیشه نگران این بوده ایم که حقوق زنان یعنی نیمی از جمعیت افغانستان، دستاوردهای شان در این معاملات سیاسی قربانی شود.

ما در شرایطی از روز جهانی حقوق بشر تجلیل به عمل می آوریم که نه تنها دولت تا کنون به موارد نقض حقوق بشر در گذشته و خواست های عدالت خواهانه قربانیان پاسخ نداده بلکه نقض فاحش حقوق بشر در افغانستان همچنان جریان دارد، کشته شدن غیر نظامیان، بمباران خانه های مسکونی، استفاده از سلاح های شیمیایی در مناطق جنوب افغانستان، کوچ های اجباری، مهاجرت ها، مرگ و میر کودکان و زنان در حملات نیروهای بین المللی و طالبان و همراهان شان، بی خانمان شدن و به اسارت گرفتن افراد بی گناه تحت عنوان تروریست، فقر، بی کاری و صدها عمل دیگر نه تنها در این کشور ادامه دارد که تشدید شده است.

تجلیل از روز جهانی حقوق بشر بدان مفهوم است که دولت ها در عمل چه قدر به اعلامیه جهانی حقوق بشر پایبند بوده و اجرایی شدن آن را تضمین نموده اند. آزادی و برابری ارزش هایی هستند که باید در عمل تجربه شوند اما نابرابری های موجود در سطح جامعه، ناکارآمدی صرف هزینه های هنگفت از سوی جامعه بین المللی و باقی ماندن مشکلات، تداوم جنگ، تباهی استراتژی های جنگی و تغییرات آن ما زنان را از آینده افغانستان نگران نموده و به باور ما از تحقق عدالت و شناس دستبایی به صلح عادلانه می کاهد.

کمپاین ۵۰٪ زنان افغانستان به عنوان نماینده... (ادامه در صفحه ۹)

زنان و رهبری سیاسی، مشکلات زنان رهبر در افغانستان

گزارشی کوتاه از پژوهش:

گروه تحقیق و دفاع از حقوق بشر در ماه جاری پژوهشی را تحت عنوان "زنان و رهبری سیاسی: مشکلات زنان رهبر در افغانستان" منتشر نمود. این پژوهش عوامل اساسی عقب گرد تلاش های زنان برای شمولیت در عرصه های تصمیم گیری و سیاست گذاری های کلان را مورد بررسی قرار داده و موضوع آن زبانی است که در عرصه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در افغانستان فعال اند.

این پژوهش در سال ۱۳۸۸ و به صورت میدانی انجام شده که داده های آن به روش کیفی و از طریق مصاحبه با سه دسته از افراد: زنان فعال در عرصه های مدیریتی، صاحب نظران دینی و کارشناسان مسائلی زنان گردآوری شده است. مصاحبه شوندگان اغلب چهره های مطرح و سرشناس بودند و در مجموع با ۱۷ نفر در این پژوهش مصاحبه شده است.

در این پژوهش آمده است به رغم تلاش ها و فعالیت هایی که در راستای تقویت رهبری و حمایت از حقوق زنان در سال های گذشته صورت گرفته، محدودیت های اساسی علیه زمینه سازی رهبری زنان به دلیل ازدیاد فشارهای مذهبی و سیاسی رو به افزایش است. اکثریت زنان رهبر، از سوی چهره های مذهبی - سیاسی مورد تهدیدهای خشونت آمیز قرار می گیرند تا از فعالیت های سیاسی و اجتماعی دست بردارند. با وجود آن که زنان رهبر بی هیچ دلیلی از سوی سیاستمداران مذهبی و مذهبی های سیاسی و محلی تهدید و متهم به بی دینی شده اند، دولت افغانستان نه تنها برای تشکیل دادگاه و محاکمه این تهدید کنندگان تلاش نکرده است بلکه همواره به آنان امتیاز داده است.

در این پژوهش آمده است علی رغم تعهدات دولت افغانستان در برقراری توازن جنسیتی در جامعه از جمله الحاق افغانستان به کنوانسیون بین المللی محو هر نوع تبعیض علیه زنان و یا طرح و تصویب سیاست هایی در راستای ترغیب مشارکت سیاسی زنان در دولت از جمله برنامه ملی کاری زنان افغانستان، اهداف انکشافی هزاره سوم و برنامه انکشافی افغانستان را که در همه آن ها بر برابری جنسیتی تأکید شده است، هنوز مشارکت زنان در موقعیت های مرتبط با تصمیم گیری های اساسی بسیار پایین است. با آن که دولت افغانستان در چهارچوب "استراتژی انکشاف ملی افغانستان" حمایت از رشد رهبری زنان را متعهد شده است و آشکارا اعلام کرده که «هدف دولت افغانستان محو تبعیض علیه زنان، انکشاف سرمایه بشری و حمایت از رشد رهبری آن ها به منظور مشارکت برابر و کامل در تمام عرصه های زندگی در افغانستان، می باشد»، وضعیت زنان نه تنها بهبود نیافته است بلکه هر روز بدتر می شود. (ادامه در صفحه ۱۰)

یک صدا برای عدالت

در هفته حقوق بشر و قربانیان

از هفته حقوق بشر و قربانیان با برگزاری جلسه گفتگو، نمایش تئاتر، گردهمایی قربانیان، تظاهرات مسالمت آمیز و نمایشگاه عکس در کابل تجلیل به عمل آمد.

نام گذاری هفته ای به نام هفته حقوق بشر و قربانیان ابتکاری بود از سوی گروه هماهنگی عدالت انتقالی افغانستان که متشکل از بیست و شش نهاد مدنی و فعال در زمینه حقوق بشر در کابل است.

شروع این هفته که برابر با نهم دسامبر ۲۰۱۰ بود با گردهمایی از قربانیان آغاز گردید. این گرد همایی از طرف انجمن اجتماعی داد خواهان افغان راه اندازی شده بود. هدف از این گرد همایی که در شهرک خراسان واقع در ده خدای داد کابل برپا شد بلند کردن صدای قربانیان و رساندن آن به گوش مسوولین بود.

در این گردهمایی قربانیان خواهان تحقق عدالت و به محاکمه کشیدن جنایتکاران جنگی شدند. مسأله ای که در سال های گذشته بارها و بارها و از طریق تریبون های مختلف هم از سوی فعالین حقوق بشر افغانستان و هم از سوی بعضی از نهادهای بین المللی دخیل در این مسأله بلند گردیده است و تا به حال در زمینه اجرای این خواست دولت و جامعه جهانی هیچ پاسخ روشنی نداشته اند.

در روز دوم این هفته، برابر با دهم دسامبر تظاهرات مسالمت آمیز قربانیان صورت گرفت که توسط انجمن اجتماعی دادخواهان افغان برنامه ریزی شده بود. این تظاهرات که در آن صدها تن از قربانیان چند دهه اخیر

افغانستان اشتراک ورزیده بودند با شعارهایی چون «صدای قربانیان را بشنود، جنایت کاران محاکمه شوند» از پارک شهرنو کابل تا نزدیک دروازه سازمان ملل متحد ادامه یافت.

این در حالیست که در همین روز تعدادی از قربانیان با همکاری کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به طرف گورهای دسته جمعی... (ادامه در صفحه ۹)



عفو بین المللی می گوید: اجلاس ناتو باید از حقوق بشر اساسی در افغانستان حمایت کند در مورد تلفات به دست نیروهای ناتو و افغانستان پاسخگویی وجود ندارد

۱۸ نوامبر ۲۰۱۰

عفو بین المللی در آستانه کنفرانس سران ناتو در لیسبون از رهبران ناتو خواست از حقوق بشر حمایت و امنیت مردم افغانستان را تضمین کنند.

عفو بین المللی با ارسال نامه هایی به رهبران ناتو از آنها خواست بیشتر در مورد نیروهای نظامی افغانستان و بین المللی پاسخگو باشند، با بازداشت های خودسرانه و شکنجه مقابله کنند و در هرگونه گفتگو با طالبان از تضمین حقوق بشر اطمینان حاصل نمایند.

سام ظریفی، رئیس بخش آسیا و اقیانوس آرام عفو بین المللی گفت: «با شروع بحث در باره



©APGraphicsBank

وضعیت حقوق بشر در افغانستان اکنون مبرتر از همیشه است.»

دبیر کل ناتو آندرس فوگ راموسن گفته است که کنفرانس سران در سال ۲۰۱۰ مرحله ای تازه در عملیات ناتو در افغانستان را رقم خواهد زد، زیرا با شروع برنامه تازه متحدین دولت افغانستان هدایت مسایل امنیتی را در کشور به دست خواهد گرفت.

عفو بین المللی در نامه هایی به رهبران ناتو سه گام مشخص را برای بهبود در وضع حکومت داری، رعایت حاکمیت قانون و حقوق بشر ارائه کرد که امنیت و ثبات مردم افغانستان را تقویت خواهد نمود:

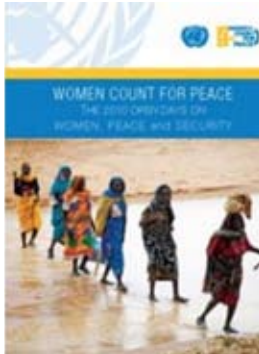
۱- بهبود در وضع پاسخگویی نیروهای نظامی و امنیتی افغانستان و بین المللی طالبان و نیروهای شورشی دیگر مسئول بخش عمده تلفات غیرنظامی در افغانستان هستند، اما این مساله فقدان مدارم پاسخگویی و پرداخت... (ادامه در صفحه ۱۰)

زنان، صلح و امنیت

گزارشی در باره روزهای بازدید عمومی سازمان ملل متحد در باره موضوع زنان، صلح و امنیت

در قلب قطعهنامه تاریخی ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل، در باره زنان، صلح و امنیت (۲۰۰۰) تعهد به توانمندسازی زنان برای ایفای نقش در تمام مراحل صلح سازی، برقراری صلح، حفظ صلح و پیشگیری از درگیری قرار دارد.

در دهمین سالگشت تصویب قطعهنامه ۱۳۲۵، سازمان ملل روزهای بازدید عمومی در باره موضوع زنان، صلح و امنیت در مناطق جنگ زده ترتیب داد. این جلسه های العاده به قصد ایجاد گفتگوی مستقیم بین سازمان های صلح سازی زنان و رهبران محلی زنان با نمایندگان ارشد سازمان ملل در محل برگزار شد. هدف از این کار کسب نظریات زنان در باره روش های بهبود اجرای قطعهنامه ۱۳۲۵ بود. این مجامع باز و فراگیر فرصت برای محلی کردن بیشتر قطعهنامه را برای زنان فعال در امر صلح سازی فراهم کرد.



در تمام این جلسه ها، زنان این انتظار را ابراز کردند که سازمان ملل از فرصت مهم دهمین سالگشت قطعهنامه ۱۳۲۵ برای ایفای نقش همکار و رهبر در حقوق زنان در شرایط جنگی و پس از جنگ استفاده کند. در شروع این رویدادها، دبیر کل سازمان ملل بان کی مون هسته اساسی قطعهنامه را یادآوری کرد: «صلح پایدار تنها در صورت مشارکت کامل زنان - چشم انداز، رهبری، حضور روزانه و برابر آنها - در همه نواحی که ما قصد برقراری و حفظ صلح را داریم، ممکن است.»

این گزارش ششگانه از این روزهای بازدید عمومی به دست می دهد. شرح چشم اندازهای زنان در باره حل و فصل درگیری و صلح سازی موثرتر، تشخیص مسایل مشترک در چارچوب های مختلف و نیز مسایل مورد تفاوت و به علاوه پیشنهاداتی برای بهبود در تلاش های بین المللی، منطقه ای و کشوری برای حمایت از زنان و ترویج صلح در گزارش آمده است.

ناشر: بخش عملیات صلح سازمان ملل، بخش امور سیاسی سازمان ملل، برنامه توسعه سازمان ملل، برنامه صندوق توسعه برای زنان سازمان ملل
سال انتشار: ۲۰۱۰
تعداد صفحات: ۱۱۲

منبع خبر: http://www.unifem.org/materials/item_detail.php?ProductID=183

متن گزارش:

http://www.unifem.org/attachments/products/WomenCount4Peace_OpenDays_Report_en.pdf

اطلاعات تکمیلی در باره «کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان»

در شماره گذشته «آرمان شهر» (۱۰ - ۹، پائیز ۱۳۸۹)، «کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان» را مشروح معرفی کردیم. اینک اطلاعات تکمیلی و تازه ای در باره این کنوانسیون ارائه می کنیم. این کنوانسیون در دهه ۱۹۷۰ تدوین شد و بالاخره در دسامبر ۱۹۷۹ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید؛ کنوانسیون از سپتامبر ۱۹۸۱ به اجرا در آمد.

تا اکتبر ۲۰۱۰، ۱۸۵ کشور آن را به تصویب رسانده بودند، اما شش کشور عضو سازمان ملل آن را هنوز امضا نکرده و به آن ملحق نشده اند. این کشورها عبارتند از: ایران، سومالی، سودان و سه جزیره کوچک در اقیانوس آرام (نانورو، پالائو و تونگا). آمریکا نیز هنوز به آن ملحق نشده است، گرچه در سال ۱۹۸۰ آن را امضا کرد. نیو (یک جزیره دیگر در اقیانوس آرام) و واتیکان نیز آن را امضا نکرده اند.

کشورهای اسلامی، به جز سه کشور بالا، همه به این کنوانسیون ملحق شده اند، اما شرط هایی قائل شده اند، به ویژه در مورد ماده های ۹ (تابعیت)، ۱۵ (برابری حقوق زنان و مردان) و ۱۶ (ازدواج و خانواده).

بسیاری از کشورهای دیگر، شامل کشورهای اروپایی مثل اتریش، بلژیک، فرانسه، ایتالیا، آلمان، اسپانیا، سوئیس و انگلستان نیز شرط هایی را ذکر کرده اند. فرانسه، اسرائیل، مالتا، موناکو، جمهوری کره، سوئیس و انگلستان برای ماده ۱۶ حق شرط قائل شده اند. سوئیس و انگلستان در مورد ماده ۱۵ نیز شرط گذاشته اند.

افغانستان و کنوانسیون: افغانستان در سال ۱۹۸۰ کنوانسیون را امضا کرد و در سال ۲۰۰۳ بدون هرگونه شرطی به آن ملحق شد. این مساله افغانستان را با مشکلاتی روبرو می کند. از طرفی کنوانسیون برابری کامل زن و مرد را الزامی کرده و هرگونه تخلف از آن در عمل و قانون می تواند به مجازات هایی در آینده بیانجامد. از طرف دیگر، بسیاری از عملکردها و نیز قوانین مختلف از جمله قانون اساسی باید برای جلوگیری از تناقض با این کنوانسیون مورد بازنگری قرار گیرد. مواردی همچون قانون احوال شخصیه شیعه نیز در همین چارچوب قرار می گیرد.

متن کنوانسیون در پیوند زیر موجود است: <http://www.un.org/womenwatch/daw/cedaw/cedaw.htm>
در همان وبسایت، می توان فهرست کشورهای عضو کنوانسیون و جزئیات کامل تمام شرط ها را در پیوند زیر دید: http://treaties.un.org/Pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtsg_no=IV-4&chapter=4&lang=en#23



بیانیه گروه عدالت انتقالی افغانستان

به مناسبت روز جهانی حقوق بشر و روز ملی قربانیان در افغانستان

«عدالت را قربانی نکنید»

۱۹ قوس ۱۳۸۹ برابر با ۱۰ دسامبر ۲۰۱۰

روز ملی قربانیان در افغانستان که هم زمان با روز جهانی حقوق بشر است، گروه هماهنگی عدالت انتقالی افغانستان را بر آن داشت تا یک بار دیگر صدای جمع بزرگی از مردم را که در دهه های مختلف جنگ آسیب دیده و قربانی حوادث ناخوایسته و سهمگین گردیده اند، باشد و این نکته را یادآوری کند که تجلیل از روز جهانی حقوق بشر بدون در نظر داشت خواست های قربانیان و اقدام عملی برای پاسخ گویی به مطالبات آن ها از سوی مسئولین ملی و بین المللی، اقدامی نمایشی و سمبولیک خواهد بود. گروه هماهنگی عدالت انتقالی افغانستان خواهان تحقق عدالت و تطبیق آن در جامعه برای احقاق حقوق قربانیان و صلح پایدار است. اما پرسشی که در پیش می آید این است که چرا دولت افغانستان و حامیان بین المللی آن، خواست های میلیون ها قربانی را نادیده گرفته و عملاً آنان را از روند صلح و ادغام سازی حذف نموده اند؟ این امر نه تنها صلح عادلانه را برای جامعه به ارمغان نمی آورد بلکه با قربانی کردن عدالت، باعث بی اعتمادی روزافزون مردم از دولت مردان و حامیان آن ها نیز می شود.

اکنون که در آستانه روز ملی قربانیان قرار داریم، گروه عدالت انتقالی یک بار دیگر خواسته های قربانیان و عدالت خواهان را به دولت و جامعه بین المللی گوش زد می نماید. دولت افغانستان ملزم است به تعهدی که به قربانیان و مردم افغانستان برای تحقق عدالت، صلح پایدار و تامین امنیت سراسری در کشور سپرده، پایبند باشد و با در پیش گرفتن اقدامات عملی و روشن به خواسته های این گروه کثیر از مردم پاسخ مثبت دهد. دولت باید به مردم افغانستان اطمینان دهد که عدالت بنیاد اصلی هر حرکتی به سوی صلح در افغانستان را تشکیل خواهد داد و دوباره حیات این ملت را در اختیار مظنونان نقض فاحش حقوق بشر قرار نمی دهد.

گروه هماهنگی عدالت انتقالی یادآوری می نماید که قانون اساسی بالاترین مرجع قانونی در کشور است و راه کارهای دست یافتن به صلح باید با روح و نص قانون اساسی سازگار باشد. بنابراین این گروه با درکی که از وضعیت قربانیان و کشور و بر اساس مجموعه تجربیات صلح سازی در جهان دارد از دولت افغانستان می خواهد که:

(ادامه در صفحه ۱۰)

انسان نمی تواند فجایع را فراموش کند

۶۵مین برنامه گفتگوی بنیاد آرمان شهر تحت عنوان «بازخوانی حافظه جمعی و معرفی کتاب پر سیمرغ» روز ۲۳ قوس برابر با ۱۴ دسامبر و در قالب مجموعه برنامه های هفته حقوق بشر برای قربانیان در مرکز فرهنگی فرانسه در کابل برگزار شد. در این برنامه که بیش از ۱۳۰ نفر از دانشگاهیان، فعالان جامعه مدنی، فعالان اجتماعی و حقوق بشر در آن شرکت کرده بودند، آقایان کاظم یزدانی (تاریخ نگار)، اسد بودا (استاد جامعه شناسی و پژوهش گر) و شیوا شرق (روزنامه نگار و دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ادبیات) سخنرانی کردند.

در ابتدای این برنامه آقای روح الامین امینی (آرمان شهر) به مناسبت چاپ کتاب «پر سیمرغ» از انتشارات آرمان شهر به معرفی این کتاب پرداخت و گفت: مجموعه ای که پیش رو دارید منتخب آثاری است که از ۴ گوشه دنیادر پی فراخوانی به مناسبت روز صلح گرد آوری شده است. محور اصلی برگزاری جشنواره صلح سیمرغ بازخوانی حافظه جمعی است و آثاری که به دبیرخانه جشنواره ارسال شد همه دارای مضامین نفرت از جنگ، نفی خشونت، قربانیان جنگ و ستایش صلح بوده است. مکتوب نمودن تاریخ شفاهی این سرزمین هدف دیگری بوده است که خواسته ایم از طریق جایزه صلح سیمرغ به آن دست بایزیم. واقعیت های جامعه به دلیل سلطه حکومت های استبدادی و دیکتاتوری هرگز در تاریخ رسمی کشور انعکاس نیافته است. تاریخ رسمی در مقابل درد و رنجی که مردم در دهه های متمادی استبداد... (ادامه در صفحه ۱۱)



قطعه‌نامه ۱۳۲۵، وضع زنان در افغانستان و ضرورت‌ها

محقق حمید رزاق

برای شروع بحث ابتدا ناگزیریم تعریفی از صلح به دست دهیم.

صلح: نکته اساسی که باید به آن پرداخته شود معنای "صلح" است. به عبارت دیگر پرسش اصلی آن است که آیا نبود جنگ به معنای صلح است؟ یعنی اگر کشوری مستقیماً درگیر جنگ نباشد باید معتقد باشیم که مردم آن در صلح به سر می‌برند؟ مسلماً خیر! این تعریف از صلح مربوط به چند قرن قبل است. در حالی که در قرن ۲۱ صلح باید به گونه‌ای دیگر تعریف شود. صلح به معنای آرامش است و انسان زمانی در آرامش به سر می‌برد که حقوق انسانی ضایع نشده و کرامت انسانی خود را حفظ کند. بدیهی است انسانی که به علت فقر نمی‌تواند تحصیل کند یا انسانی که به خاطر بیان عقاید خود به زندان افتاده و مجازات یا ستاره دار می‌شود، انسانی که خانه و کاشانه‌اش ندارد و در خیابان زندگی می‌کند و آرامش ندارد، در صلح زندگی نمی‌کند. برای اینکه صلح در جامعه‌ای پایدار بماند باید بر دور کردن اساسی استوار باشد.

۱. دموکراسی:

اگر در جامعه‌ای استبداد حکومت کند چه استبداد اجتماعی و چه استبداد سیاسی، اگر در کشوری به آرا و عقاید مردم احترام گذاشته نشود، اگر در جامعه‌ای هر صدای مخالفی را به ضرب زندان و گلوله خاموش کنند، مسلمان روزی آرامش آن جامعه به هم خواهد خورد.

نکته دیگری که باید در نظر گرفت نگاهی به تعریف دموکراسی است. دموکراسی در معنای کلاسیک آن به معنای حکومت اکثریت است اما اکثریتی که در یک انتخابات آزاد به قدرت می‌رسد حق ندارد هر طوری که بخواهد حکومت کند.

چهارچوب دموکراسی قواعد حقوق بشر است. به عبارت دیگر اکثریتی که به قدرت رسیده، فقط در چهارچوب ضوابط حقوق بشر می‌تواند حکومت کند و حق تخطی از آن را ندارد.

۲. عدالت اجتماعی

پایه دیگر صلح در عدالت اجتماعی است. نمی‌توان در جامعه‌ای که اختلاف طبقاتی آن زیاد است آرامش برقرار ساخت.

طبق آمارها میلیون‌ها نفر زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

بنابراین می‌توان صلح را در مفهوم ایجابی آن چنین تعریف کرد: همکاری، مشارکت و ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر کرامت انسانی که در آن انسان‌ها زندگی...
(ادامه در صفحه ۱۳)

منابع سازمان ملل در باره زنان، صلح و امنیت



UNIFEM Resources on Women, Peace and Security

یونیمف - صندوق توسعه زنان سازمان ملل مدت‌هاست که در مناطق جنگ زده همراه زنان بوده است: زنان را از ورای خطوط جغرافیایی یا سیاسی با یک دیگر همراه کرده تا در مذاکرات صلح یا انتخابات پس از جنگ بر روی مواضع مشترک توافق کنند: از ارتباط آنها با نهادهای امنیتی و قضایی برای پایان

دادن به معافیت از مجازات به اتهام خشونت علیه زنان حمایت کرده است؛ شرکت آنها در برنامه ریزی پس از جنگ را برای تضمین توجه به نیازهایشان تسهیل کرده است؛ و ارتباط آنها با نیروهای حافظ صلح را برای ترویج پاسخ‌سازنده به تهدیدهای قابل توجه امنیتی علیه زنان تقویت کرده است.

این مجموعه مقالات یونیمف حجم قابل توجهی از مطالب تحلیلی و دفاعی تهیه شده در پنج سال گذشته را گردآوری نموده که پایه در برنامه ریزی برای کمک به پیشرفت برنامه زنان، صلح و امنیت در سیاست‌گذاری و عمل دارد.

این مجموعه شامل مقالاتی در باره مسایل جنسیتی در فرایندهای صلح، حفظ صلح، برنامه ریزی و تأمین مالی برای دوره پس از جنگ، و عدالت انتقالی است. مجموعه این مقالات در کنار یک دیگر طیفی از کوشش‌های مداوم برای تقویت توانایی‌های سازمان ملل متحد برای ترویج صلح و پیشگیری از خشونت را تشریح می‌کنند.

مقاله‌ها:

- توضیح راه‌نما: تشخیص اولویت‌های صلح و امنیت زنان: بناکردن نظر و نفوذ
- رساله خلاصه خط مشی: تحلیل جنسیت و جنگ
- زنان در جریان صلح‌سازی و جلوگیری از خشونت جنسی در چارچوب درگیری‌ها
- خشونت جنسی مرتبط با جنگ و مذاکرات صلح: اجرای قطعنامه ۱۸۲۰ سازمان ملل (۲۰۰۸)
- مشارکت زنان در مذاکرات صلح: ارتباط بین حضور و نفوذ
- زنان چه می‌خواهند: برنامه ریزی و تأمین مالی صلح‌سازی در ارتباط با جنسیت
- زنان هدف یا تحت تأثیر درگیری نظامی: نقش حافظان صلح نظامی چیست؟
- توجه به خشونت جنسی مربوط به جنگ: ... ادامه در صفحه (۱۰)

اصلاحات در نظام عدلی افغانستان

گزارشی تازه از گروه بین‌المللی حل بحران

کابل/پروکسل، ۱۷ نوامبر ۲۰۱۰: «اصلاحات در نظام عدلی از هم پاشیده افغانستان» عنوان آخرین گزارش گروه بین‌المللی حل بحران است. خلاصه‌ای از این گزارش در زیر ارائه می‌شود:

نظام عدلی افغانستان در وضعیت مصیبت‌باری قرار دارد. با وجود تعهدات و کمک‌های مداوم در طی نه سال گذشته، اکثر مردم افغانستان یا دسترسی محدود به نهاد های عدلی دارند و یا هم هیچ دسترسی به آنها ندارند. نبود عدالت، این کشور را بی‌ثبات ساخته است و نهاد های عدلی تقریباً مضمحل گردیده است. تعداد زیادی از محاکم غیر فعال هستند و تعدادی دیگری هم که فعال است با مشکل کمبود پرسنل روبرو هستند. نا امنی، نبود آموزش سالم و معاش نا کافی سبب گردیده است تا تعداد زیادی از قضات و دادستان‌ها وظایف خویش را ترک نمایند. کسانی که هنوز به کار خویش ادامه داده‌اند، به شدت در برابر فساد آسیب پذیر گشته‌اند. واقعیت این است که از یک سو رویکرد سیستماتیک و نظام مندی نسبت به اصلاح نظام حقوقی در افغانستان وجود ندارد و از سوی دیگر هم شواهد نشان می‌دهند که حکومت افغانستان منابع و یا اراده سیاسی لازم را ندارد تا به این مشکلات رسیدگی نماید. در این فضای معافیت از مجازات، مردم اعتماد خود را نسبت به عدالت رسمی از دست داده‌اند. و در نتیجه، اکثر مردم مجبور شده‌اند تا نوع خشن عدالت طلبانی و همچنین نوع عدالت قدرتمندان جنایت پیشه را در مناطق خارج از کنترل حاکمیت بپذیرند.

به منظور برگرداندن وضعیت به حالت مطلوب، دولت افغانستان و جامعه جهانی باید موضوع حاکمیت قانون را به عنوان اساسی‌ترین پایه یک استراتژی نیرومند ضد شورش، در کنار حفاظت یکسان از حقوق و جان و مال مردم، در اولویت کاری خود قرار بدهند. استقرار مجدد نهاد های عدلی نیز باید در صدر فهرست و مرکز توجه هر گونه استراتژی در جهت با ثبات ساختن کشور، قرار داشته باشد. دولت افغانستان در این راستا باید تلاش بیشتر به خرج دهد تا اطمینان حاصل نماید که قاضی‌ها، دادستان‌ها و وکیلان مدافع از درک و دانش کافی در مورد قوانین و اجرای عادلانه آن برخوردار شده باشند... مساله عدالت باید در مرکز عملیات صلح در افغانستان قرار بگیرد. از این رو، تعهدات جامعه جهانی باید بر تأکید به مسایل بنیادین از قبیل برقراری موازنه در بین قوای سه‌گانه و برخورد با تخلفات دولتی در گذشته و حال متمرکز باشد...

در اثر سه دهه تنش و مناقشات سیاسی... قوه قضاییه امروزی، با میراث بجامانده از مداخله‌های سیاسی بازیگران قدرت داخلی و خارجی درگیر است که در نتیجه این امر، استقلال قضا، یکی از قربانیان اصلی جنگ‌های دوامدار در افغانستان بوده است. دادگاه‌ها سالیان سال دستخوش مداخلات و دست اندازیهای قوه مجریه بوده‌اند که به نحوی... ادامه در صفحه (۱۳)

پُر سیمرغ

از تلاش جمعی تا حافظه جمعی

«پُر سیمرغ» برگزیده شعرهای جایزه صلح سیمرغ است که در پاییز ۱۳۸۹ توسط انتشارات آرمان شهر به نشر رسیده است.

این کتاب با ۳۰۰۰ تیراژ شعرهای شاعرانی از کشورهای افغانستان، ایران و تاجیکستان را در بر دارد.

جایزه صلح سیمرغ جایزه‌ای ادبی است که فراخوان آن در ۲۴/۷/۱۳۸۸ ارایه گردید و در آن از شاعران و نویسندگان فارسی زبان خواسته شده بود تا آن دسته از آثارشان را که در مورد نفي جنگ، خشونت، نظامی‌گری و شکنجه است را برای شرکت در این جایزه ادبی ارسال کنند که خوشبختانه حدود یک هزار اثر از چهار گوشه دنیای فارسی زبانان به دبیرخانه این جشنواره رسید. این آثار بر علاوه این که در قالب‌های مختلف شعر فارسی سروده شده است نثرهایی را نیز به همراه دارد. نثرهایی که از داستان شروع کنیم تا قطعه ادبی نمونه‌هایی را در خود دارد.

کتاب حاضر برگزیده شعرهای این جشنواره است که در ۱۸۰ صفحه و به زبان فارسی منتشر شده است. قرار است گزیده‌ای از این کتاب به زودی به زبان انگلیسی نیز توسط همین انتشارات به نشر برسد.

آثاری که در این کتاب گنجانده شده از بین شعرهای شاعران شرکت‌کننده در این جشنواره است که بر علاوه قوت ادبی با موضوع جایزه صلح سیمرغ نیز همخوانی داشتند.

انتشارات آرمان شهر بر این باور است که نشر این کتاب و کتاب‌هایی از این دست با توجه به تاریخ پر و فراز و نشیب و شفاهی‌گویی کشورمان افغانستان می‌تواند کمک شایانی به جمع‌آوری حافظه جمعی بکند. جمع‌آوری شعرها، خاطره‌ها و ...
(ادامه در صفحه ۱۳)



نگاهی به کنفرانس مصالحه و عدالت

در ۱۹ عقرب ۱۳۸۹ برابر با ۱۰ نوامبر سال ۲۰۱۰ کنفرانس زیر عنوان «مصالحه و عدالت» از سوی شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان، جامعه باز افغانستان، دفتر نمایندگی سازمان ملل متحد در افغانستان و مرکز بین المللی عدالت انتقالی، در شهر کابل برگزار شد.

در این کنفرانس حدود ۷۰ تن از نمایندگان نهادهای بین المللی، نهادهای مدنی و شهروندان از ولایات و نقاط مختلف کشور، گرد هم آمدند. سخنرانهای اصلی این کنفرانس آقای استغنی دمستورا، نماینده سرمنشی سازمان ملل متحد در افغانستان، آقای محمد معصوم استانکزی رییس دارالانشاء شورای عالی صلح، آقای فرانسس وندرلر نماینده پیشین اتحادیه اروپا در افغانستان، آقای احمد رشیدی روزنامه نگار پاکستانی و تحلیل گر مسائل منطقه، آقای باری سلام رییس رادیو صبح به خیر افغانستان، آقای نادر نادری سخنگوی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، آقای محمد اسماعیل قاسمیار عضو شورای عالی صلح، خانم سمیرا حمید رییس شبکه‌ی زنان افغانستان بودند.

در ابتدا آقای استغنی دمستورا گفت:

افغانستان کشوری بود که در دوره‌های مختلف جنگی قرار داشت. از ۲۳ سال پیش ما شاهد جنگ‌های داخلی در افغانستان بوده‌ایم و این مردم همیشه قربانی جنگ شدند. اما در شرایط فعلی که جوامع بین المللی متوجه افغانستان هستند و به کمک‌ها ششان در افغانستان دوام داده‌اند، لازم است تا ما به صلح برسیم. حال وقت آن نیست که ما برای عدالت شتاب کنیم؛ برای کشور مصالحه مهم است و هیچ راه دیگری جز این وجود ندارد. ولی باید توجه به صدای جامعه مدنی و قربانیان جنگ صورت گیرد و خواسته‌های آن‌ها نادیده گرفته نشود.

سخنران دوم آقای استانکزی رییس دارالانشاء شورای عالی صلح گفت:

باید در افغانستان تلاش نمود که چه گونه به صلح برسیم؟ مردم افغانستان ۳۳ سال است که در جنگ قرار دارند و قربانی اصلی این حوادث هستند. هنوز جنگ دوام دارد، بی عدالتی و نقض حقوق بشر عملاً جریان دارد. بنابراین، باید به جنگ خاتمه دهیم و عدالت اجتماعی را تأمین نماییم. اگر به یک سال قبل از امروز مراجعه کنیم در رابطه به پروسه‌ی صلح نگرانی‌هایی از طرف مردم و جامعه مدنی افغانستان وجود داشت. در این مدت دیدگاه‌های متفاوتی وجود داشت. افراد فکر می‌کردند که پروسه صلح به حقوق قربانیان صدمه وارد می‌کند و یا شاید قانون اساسی رعایت نشود و سوال‌های دیگری که ما با آن‌ها مواجه شدیم.

ما در حقیقت قربانی حوادث و کشمکش‌های منطقه‌ای شده بودیم. تضادهای منطقه‌ای باعث شد کشور ما امن و آرامش را از دست بدهد..... ادامه در صفحه (۱۷)

پیام کنفرانس یک روزه در پیوند با مصالحه و عدالت

۱۹ عقرب ۱۳۸۹ برابر با ۱۰ نوامبر ۲۰۱۰

کابل - افغانستان

چندین دهه جنگ در افغانستان و نیز ادامه نامانی و وحشت در سالهای اخیر، ما را به ضرورت و اهمیت صلح، بیش از پیش واقف ساخته است. جنگ و نامانی، نه تنها داشته‌های مادی جامعه را ویران میکند، بلکه پیش از همه و مهم تر از همه، روان انسانها و روابط و نظم اجتماعی را به هم میریزد...

ما فعالین جامعه مدنی و حقوق بشر معتقدیم، که طرح صلح و راهکارهای رسیدن به آن در صورتی میتواند به موفقیت بیانجامد، که در آن عدالت و حقوق و کرامت انسانی انسان محفوظ باشد. ما به هیچ وجه آمیت بدون عدالت را شایسته شأن انسان نمیدانیم و معتقدیم که در نبود حقوق و آزادیهای انسان، آمیت نیز تأمین نخواهد شد.

صلح، یک پروسه ملّی است و نباید قربانی گرایش‌های سیاسی افراد و حلقه‌های خاص شود. صلح در صورتی میتواند ماهیت ملی خود را حفظ کند، که برای تمام اقشار جامعه، فرصتهای برابر برای زندگی کردن و برخورداری از امکانات را فراهم سازد. اگر صلح وسیله بی برای رسیدن به خواسته‌های سیاسی اقلیت و دسته‌های خاصی در درون دولت شود، روشن است که ماهیت عادلانه و انسانی خود را از دست خواهد داد و تبدیل به وسیله سلطه خواهد شد. حکومت، نباید مصالحه با طالبان را به یک ابزار سیاسی به نفع انحصار و تمرکز قدرت، در دست حلقه‌های خاص ایدئولوژیک، قومی، قبیله‌ای، جنسیتی و امثال آن تبدیل کند... هرگاه با صلح صرفاً بازی و برخورد سیاسی صورت بگیرد، سرانجام، گره بحرانیهای افغانستان را فروبسته تر خواهد ساخت و بدتر از آن، اعتماد مردم را نسبت به صلح و مصالحه و همزیستی مسالمت آمیز با همدیگر و با دولت از بین خواهد برد. روشن است که در آن صورت دولت نیز اقتدار و حرمت خود را از دست خواهد داد و چه بسا که از بین خواهد رفت.

اشتراک کننده گان کنفرانس امروز به این باورند، که:

... با تأسف، شورای عالی صلح، که مأمور فعالیت‌های گسترده در زمینه تأمین صلح است، از ترکیب نگران کننده بی برخوردار است؛ جایگاه نماینده گان جامعه مدنی در این شورا خالی به نظر میرسد و حضور زنان، نماینده گان قربانیان، چهره‌های تحصیل کرده و روشنفکر در آن بسیار کمزنگ است.

از اظهارات سخنگوی این شورا بر می آید که آنان هنوز می‌توانیم و استراتژی روشن در پیشبرد طرح مصالحه طرح و ارائه نکرده‌اند... به باور ما، ... ادامه در صفحه (۱۶)

انستیتوت تاریخ در آینه گفتگو

مصاحبه با عبدالصابر جنبش ۱ رییس انستیتوت تاریخ آکادمی علوم افغانستان

ج دروازیان

- پیشینه بخش تاریخ چیست؟

آقای صابر جنبش: در قرن بیستم وقتی انجمن‌ها تاسیس می‌شد یکی از این انجمن‌ها، انجمن ادبی کابل بود که در سال ۱۳۱۰ خورشیدی تاسیس شد. که پیش از آن انجمن ادبی هرات تاسیس شده بود و بعد از آن انجمن ادبی قندهار تاسیس شد. نخستین بار که انجمن تاریخ تاسیس شد مجله‌ای داشت به نام مجله کابل که عمدتاً نشرات آن مختص به تاریخ، جغرافیه و ادبیات افغانستان بود. نویسندگان توانای وقت چون میر غلام محمد غبار، عبدالحی حبیبی، عبدالعلی مستغنی، آقای لطیفی،



عزیزی و ... عضو انجمن ادبی کابل بودند. تا سال ۱۳۱۵ خورشیدی وضعیت به همین گونه ادامه یافت، نشرات این مجله به زبان فارسی بود و هر ماه یک بار نشر می‌شد. در سال ۱۳۱۶ انجمن ادبی کابل را با انجمن ادبی پشتوی قندهار یکجا ساختند و نام آنرا پشتو تولنه گذاشتند. پشتو تولنه به شکل قبلی خود تا مدتی دوام یافت اما در سال ۱۳۲۰ کاملاً نشرات آن تغییر کرد و مختص به زبان پشتو شد.

به اثر فشار و واکنش‌هایی که روشنفکران وقت و نویسندگان داشتند، دولت وقت ناگزیر شد که در جدی ۱۳۲۱ خورشیدی انجمن تاریخ به رهبری احمد علی کهزاد تاسیس کند. ارگان نشراتی آن مجله‌ی آریانا مختص به تاریخ افغانستان و نشرات آن به فارسی دری بود. این مجله تا مدت‌ها ماهانه نشر می‌شد، اما بعداً به دوماهانه تغییر یافت. اما روحیه نشر آن مثل سابق ادامه داشت که همان مسائلی تاریخی و ادبی را به نشر می‌رساند. بعد از سال ۱۳۴۰ این مجله به فصلنامه تبدیل شد که هر سه ماه یک بار چاپ می‌شد. وضعیت به همین گونه ادامه داشت که در سال ۱۳۵۷ در ماه حوت دولت وقت مطابق فرمان یک تعداد انجمن‌های دیگر و ریاست‌های مستقل چون مرکز باستان شناسی، دایره المعارف آریانا، مجله‌ی بین المللی کوشانی، پشتو تولنه، و انجمن تاریخ را ادغام کردند. و از مجموع این‌ها آکادمی علوم تاسیس شد. در لایحه‌ی آن نوشته شده است که آکادمی علوم عالی ترین مرجع تحقیق کننده‌ی علوم در کشور است.

کارهای اساسی انجمن تاریخ و انستیتوت تاریخ چه بود؟...

ادامه در صفحه (۱۵)

گزارشی در باره مفهوم و چالش‌های غرامت‌های جمعی

مرکز بین المللی عدالت انتقالی



international center for
TRANSITIONAL
JUSTICE

[توجه: کنفرانسی که این گزارش بر مبنای آن تهیه شده در سال ۲۰۰۹ برگزار شد. از آن پس تحولات مهمی در باره پرداخت

غرامت به طور کلی در بعضی از کشورها رخ داده است.]

این گزارش شامل خلاصه‌ای از برنامه‌های پرداخت غرامت در هفت کشور (کلمبیا، اندونزی، لیبیا، مراکش، پرو، سیرا لئون و تیمور لست) است که در جریان اجراست یا اجرای آنها توصیه شده است. توجه گزارش به وجه دسته جمعی این برنامه هاست.

این گزارش تجربه پرداخت غرامت در این کشورها را از نگاه سیاست گذاران و جامعه مدنی کشور بررسی می‌کند. گزارش مسائلی اصلی مفهومی و عملی مربوط به غرامت‌های دسته جمعی را مورد تحلیل قرار می‌دهد، از جمله: «جمع» به چه معناست، برنامه‌های پرداخت غرامت دسته جمعی چگونه با توسعه برنامه‌های کمک‌رسانی بشردوستانه هم‌پوشانی دارند و ربط پیدا می‌کنند، ملاحظات جنسیتی در انتخاب غرامت دسته جمعی کدام است، چه مسائلی در طراحی اقدامات مربوط به پرداخت غرامت دسته جمعی بروز کرده است، «گروه‌های ذینفع» چگونه در این برنامه‌ها مشارکت دارند، و بحثی کوتاه در باره تأمین منابع مالی غرامت‌های دسته جمعی.

این گزارش را به زبان‌های مختلف می‌توان از پیوندهای زیر دریافت کرد:

انگلیسی:

http://www.ictj.org/static/Publications/ICTJ_Reparations_RabatReport_pb2010_en.pdf

عربی:

http://www.ictj.org/static/Publications/ICTJ_Reparations_RabatReport_pb2010_ar.pdf

فرانسوی:

http://www.ictj.org/static/Publications/ICTJ_Reparations_RabatReport_pb2010_fr.pdf

اسپانیایی:

http://www.ictj.org/static/Publications/ICTJ_Reparations_RabatReport_pb2010_sp.pdf

گروه های جنایتکار برای «ان جی او» ها خطرناک هستند

کابل، دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل: به گفته دفتر ایمنی سازمان های غیردولتی در افغانستان، خشونت مسلحانه پس از سقوط رژیم طالبان نه سال پیش در سطحی گسترده وجود داشته است اما شورشیان طالبان به عمد «ان جی او» ها را مورد حمله قرار نمی دهند.

به گفته همان منبع، در روز ۱۸ سپتمبر، روز انتخابات پارلمانی که مورد مخالفت طالبان قرار گرفت، شورشیان مسئولیت ۴۸۳ حادثه امنیتی را به عهده داشتند، اما فقط دو گلوله خمپاره در نزدیکی دفاتر ان جی او ها اصابت کرد و هیچ کس زخمی نشد. به گفته یکی از مسئولان این دفتر، «خشونت مسلحانه به شدت افزایش یافته - ۶۰-۵۰ درصد بیش از سال پیش - اما حوادث مربوط به ان جی او ها کاهش یافته است». این دفتر از اول جنوری تا ۱۵ سپتامبر حداقل ۸۴ مورد حادثه امنیتی مربوط به ان جی او ها را ثبت کرده است.

در ماه اگوست، ۱۰ نفر از کارکنان هیات کمک رسانی بین المللی (International Assistance Mission - IAM) و سه نفر از کارکنان محلی آکسفام اینترنشنال در دو حادثه جداگانه در ایالت بدخشان در شمال شرقی کشته شدند. لوتیز هنگاک، یکی از سخنگویان آکسفام در کابل در دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل گفت: «آکسفام هنوز فعالیت خود را در بدخشان از سر گرفته است، اما یک تیم امنیتی در حال حاضر مشغول بررسی وضعیت است».

بسه گفته کارشناسان، در مناطق به شدت ناامن و بی قانون که نه نیروهای دولتی بر آنها کنترل

کامل دارند و نه طالبان و گروه های جنایتکار آزادانه فعالیت می کنند، سازمان های کمک رسانی با خطر جدی روبرو شدن، دزدی و حملات دیگری با انگیزه های مالی روبرو هستند.

کیت کلارک، تحلیلگر ارشد مرکز تحقیقاتی شبکه تحلیلگران افغانستان (ANN) در کابل که در بساره حادثه مربوط به IAM تحقیق کرده است، می گوید دیگر هیچ تضمینی وجود ندارد. او می گوید «محدودیت» به



وضعیت عمومی روزنامه نگاران و کمک رسانان خارجی تبدیل شده است. ممکن است طرف های درگیر در جنگ از جمله طالبان به عمد به موسسه های کمک رسانی صدمه زنند، اما این را از جنایتکاران مسلح نمی توان انتظار داشت که کمک رسانان غیرمسلح هدف های ساده ای برایشان به شمار می آیند، به ویژه در مناطقی که هیچ نیرویی مانع آنها نباشد. از میان ۱۰ کارکن IAM که در بالا اشاره شد - دو افغان و هشت خارجی (شش نفر متخصص پزشکی) که در ۵ اگوست در منطقه ای دورافتاده از بدخشان مورد اصابت گلوله قرار گرفتند - دو نفر از مقتولان، دن نری و تام لیتل (هر دو آمریکایی) از دهه ۱۹۷۰ در افغانستان فعالیت کرده بودند.

طالبان و گروه دیگر شورشی، حزب اسلامی، با متهم کردن مقتولان به فعالیت های تبلیغ مذهبی مسئولیت قتل ها را به عهده گرفتند. اما خیلی ها گمان می کنند این ادعاها «فرصت طلبانه» باشد. به نظر IAM و دفتر ایمنی سازمان های غیردولتی مهاجمان «جنگجویان غیرمحل» بودند. کیت کلارک گفت: «این یک قتل سیاسی، یک جنایت نژادی بود. آنها به خاطر خارجی بودن کشته شدند. اگر طالبان در این کار شرکت می داشتند، به ربودن افراد علاقه نشان می دادند».

<http://www.irinnews.org/Report.aspx?Reportid=90662>

معرفی کنوانسیون های ژنو تا ۳

جواد دروایان

کنوانسیون های ژنو از پسر اهمیت ترین معاهده های حقوق بین المللی بشردوستانه به شمار می روند. این کنوانسیون ها بر اساس تجربه هایی که کشورها از جنگ ها گرد آورده بودند، تصویب شده است.

به اساس کنوانسیون های ژنو در زمان جنگ اصول و قوانین خاص بشر دوستانه حتا در برابر دشمن نیز باید رعایت گردد

پیشینه:

از قدیمی ترین کنوانسیون های مرتبط با افراد زخمی کنوانسیون ۲۲ اگست ۱۸۶۴ است. دوازده کشور در شهر ژنو موافقت کردند که سربازانی را که در جبهه زخمی شده اند جمع آوری نمایند و به آنها کمک های پزشکی برسانند. در سال ۱۹۰۶ کنوانسیون دوم ژنو با تجدید نظر در مفاد کنفرانس ۱۸۶۴ تصویب شد و جمعیت های کمک رسانی و خیریه هایی که کمک های پزشکی می رسانند، دعوت به همکاری شدند. در سال ۱۹۲۹ کنوانسیون سوم درباره ایسیران جنگی با برگزاری کنفرانس پس از به پایان رسیدن جنگ جهانی اول در ژنو به تصویب رسید. در همین کنفرانس برای نخستین بار صلیب سرخ جهانی پایه گذاری شد.

در سال ۱۹۴۹ بعد از جنگ جهانی دوم مفاد کنوانسیون های پیشین در بهبود سرنوشت زخمی ها و مجروحان نظامی و غیر نظامی و نیز وضعیت اسیران جنگی مورد بررسی و تایید قرار گرفت و کنوانسیون های چهارگانه تصویب شد.

یکی از نهادهای فعال در تدوین قانون جنگ به خصوص کنوانسیون های ژنو سازمان صلیب سرخ جهانی بود است.

هر چهار کنوانسیون ژنو به نحوی در بهبود سرنوشت زخمی ها و مجروحان نظامی و غیر نظامی و نیز وضعیت در خصوص اسیران جنگی قواعدی بیان نموده و وضع این قوانین با توجه به تجارب حاصل از جنگ جهانی دوم بر کیفیت بازدهی آنها موثر بوده است.

سوال این است که آیا با وجود ممنوعیت جنگ به موجب منشور ملل متحد و تاکید آن بر لزوم به کارگیری اصل عدم توسل به زور در روابط و فعالیت های بین المللی آیا می توان از توسعه و تدوین حقوق بین المللی جنگ صحبت به میان آورد و جنگ های...

ادامه در صفحه (۱۹)

پنهانکاری در باره گورهای دسته جمعی عدالت را تضعیف می کند

humanitarian news and analysis
a project of the UN Office for the Coordination of Humanitarian Affairs



۲۷ جولای ۲۰۱۰: به گزارش دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل، سه سال پس از انتصاب کمیسیونی برای تحقیق در باره گورهای دسته جمعی در دشت چمنله در شمال کابل، نه از کمیسیون خبری در دست است نه از تحقیقات آن. به گفته مسئولان دولتی، رئیس کمیسیون مولوی فاضل هادی شینواری از ۸ ماه پیش در بیمارستانی در هند در کما به سر می برد.

مولوی قیام الدین کشاف، رئیس موقت شورای علما (رئیس اصلی این شورا هم مولوی شینواری است) می گوید: «من هیچ اطلاعی از کمیسیون و فعالیت آن ندارم». مسئولان دفتر ریاست جمهوری نیز قادر نیستند اطلاعی در باره یافته های کمیسیون بدهند.

گروه های حقوق بشری می گویند در هشت سال گذشته، ده ها گور دسته جمعی تخریب شده و بسا این کار مدارک مهمی در باره جنایت ها و مرتکبان آنها از بین رفته است. احمد نادر نادری از کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل می گوید: «در بعضی موارد کسانی به عمد گورهای دسته جمعی را تخریب کرده اند تا مدارک کیفری را از بین ببرند».

تاکنون تحقیقات درستی در باره کشتارهای دسته جمعی و گورها انجام نشده است. به برادرهای رسمی، در داخل بعضی از گورها صدها جسد وجود دارد. کمیسیون مستقل حقوق بشر می گوید مکان حداقل ۱۱۸ گور دسته جمعی را ثبت کرده است و در یک گور در ولایت کنار در شرق بیش از ۱۱۰۰ جنازه وجود دارد.

گویا یکی از گورهای دسته جمعی در دشت لیلی در ولایت جوزجان که در سال ۱۳۸۰ اجساد هزاران تن از زندانیان طالبان در آنجا دفن شده، در سال ۱۳۸۷ دست کاری شده است.

گروه های حقوق بشر دستکاری در گور دسته جمعی دشت لیلی را به شدت محکوم کرده اند. داکتران حقوق بشر که گروهی مستقر در امریکاست از دولت افغانستان و حامیان خارجی آن خواست از این گورها محافظت کنند... ادامه در صفحه (۱۸)

ببین از ۱۱۸ گور دسته جمعی در ۸ سال گذشته در افغانستان کشف شده است
عکس: Akmal Dawi/IRIN



محاکمه ژان پیر بمبا، پاداشی برای شجاعت قربانیان در افریقای مرکزی

۱۸ نوامبر ۲۰۱۰

فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر از شروع محاکمه ژان پیر بمبا در دادگاه بین المللی جزایی در ۲۲ نوامبر ۲۰۱۰ استقبال می کنند. این اولین دادگاه در مورد جنایت های ارتکابی در جمهوری افریقای مرکزی است. آقای بمبا متهم به ارتکاب جنایت های جنگی و جنایت های ضد بشریت در چارچوب جنگ در جمهوری افریقای مرکزی در سال های ۲۰۰۳ - ۲۰۰۲ است.

سوهیر بالجنس، رئیس فدراسیون گفت: «شروع محاکمه ژان پیر بمبا گامی مهم در جهت تضمین عدالت برای قربانیان جنایت های فجیع در جمهوری افریقای مرکزی، به ویژه جنایت های خشونت جنسی است که منظم به عنوان سلاحی در جنگ به کار گرفته می شد. تاریخ شروع محاکمه از نگاه نمادین مهم است زیرا سه روز پیش از روز بین المللی رفع خشونت علیه زنان در ۲۵ نوامبر است. در این زمینه، از مشارکت صدها نفر از قربانیان و وکلایشان در محاکمه استقبال می کنیم و امیدواریم صدایشان شنیده شود».

جنایت های آقای بمبا، معاون پیشین رئیس جمهور در جمهوری دموکراتیک کنگو، شامل جنایت های جنگی (قتل، تجاوز و غارت) و جنایت های ضد بشریت (قتل و تجاوز) در حمایت از رئیس جمهور پیشین جمهوری افریقای مرکزی در سال های ۲۰۰۳ - ۲۰۰۲ است.

فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر و سازمان های عضو آن از سال ۲۰۰۳ با دفتر داستانی در دادگاه بین المللی جزایی مکاتبه کرده اند. ضعف و ناتوانی نظام قضایی جمهوری افریقای مرکزی برای محاکمه مسئولان جنایت ها در آوریل ۲۰۰۶ تایید شد که دادگاه استیناف آن جمهوری خواستار دخالت دادگاه بین المللی جزایی در این موضوع شد.

گروه اقدام قضایی فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر به قربانیان جنایت های اتهامی ژان پیر بمبا کمک کرده است تا در جون ۲۰۱۰ دادخواست ارائه کنند.

متن کامل اطلاعیه در:

[HTTP://WWW.FIDH.ORG/OPENING-OF-THE-TRIAL-OF-JEAN-PIERRE-BEMBA-THE](http://www.fidh.org/opening-of-the-trial-of-jean-pierre-bemba-the)

وزمندگان راه خدا، مرام طالبان، جنبش‌های اسلامی پیشین، سنت اسلامی افغان، سیاست‌های طالبان در باره جنسیت، گفتگو با سازمان‌های بشر دوست، طالبان و جامعه بین‌المللی، تصویر منطقه‌ای (طالبان) و فرجام.

نویسنده در صفحه نخست کتاب به ورود طالبان به شهر کابل در ۱۹۹۶ و به دار آویختن نجیب‌الله در میدان عمومی شهر اشاره می‌کند. سپس به منع اشتغال و تحصیل برای زنان و وضع مقررات شدید برای پوشش مردان و زنان می‌پردازد. نویسنده کوشش می‌کند از وضعیت اجتماعی، اقتصادی و حقوقی مردم در زمان طالبان درکی عینی به دست دهد، اعتقادات طالبان و نحوه تجلی این اعتقادات در نواحی مختلف در میان اهالی را انعکاس دهد.

فصل ۸ کتاب در باره سیاست‌های جنسیت طالبان است: در این فصل نویسنده وضعیت اجتماعی زنان افغانستان را قبل از طالبان و بعد از طالبان مورد بررسی قرار می‌دهد: خط مشی طالبان در زمینه زنان چهار عنصر اصلی دارد: «ممنوعیت اشتغال زنان مگر در بخش بهداشت و درمان؛ تعطیل موقت تحصیل رسمی زنان تا زمان تهیه مواد درسی مناسب؛ وضع مقررات شاق برای پوشاک مردان و زنان به این صورت باید برقع بپوشند و اعمال کنترل شدید بر رفت و آمد زنان در بیرون از خانه، به نحوی که زنان همواره مردان بیگانه دور و یا در عیت مردان خویش باشند.» «عمده ترین اثر ممنوعیت اشتغال زنان در بخش آموزش و پرورش بوده است...» به باور نویسنده خانواده‌های فقیری که زنان نان‌آور خانه بودند، بعد از آمدن طالبان وسیله امرای معاش خود را از دست دادند و به حاشیه رانده شدند. تعداد زیادی از این خانواده‌ها ناگزیر شدند وسایل خانه خود را بفروشند و اطفال به گدایی رو بیاورند. نویسنده اشاره می‌کند که به دلیل فقر اقتصادی شماری از زنان امکان خرید برقع را نداشتند و مجبور می‌شدند از همسایه‌های خود امانت بگیرند. این امر باعث محدودیت رفت و آمد زنان شد.

نتیجه گیری کتاب بیشتر به سال ۱۳۷۹ اوج قدرت طالبان می‌رسد. نویسنده کوشش می‌کند محدودیت‌هایی را که اکنون برای گفتگو با طالبان وجود دارد ارزیابی کند.

علاقه‌مندان برای پی گیری بیشتر این بحث به دو کتاب احمد رشید به نام «طالبان - اسلام، نفت و بازی بزرگ جدید» و «اسلام پیکار جو در آسیای میانه» رجوع کنند.

کرونولوژی حوادث تاریخی افغانستان

از تاسیس جمهوریت تا به میان آمدن اداره موقت

نویسنده: جمیل الرحمن کامگار

ناشر: بنگاه انتشارات میوند

سال چاپ ۱۳۸۶

کرونولوژی یا روزشمار واقعات یک کشور برای شهروندان و پژوهشگران آن از ضرورت‌ها است.

کشوری که در آن مناسفانه همه چیز به آسانی فراموش می‌شود مثل مرضی می‌ماند که در یک سانحه، اعصاب خود را از دست داده باشد و فقط همیشه همان چند لحظه قبل از واقعه را به یاد داشته باشد.

ما در مطالعات تاریخی به چند نوع طبقه بندی اطلاعات تاریخی آشنا هستیم که یکی از این شیوه‌ها، طبقه بندی رویدادها بر مبنای زمان وقوع آن‌ها است. کرونولوژی (Chronology) یک علم است، علمی برای محاسبه

زمان یا دوره‌هایی از زمان و ثبت رخدادها در تاریخ‌های دقیق وقوع آن‌ها است؛ یکی از ضروری ترین بخش‌های کار تاریخی است.

با آن که آقای جمیل الرحمن کامگار واقعات سیاسی ۲۷ سال (۱۳۵۲-۱۳۷۹) را به رشته تحریر در آورده است، این سال‌ها از حساس ترین سال‌ها است که ما شاهد تغییرات گونه‌گون در کشور هستیم. از روند شکل‌گیری احزاب و گروه‌های چپی پیرو احزاب مارکسیست-لنینیست، مارکسیست مائوئیست و حتا حلقه‌های لیبرال؛ تا ظهور و به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان طرفدار اخوان المسلمین و بالاخره ظهور طالبان. بدون شک بررسی کارکرد همه این جریان‌ها و شناخت کارکرد این‌ها کار ساده‌ای نیست. اما این کرونولوژی حد اقل راه را برای شناخت تغییرات و تحولات سیاسی کشور برای ما هموار می‌سازد. با وجودی که این کتاب هم خالی از نقص نیست. به نظر می‌رسد این عرصه کار بیشتری می‌خواهد، به خصوص نسل جوان کشور به این الزام با دقت باید کار کنند.

برای اهل تحقیق و پژوهش، واقعه نگاران، روزنامه نگاران، و اهل سیاست خواندن چنین کتابی ضروری است.

معرفی کتاب

سکولاریسم، مجاهدین، روش در تاریخ

پاسخ سنت به سکولاریسم در افغانستان

نویسنده: یاسین رسولی

ناشر: ابراهیم شریعتی (عرفان) ۱۳۸۵

شماره گان: ۳۰۰۰ جلد

تعداد صفحات: ۲۶۹

«پاسخ سنت به سکولاریسم در افغانستان» از جمله معدود کتاب‌های است که نظام مند، در چارچوب یک روش شناسی به مسایل افغانستان پرداخته است. به خصوص بحث سنت و سکولاریسم؛ با وجودی که یکی از بحث‌های جدی و اساسی است، اما در حوزه ی تئوریک کم تر به آن پرداخته شده است. رسولی در آغاز کتابش می‌نویسد: «افغانستان در اوایل قرن بیستم دارای یکی از نوگراترین حکومت‌ها در منطقه بود و زمانی که قرن بیستم را به پایان برد سلطه ی بنیاد گرا ترین جنبش سنتی را تحمل کرد.»

پرسش اصلی این است: «بروز بنیادگرایی در افغانستان تا چه حد معلول روندهای سکولاریزاسیون در تاریخ اخیر این کشور بوده است؟»

فرضیه اصلی نویسنده چنین است: «روند سکولاریسم ناکام در افغانستان قرن بیستم در نهایت به بنیادگرایی اسلامی انجامید. به نظر می‌سد دلایل آن ناتوانی سکولاریسم در برقراری ارتباط معنادار و هم نوا با نظام‌های معنایی محیطی (سنت و مذهب)، اقتدار گرایی در سیاست‌های نوسازانه و نارسایی در تبیین الگوهای مشروعیت مدرن حکومت‌ها بوده است.»

این کتاب از دو بخش و ده فصل تشکیل شده است. بخش اول، «در جستجوی الگوهای نظری»، بیشتر از مبنای تئوریک به مساله پرداخته و بخش دوم در واقع بحث اصلی کتاب است: «سیاست سکولار و پاسخ سنت به آن در افغانستان قرن بیستم». سنت و مولفه‌های گفتاری آن، آغاز دولت مدرن، دهه ی دموکراسی، سکولاریسم چپ در قدرت و رویارویی اسلام گرایان، از جهاد تا بنیادگرایی، بنیاد گرایی در دو پرده و نتیجه گیری فصل‌های اصلی کتاب را تشکیل می‌دهند.

اغلب زمانی که نویسندگان به مسایل تاریخی افغانستان می‌پردازند بیشتر واقعه نگاری می‌کنند تا تاریخ نگاری. اما در آثار بیشتر تحلیلی مثل این کتاب واقعات را به صورت تحلیلی مطالعه می‌کنیم.

رسولی کارکرد سیاست‌مداران را بیشتر با رویکرد اجتماعی بررسی نموده: «در افغانستان دو حوزه و شیوه ی زندگی همواره از هم جدا شکل گرفته است؛ افغانستان شهری که مقرر حکومت، نخبگان و روشنفکران جدید و بروکراسی دولتی است، باز سازی‌های سیاسی در این حوزه انجام می‌گیرد و افغانستان روستایی که بی‌اعتنا به آنچه در شهر می‌گذرد؛ بوده اند.» (ص ۲۴۹)

نویسنده در نتیجه گیری کتاب خود می‌نویسد:

۱) «... تجربه نشان می‌دهد که پس از هر بار ناکامی، نوگرایان افغانستان کم‌تر به متن سنت بومی توجه نشان داده‌اند و این باور نزد روشنفکران تقویت شده است که افغانستان زمانی مدرن می‌شود که دارای سنت دموکراتیک و سکولاریسم بومی گردد که با ویژگی‌های رفرفنس به متن فرهنگ بومی، هم نوایی معنایی، مشارکت پذیری عمومی و هر چه کم‌تر سیاسی و بیشتر فرهنگی قابل تعریف است. ۲) رفورم‌های صوری در نظام سیاسی و قوانین اساسی نمی‌تواند مبنای کافی برای تغییر اجتماعی در نظر گرفت. تغییر اجتماعی پیشاپیش به یک زمینه اجتماعی و فرهنگی نیازمند است. سطح مدرن شدن با رشد شهر نشینی، طبقه متوسط و تحصیلات و آگاهی عمومی رابطه‌ی مستقیم دارد. ۳) شاخص تعیین کننده موفقیت نوسازی بیشتر از محتوای رفورم‌ها و مسایلی نظیر دیر یا زود بودن برنامه‌های نوسازانه، به توانایی دولت نوساز در جذب یا سرکوب نیروهای سنتی بستگی دارد.»

طالبان

جنگ، مذهب و نظام جدید در افغانستان

پیتر مارسدن

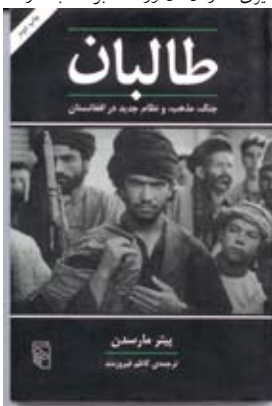
کاظم فیروزمند

نشر مرکز / تهران

چاپ دوم ۱۳۸۸

این کتاب برای نخستین بار در سال ۱۳۷۹ در زمان طالبان در ۲۲۷ صفحه به چاپ رسید.

کتاب با یک سال شمار کوتاه آغاز می‌شود، و ۱۲ فصل دارد: مقدمه، طبیعت افغانستان، مجاهدین،





اعضای خانه، به خاطر و مناسبت انتشار چاپ دوم گزینه داستان‌های استاد به نام «زیبای زیر خاک خفته» و به پاس پنج دهه فعالیت ایشان در عرصه آفرینش ادبی و نویسندگی کثرت، به ایشان اختصاص یافته است. مدیر خانه ادبیات افغانستان تأکید کرد از این پس، «شب‌های کابل» و دیگر برنامه‌های خانه ادبیات با انگیزه بیشتر برگزار خواهد شد.

دکتر محمدامین احمدی: در آثار زیبای، فرزانه گی و حکمت عملی را می توان دید
پس از مدیر خانه ادبیات، آقای دکتر محمدامین احمدی، رییس مؤسسه تحصیلات عالی این سینا به سخنرانی پرداخت. وی با طرح این پرسش که «زیبای چگونه زیبا شد؟»، سخنان خود را چنین آغاز کرد: «من به عنوان یک خواننده اثر زیبای می توانم بگویم ذهن و زبان فرهیخته، سخته و دارای نظم منطقی‌بی که زیبای به آن دست یافته، محصول کوشش و تلاش پیوسته و دقیقاً مصداق این بیت است: سال‌ها باید که تا یک دانه سنگی ز آفتاب/ لعل گردد در

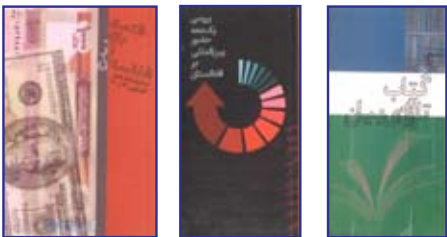
بدخشان یا عقب اندر یم». ایشان افزود: «در واقع، در این آثار، نشانه مطالعات وسیع و گونه گون از جمله مطالعات تاریخی علاوه بر کسب ورزشی و مهارت را که به گفته ارسطو، همان فرزاندگی و حکمت عملی است، به خوبی می توان دید.»
دکتر احمدی در ادامه سخنانش، پرسش...

نشر سه عنوان کتاب به وسیله آرمان شهر

انتشارات آرمان شهر در روزهای اخیر سه عنوان کتاب با عناوین بررسی یک دهه حضور بین المللی در افغانستان، از کتاب تا آزادی بیان و اقتصاد بازار در افغانستان را چاپ کرده است.

بررسی یک دهه حضور بین المللی در افغانستان

بررسی یک دهه حضور بین المللی در افغانستان عنوان شصت و چهارمین جلسه گفتگو پلی میان نخبگان و شهروندان بنیاد آرمان شهر است که با سخنرانی های دکتر داوود مرادیان، آقای عبدالکریم رنجبر و دکتر لطیف پدram همراه بود و بخش پایانی این برنامه جلسه پرسش و پاسخی بود که تعدادی از شرکت کنندگان در آن



اشتراک جستند.
و اینک متن سخنرانی ها و پرسش و پاسخ های این جلسه گفتگو با همان عنوان، توسط انتشارات آرمان شهر در اختیار خوانندگان قرار گرفته است.

البته در پایان کتاب مقاله ای با عنوان «جاه طلبی بی کرا و جنایت کارانه ایالات متحده: کنترل نظامی کره زمین» از سمیر امین نویسنده مصری و از نظریه پردازان مشهور توسعه به ویژه در حوزه افریقا به نشر رسیده است.

این کتاب با تیراژ ۱۰۰۰ جلد و ۷۸ صفحه حضور ده ساله نیروهای بین المللی در افغانستان را از چند دیدگاه بررسی می کند.

گردآوری، تایپ و ویرایش این کتاب نیز توسط بنیاد آرمان شهر صورت گرفته است.

از کتاب تا آزادی بیان

این کتاب سخنرانی های گفتگو پلی میان نخبگان و شهروندان هیجدهم و بیست و ششم و مقاله ای با عنوان «کتاب و کتابخوانی» از کامران فانی و در مورد تجربیات کشور ایران در مورد مسئله کتاب و کتابخوانی را در بر دارد.

در گفتگوی هیجدهم بنیاد آرمان شهر با عنوان ...
ادامه در صفحه (۱۸)

چراغ «شب‌های کابل» با نام «رهنورد زیبای» دوباره روشن شد

دبیرخانه «شب‌های کابل»: همین شب از «شب‌های کابل»، با حضور اهل فرهنگ افغانستان، برای گرامی داشت، نقد و بررسی آثار و کارنامه ادبی استاد محمداعظم رهنورد زیبای در کابل برگزار شد.

شکور نظری، مدیر اجرایی دفتر خانه ادبیات افغانستان در کابل و جانشین دبیر «شب‌های کابل»، با خوانش بخش‌های داستانی از استاد محمداعظم رهنورد زیبای، همین شب از «شب‌های کابل» را عصر روز اول قوس (آذر) ۱۳۸۹، در سالن همایش‌های مؤسسه تحصیلات عالی این سینا آغاز کرد. وی با بیان این که هدف خانه ادبیات افغانستان از برگزاری چنین برنامه‌هایی، رشد و توسعه فرهنگ نقد و تقدیری و نهادینه‌سازی آن در جامعه و جامعه فرهنگی - ادبی افغانستان است، گفت: «بدون شک، ادبیات، بازتاب‌دهنده روح، احساسات و افکار جمعی انسان‌ها در بستر زمان و مکان است و انسان، خود را به تمامی و بدون محدودیت و سانسور در آن ابراز می‌نماید. در جهان ادبیات، نظام‌ها و شاخه‌های مستقل تأملات اندیشمندان، فیلسوفان، جامعه‌شناسان و ... جدا از تفاوت‌ها و تمایزها، با مهربانی، سر بر شانه هم می‌گذارند. ادبیات، آینه واحد هویت‌های ناپیوسته و متفاوت است و خوانش، نقد و تحلیل آن، روایت منتقدانه انسان، تجربیات و تجلیات همه‌جانبه اوست. از این رو، می‌توان از نقد ادبی و دموکراسی، نقد جامعه‌شناسانه، جامعه‌شناسی ادبیات و ... سخن گفت. ادبیات، روایت همه‌جانبه انسان در تاریخ است و خوانش و نقد همه‌جانبه آن می‌تواند کمکی باشد به این روایت و بازخوانی.»

مدیر اجرایی دفتر خانه ادبیات افغانستان افزود: «در آستانه دور جدید از تحولات تاریخی در کشور ما، اکنون نیاز جدی به نقد و بازاندیشی فرهنگ احساس می‌شود. در این میان، ادبیات به مثابه قلب تپنده فرهنگ، نقش جدی و اثرگذاری در ترقی و عظمت جوامع انسانی دارد. ادبیات، بازتاب خرد، اندیشه و احساس آدمی است و بنابراین، آفرینش و بازآفرینی و نقد و بازخوانی آن می‌تواند به شکل‌گیری خود جدید و شخصیت نوین ما مدد رساند.»

شب نهم «شب‌های کابل» با سخنرانی محمدحسین محمدی، مدیر خانه ادبیات افغانستان درباره اختصاص این شب به بررسی و نقد آثار استاد رهنورد زیبای نیز چنین گفت: «این شب با توافق نظر

انتشار قلعه حیوانات برای اولین بار در افغانستان

بعد از سقوط آقای جوزر رفیق ناپلئون و باکسر در دو سوی قلعه حیوانات قرار دارند. جمعه پیشوایی به نام میجر مورد احترام همه است و سنوبال که خائن جلوه داده شده فرار کرده است و آشوب می‌آفریند.



قرار است در این قلعه هفت قانون فرمان براند:

- ۱- هر چه دو پاست دشمن است.
- ۲- هر چه چهار پاست یا بال دارد، دوست است.
- ۳- هیچ حیوانی لباس نمی‌پوشد.
- ۴- هیچ حیوانی بر تخت نمی‌خوابد.
- ۵- هیچ حیوانی الکل نمی‌نوشد.
- ۶- هیچ حیوانی حیوان کنشی نمی‌کند.
- ۷- همه حیوانات برابرند.

اما از همه این مواد فقط یک قانون به جا می‌ماند «همه حیوانات برابرند اما بعضی برابرترند.»

برای کسی که قلعه حیوانات جورج اورول را نخوانده باشد این حرف‌ها کمتر مفهوم است و برای آن عده‌ای که خوانده‌اند یک دنیا حرف پشت سر خود دارد یک دنیا حرفی که در شناخت دنیای پیرامونی مان کمک زیادی می‌کند. دنیایی سرشار از بی عدالتی‌ها فریب‌ها و فراموش کاری‌ها.

عده‌ای قلعه حیوانات را مهم‌ترین کار اورول می‌دانند و بیشتر کسانی که با رمان و کتابخوانی سرو کار دارند او را با دو کتاب قلعه حیوانات و ۱۹۸۴ می‌شناسند هر چند این نویسنده کتاب‌های دیگری هم دارد که تمام شان به فارسی ترجمه شده‌اند.

جورج اورول نویسنده‌ی انگلیسی در سال ۱۹۰۳ متولد شد و در سال ۱۹۵۰ میلادی در سن چهل و شش سالگی در گذشت اما در این میان او تجربیات مختلفی را پشت سر گذاشت. از کار در نیروی پلیس تا ظرفشویی در هتل و تجربه زیادی از زندگی در یک دنیای ناعادلانه را اندوخت که به خوبی این تجربیات را نوشت.

انتشارات آرمان شهر در همین روزها کتاب قلعه حیوانات آقای اورول را برای اولین بار در افغانستان منتشر کرده است. این کتاب با یک هزار تیراژ و ۱۱۱ صفحه در کابل منتشر شده است و ترجمه آن کاربست از علی اکبر آخوندی.

قرار است به زودی رمان ۱۹۸۴ وی نیز توسط همین انتشارات به نشر برسد.

ادامه از صفحه (۱)

رئیس جمهور پیشین بوش ...

ابو زبیده از آوریل ۲۰۰۲ تا سپتامبر ۲۰۰۶ در محل های نامعلوم مختلف در بازداشت به سر برد. در اگوست ۲۰۰۲، او بیش از ۸۰ بار در معرض «به آب بستن» قرار گرفت که در طی آن آب را برای ایجاد حالت خفگی در اثر غرق شدن در دهان متهم می ریزند.

خالد شیخ محمد در تاریخ ۱ مارچ ۲۰۰۳ در پاکستان دستگیر و به بازداشت گاه مخفی سی آی ا منتقل شد. به گزارش بازرس کل سی آی ا، در همان ماه، او را ۱۸۳ بار «به آب بستند».

خالد شیخ محمد پس از سه سال و نیم که در مکان های مخفی در بازداشت انفرادی بدون هرگونه تماسی با خارج به سر برد، به بازداشت گاه نظامی گوانتانامو منتقل شد. او و ابو زبیده و بیش از ۱۵۰ نفر دیگر هنوز بدون محاکمه در آنجا به سر می برند.

به آب بستن به هیچ وجه تنها روش ناقض منع بین المللی شکنجه و مجازات ها و رفتارهای بی رحمانه، غیرانسانی و تحقیرکننده نبود که علیه خالد شیخ محمد، ابو زبیده و افراد دیگر در بازداشت گاه های مخفی به کار گرفته شد.

روش های دیگر شامل لخت ماندن طولانی مدت، تهدید، حبس در محیط سرد، وضعیت تحت فشار، حمله های جسمانی، استفاده از پابند به مدت طولانی و محرومیت از خواب بوده است.

کلودیو کُرُونه گفت: «بر اساس حقوق بین الملل، تمام کسانی که در شکنجه شرکت داشته اند باید به دست عدالت سپرده شوند و از این لحاظ استثنایی برای رئیس جمهور پیشین وجود ندارد.»

«در صورت انجام نشدن تحقیقات در امریکا، کشورهای دیگر باید پیش گام شوند و خودشان تحقیقات را انجام دهند.»

<http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/us-must-begin-criminal-investigation-torture-following-bush-admission-2010-11-10>

ادامه از صفحه (۲)

بیابانه کمپاین ۵۰٪ زنان...

بخشی از زنان و دختران این سرزمین اعلام می دارد که ما برای به دست آوردن حقوق مان به پا خواسته ایم و خواهان تامین عدالت هستیم. دولت افغانستان باید توجه داشته باشد که این سیاست های چند پهلو و چند گانه نه تنها زندگی ما زنان را به مخاطره می اندازد بلکه چشم انداز روشنی برای مردم افغانستان نیز ندارد. امروز باید دولت در قبال زنانی که از بی سوادی، بی کاری، فقر و خشونت های خانوادگی و اجتماعی رنج می برند، پاسخگو باشد. طبق آخرین گزارش ها و تحقیقات منتشر شده در چند ماه اخیر خشونت های خانوادگی علیه زنان در افغانستان افزایش و در عوض میزان مشارکت سیاسی زنان کاهش یافته است. دولت و مسئولین امر باید بدانند که به حاشیه راندن زنان از متن تصمیم گیری ها و بسنده نمودن به حضور سمبلیک و نمایشی زنان در عرصه های کلان سیاسی و اقتصادی خطای جبران ناپذیری است که حضور نیمی از جمعیت کشور را در عرصه های عمومی و خصوصی تحت تاثیر قرار می دهد.

امروز افغانستان در زمان بسیار حساس و خطیری قرار دارد. توجه افکار عمومی بین المللی نسبت به افغانستان روز به روز کمتر می شود، حرکت های مدنی در خارج از کشور برای بیرون شدن نیروهای خارجی آغاز شده است. کمک های مالی در حال کاهش است و بدون شک کشورهای دیگر در آینده ۳-۴ دور یا نزدیک از افغانستان خارج خواهند شد و تامین امنیت و اداره آن به خود مردم افغانستان سپرده خواهد شد. بنابراین، وظیفه دولت افغانستان است که با خردمندی و مسئولیت پذیری با فضایی ساز بر خورد نماید. در غیر آن این بی عدالتی ها و نابرابری ها منجر به حادثه دیگری خواهد شد که توجیه آن به زبان های مختلف جز فریب مردم افغانستان چیز دیگری نخواهد بود. دولت افغانستان که با رای مستقیم مردم انتخاب شده است، باید در تمام عرصه های تصمیم گیری سرنوشت ساز از مردم افغانستان مشورت بگیرد. دولت باید صدای زنان را از گروه ها و اقلیت های مختلف جامعه بشنود. صلح یا جنگ پیش از همه بر روی زندگی زنان تاثیر گذار است. بنابراین دولت باید اطمینان حاصل کند که در روند صلح سازی نه تنها صدای گروهی خاص بلکه خواست ها و نظرات نمایندگان مختلف و متفاوت زنان را شنیده و در نظر گرفته است. زنان هنوز در انتظار پی گیری فجایع از سوی مسئولان هستند و به عنوان اولین قربانیان نقض فاحش حقوق بشر در کشور با عفو عمومی و برائت ناقضین حقوق بشر بدون طی رويه های عادلانه دادرسی و بدون در نظر گرفتن نظر و حقوق قربانیان مخالف هستند.

برای تماس با ما:

Campaign50darsad@gmail.com

Campaign50darsad.blogfa.com

کمپاین ۵۰٪ زنان افغانستان که از شور ۱۳۸۸ برابر با می ۲۰۰۹ آغاز به فعالیت نموده است متشکل از فعالین و مدافعین حقوق زنان در عرصه های مختلف صنفی، مطبوعاتی، سازمان های غیردولتی، احزاب و نهادهای اجتماعی و سیاسی است که به منظور ارائه بخشی از مطالبات زنان این سرزمین گردهم آمده تا شاید از برکت این هم صدایی و اتحاد بتوانند بر مسئولان کشور تاثیر گذار باشند.

ادامه از صفحه (۱)

توافقنامه های صلح ...

عمل ملی به ویژه در افریقا تفاوتی ایجاد کرده است.

• به مسایلی که بنا به قطعنامه ۱۳۲۵ باید مشخصا در توافقنامه های صلح مورد توجه قرار گیرد اشاره شده اما نه ه صورت منظم.

• گنجاندن «چشم انداز جنسیتی» در توافقنامه های صلح معای بسیار بیشتری از اشاره به زنان دارد؛ بر طیفی از مسایل تاثیر می گذارد، از جمله حفظ صلح از طریق بین المللی، حقوق اجتماعی - اقتصادی و شکل انتخابات انجام شده

مشخصات مقاله: توافقنامه های صلح یا کاغذ پاره؟ تاثیر قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل بر فرایندها و توافقنامه های صلح؛ فصلنامه حقوق بین الملل و تطبیقی (۲۰۱۰)، شماره ۵۹: صص ۹۴۱-۹۸۰

خلاصه مقاله:

<http://www.foreignpolicybulletinmonitor.com/action/displayAbstract?fromPage=online&aid=7923398&fulltextType=RA&fileId=S0025058931000062X>

مقاله کامل:

<http://www.foreignpolicybulletinmonitor.com/action/displayFulltext?type=1&fid=7923400&jid=ILQ&volumeld=59&issuelld=04&aid=7923398&bodyld=&membershipNumber=&societyETOCSession>

ادامه از صفحه (۲)

یک صدا برای عدالت...

که در پلنگون پلچرخي واقع است حرکت کردند و در آن جا تعدادی از آن ها به سخنرانی پرداختند و جنایت علیه بشریت را محکوم کردند و خواهان تحقق عدالت گردیدند.

در یازدهم دسامبر یعنی سومین روز از هفته قربانیان در تالار مرکز فرهنگی فرانسه نمایشگاه عکسی از طرف موسسه جامعه باز برگزار گردید. تصاویر و عکس هایی که در این نمایشگاه به نمایش گذاشته شد بیان گر مجموعه ای از حوادث ناگواری بود که در کشور هنوز هم جریان دارد. این تصاویر نقض حقوق بشر در افغانستان اعم از زنان، کودکان و مردان قربانی را بر جسته می ساخت.

این بدان معنی بود که ما در شرایطی از روز جهانی حقوق بشر تجلیل می کنیم که شاهد نقض حقوق انسان به گونه ی گسترده ی آن در همین روز هستیم و طرح مسأله قربانیان تنها به این معنی نیست که ما به حوادثی که در گذشته اتفاق افتاده اکتفا کنیم بلکه باید به خواست های کسانی که امروز هم قربانی اتفاقاتی ناگوار هستند رسیدگی گردد.

در دوازدهم دسامبر و در ادامه برنامه هایی که به مناسبت هفته حقوق بشر و قربانیان اجرا شده بود تیاتری از سوی سازمان حقوق بشر و دموکراسی به نام بی نهایت ناتمام در تالار مرکز فرهنگی فرانسه به نمایش گذاشته شد.

این تیاتر قصه ها و داستان های واقعی قربانیان را به نمایش می گذاشت.

و بالاخره در تاریخ ۱۴ دسامبر بنیاد آرمان شهر به تداوم سلسله برنامه های گفتگو پلی میان نخبگان و شهروندان خود در شصت و پنجمین گفتگو تحت عنوان باز خوانی حافظه جمعی باز هم به مسأله قربانیان و نقض حقوق بشر در تاریخ معاصر افغانستان از دیدگاه چند کارشناس و طرح سؤالاتی از سوی شرکت کنندگان پرداخت که تأکیدی بود بر مسأله بازخوانی دقیق و صادقانه این تاریخ فلاکت بار که صدمات زیادی را به مردم مظلوم افغانستان رسانده است. صدماتی که امروز حتی می توانیم ادعا کنیم همه مردم این کشور به گونه هایی قربانی آن هستند. در حالی که تعدادی از مسببین این وضعیت را در بعضی از کتاب های تاریخ با چهره ای غیر واقعی می بینیم نه به عنوان جنایت کارانی که حداقل ذکر اعمال جنایت کارانه شان بر علاوه این که می تواند درس عبرتی برای فرزندان امروز این کشور باشد بلکه با شناخت دقیق این شخصیت ها و فهمیدن دقیق حوادثی که در گذشته این سرزمین اتفاق افتاده است ما می توانیم راه حل مشکلات امروزمان را بهتر بیابیم.

یکی دیگر از اهداف این گفتگو جمع آوری و مستند سازی حقایقی بود که در طول سال های متعددی در کشور جاری بوده اما این که این حافظه چگونه به نسل بعدی انتقال داده شود و اهمیت حفظ این وقایع در چیست؟ مورد بررسی قرار گرفت.

حضور تعداد زیادی از نهادهای مدنی، فعالین حقوق بشر، فرهنگیان، دانشجویان و قربانیان برای تجلیل از این هفته یک بار دیگر به دولت و جامعه بین المللی هشدار داد که تحقق عدالت و پایان جنگ در واقع دو بال صلح به شمار می روند و هیچ صلحی نمی تواند بدون تحقق عدالت پایدار بماند.

آن ها با انجام همه این اقدامات مدنی به طور یک صدا از دولت فقط یک درخواست داشتند و آن تحقق عدالت در کشوری بود که تاریخی سرشار از بی عدالتی دارد و بدیهی است عدم توجه به این تقاضا می تواند عقده های فراوان دیگری را به بار بیاورد که بعید نیست تاریخ خون بار معاصر را یک بار دیگر از مقابل چشم مان ستم کشیده این ملت مظلوم بگذراند.

ادامه از صفحه (۲)

در مورد تلفات به دست نیرو های ناتو...

خسارت بابت تلفات به دست نیروهای ناتو و افغانستان را توجیه نمی کند.

فقدان پاسخگویی کنونی خشم در میان مردم افغانستان را دامن می زند و این نظر را تقویت می کند که نیروهای بین المللی فراتر از قانون هستند و به ویژه در مورد تلفات غیرنظامی پاسخگو نیستند. ناتو هنوز فاقد راه کار منسجم و معتبری برای تحقیق در باره تلفات غیرنظامی است. اصول راهنمای غیرالزامی که ناتو در جون ۲۰۱۰ در مورد جبران خسارت غیرنظامیان تصویب کرد باید به عنوان بخشی از مقررات درگیری به اجرا گذاشته شود.

۲- منع بازداشت خودسرانه یا انتقال برای شکنجه باید تضمین شود

امریکا به دستگیری و بازداشت صدها نفر از شهروندان افغانستان بدون رعایت موازین دادرسی قضایی ادامه می دهد. کشورهای ناتو هنوز بازداشت شدگان را به امنیت ملی، سازمان اطلاعاتی افغانستان، تحویل می دهد که دارای پیشینه ارتکاب نقض حقوق بشر با معافیت از مجازات است. افزایش حوزه جنگ در افغانستان در نتیجه افزایش نیروها در اوایل امسال احتمالاً به افزایش تعداد بازداشت شدگان خواهد انجامید. دولت امریکا باید فوراً و بدون تاخیر برای تمام بازداشت شدگان در اختیار امریکا، در بگرام، گوانتانامو یا هر بازداشتگاه دیگر امریکایی، امکان دسترسی به وکیل، خانواده، دکتر و نمایندگان کنسولی فراهم کند و این امکان را از آن پس منطماً در اختیار آنها قرار دهد.

دولت افغانستان و شرکای بین المللی آن باید در پی راه کارهایی برای تضمین محاکمه عادلانه بازداشت شدگان باشند از جمله امکان برقراری دادگاه های مختلط برای محاکمه اشخاصی که در عملیات ضد شورش به دست نیروهای افغانستان یا بین المللی دستگیر شده اند.

۳- تضمین حمایت از حقوق بشر در گفتگوهای مصالحه با طالبان

عفو بین الملل از هیات های نمایندگی در کنفرانس ناتو می خواهد تضمین کند که حقوق بشر، از جمله حقوق زنان، در هیچ فرایند سیاسی از جمله گفتگوهای مصالحه با طالبان در افغانستان مورد معامله یا سازش قرار نخواهد گرفت و این که در هماهنگی با خواست های قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت در باره زنان، صلح و امنیت، زنان افغانستان در مراحل برنامه ریزی و در طی گفتگوهای مصالحه از نمایندگان واقعی برخوردار خواهند بود.

سسام ظریفی گفت: «به اجرا گذاشتن این سه گام نشان خواهد داد که دولت های ناتو و جامعه بین المللی به منافع مردم افغانستان توجه اساسی دارند.»

کنفرانس سران ناتو در تاریخ ۱۹-۱۸ نوامبر ۲۰۱۰ در لیسبون برگزار شد.

<http://amnesty.org/en/news-and-updates/nato-summit-must-protect-basic-human-rights-afghanistan-2010-11-18>

ادامه از صفحه (۳)

عدالت را قربانی نکنید...

• تعهدات خود بر پایه قانون اساسی و معاهدات بین المللی خود را محترم بشمارد و در راستای عملی نمودن آن ها گام بر دارد.

• افرادی را که مظنون یا متهم به جنایت های جنگی و نقض فاحش حقوق بشر هستند، مورد تحقیق و پیگرد قرار دهد.

• با ایجاد زمینه های مساعد یعنی کمیسیون های حقیقت یابی و عمومی ساختن و پاسخگویی به شکایات مردم در یک دهه گذشته دادرسی کرده و حقوق قربانیان را تأمین نماید.

• نمایندگان گروه های مختلف و متفاوت زنان را به عنوان نیمی از جامعه و از قربانیان اصلی جنگ ها در تمام مراحل مشورت و تصمیم گیری و صلح سازی دخیل سازد.

• پیش از تأمین حقوق قربانیان از اعطای معافیت به مجرمان جنگی و ناقضان حقوق بشر پرهیز نماید و در نظر داشته باشد که عفو آن ها تنها از اختیارات قربانیان است.

• تمام قوانین داخلی کشور را مطابق با قوانین حقوق بشری بین المللی بازنگری و اصلاح نماید. با توجه به این که تمام دولت ها وظیفه دارند تا جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت، نسل کشی، و شکنجه را مورد پیگرد عدلی و قضایی قرار دهند، قانون عفو در تناقض با تعهدات افغانستان بر اساس کنوانسیون های ژنوا، کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرایم نسل کشی، کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات ظالمانه، غیر انسانی و یا تحقیر آمیز، اساسنامه (رم) محکمه بین المللی جزایی و کنوانسیون عدم اجراء محدودیت زمانی برای جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت قرار دارد.

• با مشورت و همکاری نمایندگان قربانیان و نهادهای حقوق بشری و با استفاده از تجارب موفق بین المللی در صلح سازی و عدالت خواهی برنامه فراگیر و عملی خود را درباره احقاق حقوق قربانیان، اعاده حیثیت و جبران خسارت در اسرع وقت به مردم افغانستان پیش کش نموده و تعهد خود را نسبت به قربانیان نشان دهد.

گروه هماهنگی عدالت انتقالی افغانستان از یک سال بدین سو پیوسته در رابطه با مسائل حقوق بشر و عدالت انتقالی و حقوق قربانیان فعالیت های چشم گیری را انجام داده است. این گروه که متشکل از ۲۴ نهاد ملی و بین المللی است با همراهی جمع کثیری از قربانیان به ویژه در موارد خاص چون کنفرانس بین المللی لندن، کنفرانس بین المللی کابل، جرگه مشورتی صلح، ترکیب شورای عالی صلح موضع گیری های عدالت خواهانه خود را داشته است. هدف از این هم سویی با قربانیان رساندن صدای آن ها به گوش مسئولان نهادهای دولتی و حامیان بین المللی آن ها و قدمی در تحکیم و تکمیل نمودن برنامه عمل صلح، مصالحه و عدالت دولت افغانستان بوده است.

ادامه از صفحه (۲)

زنان و رهبری سیاسی...

اگرچه میزان مشارکت زنان در عرصه های گوناگون از زمان مذاکرات بن تا انتخابات پارلمانی روندی رو به رشد را داشته است اما بسیاری از منتقدان این رشد را محصول نظام سهمیه یا تبعیض مثبت دانسته اند و نه مشارکت حقیقی و واقعی زنان. به طوری که زنان در انتخابات اول پارلمان تنها ۷٪ از کرسی های پارلمان را به طور مستقل و بدون بهره مندی از نظام سهمیه به دست آوردند.

اکثریت مصاحبه شوندگان در این پژوهش معتقد بودند که قوانین و سیاست گذاری های طرح شده در افغانستان اوراق فاقد محتوا و تشریفاتی هستند و زنانی که در دولت کار می کنند بیشتر به شکل سمبلیک استخدام شده اند و از صلاحیت های لازم برخوردار نیستند. در این پژوهش از طرف خانم عدرا جعفری شهردار شهر نیلی و یگانه شهردار زن در افغانستان نقل شده است که: هر گاه زنی در ادارت در کنار مردی کار می کند بدین معنی نیست که مرد او را با خودش برابر می داند. حضور زنان در ادارات دولتی حضوری سمبلیک است.

علی رغم این که در بسیاری از وزارت خانه های افغانستان دیپارتمان های مربوط به امور جنسیتی و حقوق بشر به منظور تضمین دسترسی برابر زنان و مردان به استخدام در پست های مربوطه در این وزارتخانه ها ایجاد شده است اما در عمل، عدالت و برابری در استخدام زنان لحاظ نمی گردد و زنان در ادارات دولتی فقط به حیث مامور و مدیر پایین رتبه و حداکثر رئیس در پست های پایین مشغول به کار هستند.

فقدان اراده سیاسی و استراتژی معطوف به عدالت و برابری خواهی در حوزه مسایل جنسیتی و حکومت داری ضعیف، به ویژه در سطح ولایت ها و همچنین حضور پر رنگ و فعال عناصر بنیادگرا و ضد زن در داخل حکومت که به صورت مستقیم در تصویب قوانین و سیاست گذاری های تبعیض آمیز تأثیر دارند، برنامه ریزی های محدود دولت و صرفاً توجه به زنان شهرنشین و یک دست عمل نکردن زنان عضو پارلمان از جمله عواملی هستند که در این پژوهش از آن ها به عنوان موانع و مشکلات جدی در راه تطبیق برنامه های محو تبعیض علیه زنان و رهبری فعال و واقعی آنان در کشور نام برده شده است.

در این پژوهش، حضور انفعالی و عملکرد فرقه ای زنان در پارلمان و در موقعیت های حساس از جمله جرگه صلح و کنفرانس کابل نشان دهنده پذیرش موقعیت فروتر از مردان از سوی خود زنان عنوان شده است.

در بخش چهارم این پژوهش تحت عنوان رهبری سیاسی زنان در افغانستان و مساله اسلام سیاسی، آمده است که از نظر تاریخی در برهه هایی که "اسلام سیاسی" بر "اسلام مدنی" غلبه کرده، شرایط زندگی برای زنان دشوارتر شده است. این پژوهش نشان می دهد که چگونه رویکردهای بنیادگرایانه که بیشتر بر خواست های سیاسی شکل می گیرد، به عنوان یکی از موانع بزرگ در برابر حضور اجتماعی سیاسی زنان عمل می کند.

در بخش پایانی این پژوهش آمده است که سزاده سازی و فروکاست مسایل زنان در امور سیاسی، نه تنها در سیاست گذاری ها، برنامه ریزی ها و عملکرد های دولت آشکارا دیده می شود، بلکه چنان که داده های پژوهش نشان می دهد طرح های موسسات بین المللی و نهادهای مدنی در زمینه جنسیت، نیز سیاسی و فرمایشی است و ربط چندانی به مشکلات اساسی زنان ندارد. بنابراین ضروری به نظر می رسد که در تمامی برنامه های مربوط به زنان اعم از دولتی و غیر دولتی و ملی و بین المللی، تجدید نظرهای جدی و اساسی صورت بگیرند.

این پژوهش در پایان خاطر نشان می سازد که آموزش زنان شرط لازم تحقق عدالت و بنیاد توسعه است. باید فرصت های آموزشی برابر در اختیار زنان قرار گیرد. بدون گسترش آموزش، زنان مهارت های لازم (جهت کار در مقام های مدیریتی بالا) را ندارند و آموزش و فرصت های شغلی، اقتصادی و تخصصی به مثابه بنیاد رهبری واقعی زنان در افغانستان عنوان شده است.

ادامه از صفحه (۴)

منابع سازمان ملل...

فهرست برداری تحلیلی از عملکرد حفظ صلح

• اصلاحات در نیروی پلیس با حساسیت نسبت به جنسیت در جوامع پس از جنگ

• مطالعات موردی اصلاحات در نیروی پلیس با حساسیت نسبت به جنسیت در رواندا و تیمور لست

• نمایی از فرصت؟ اجرای موفق عدالت انتقالی برای زنان

• برنامه ریزی جنسیت و عدالت انتقالی: بررسی پرو، سیرا لئون و رواندا

زبان: انگلیسی

قیمت: رایگان

فرم سفارش از: UNIFEM HQ Publications Distribution Office

ناشر: UNIFEM Headquarters

سال انتشار: ۲۰۱۰

تعداد صفحه: ۳۴۹

دانلود پی دی اف در:

http://www.unifem.org/materials/item_detail.php?ProductID=186

به قضایای افغانستان ربط دارد و آن‌ها را ریشه یابی می‌کند، مفاهیم کلیشه‌ای و دهن پُرکنی از قبیل دموکراسی، حقوق بشر و ... مطرح می‌سازد که این مفاهیم نیز بسیار بد در اینجا مطرح شده‌اند. دومین دلیل من برای انتخاب این بحث پرداختن به نسبت تفکر و اخلاق است، نه اخلاق انتزاعی و ملوکوتی، بلکه اخلاقی که درد و رنج انسان را به رسمیت می‌شناسد. مانند اندیشه تئودور آدرنو که اندیشه‌های معطوف به قربانیان است.

بودا در ادامه با ارایه تعاریف از سه مفهوم یاد شده، گفت: همه ما با مفهوم و تعریف فاجعه آشنا هستیم. تاریخ افغانستان تاریخ خون و فاجعه است. از سیاست‌های سرزمین سوخته هوتکیان تا قتل عام‌های بسیار وحشتناک دوران عبدالرحمان خان که تمام بنیان‌های فرهنگی و تاریخی کشور از بین رفت تا دوران سپاه کمونیست‌ها، مجاهدین و طالبان و تا الان که ویرانه‌های شهر کابل را می‌بینیم، همه حکایت از تاریخ فاجعه بار افغانستان دارد. اگر بپذیریم که تاریخ افغانستان یک تاریخ فاجعه بار است، پس در آن صورت مهم ترین مسأله فکری ما چگونگی روبه‌رو شدن با گذشته فاجعه بار خواهد بود. یعنی مهم ترین مسأله تفکر در افغانستان باید این باشد که آیا ما باید گذشته را فراموش کنیم؟ یعنی تئوری قدرت حاکم را بپذیریم که می‌گوید ما به دنبال وحدت ملی هستیم پس نباید گذشته‌ها را به یاد بیاوریم؟ آیا اساسا فراموشی امکان دارد؟ یعنی امری اختیاری است؟ آیا اساسا وقتی فجایع را می‌بخشیم، پیامدهای اخلاقی و اجتماعی آن برای جامعه چیست؟ یا اگر قرار است بر فرض محال فراموش کنیم آیا می‌بخشیم؟ بخشاینده‌گان چه کسانی هستند؟ آیا مردمی که بر آن‌ها فاجعه رخ داده باید بخشند یا رهبران سیاسی و دولت‌مردان حق بخشایش را دارند؟ این جاست که مفاهیم فراموشی و بخشایش نه به عنوان مفاهیم فکری بلکه به عنوان مفاهیم اخلاقی هم به کار می‌روند.

بودا ادامه داد: اگر بخواهیم نگاه انسانی به این مسایل داشته باشیم باید بگوییم که انسان به‌عنوان موجودی هستی به یادآورنده، نمی‌تواند فجایع را فراموش کند و این‌جا بحثی مانند خاطره جمعی، فراموشی و یا بخشایش مطرح می‌شود. با این تعریف جامعه فراموشکار جامعه حیوانی است و اساسا فراموشی امر شخصی نیست و بعد اجتماعی دارد و حتی حافظه یا خاطره جمعی در دنیای امروزی جایگاه جهانی دارد و به عنوان ابزار شناخت و معرفت مطرح می‌شود. به یاد آوردن خاطره یا فراموشی آن یک کنش انسانی است یعنی این که ما چه چیز را باید به یاد آوریم و چه چیز را باید فراموش کنیم؟

در بحث خاطره یا فراموشی ما با سه سطح از خاطره یا فراموشی روبه‌رو هستیم: فراموشی آسیب شناسانه که مربوط می‌شود به آثار روحی و روانی فجایع، فراموشی کاربردی بحثی که در رابطه با قربانیان وجود دارد که آیا باید آن‌ها را فراموش کنیم یا نه؟ و فراموشی تحمیلی و یا سیاسی که اساسا از سوی قدرتمندان و دولتمردان به جوامع تحمیل می‌شود که در افغانستان با این نوع فراموشی روبه‌رو هستیم. مثلا انجمن تاریخ یا تاریخ تولد حدود ۱۷۰۰ جلد کتاب تاریخی چاپ کرده اما در این ۱۷۰۰ جلد هرگز ذکری از فجایع نیامده است. از طرف دیگر ما در تاریخ افغانستان با خاطرات تحمیلی هم روبه‌رو بوده‌ایم، یعنی تاریخ افغانستان در عین حال که از یک طرف تاریخ سازی تحمیلی بوده از سوی دیگر فراموشی تحمیلی هم بوده است.

بودا گفت: اما مفهوم آخر یعنی بخشایش مربوط می‌شود به بحثی به نام «گناه». کارل یاسپرس در کتاب «مسأله گناه» ۴ نوع گناه را دسته بندی می‌کند: ۱- گناه جنایی یعنی کسی که جنایتی را به طور مستقیم انجام داده است مثلا قربانی را به قتل رسانده است. ۲- گناه سیاسی که اشاره می‌کند به رهبران و تصمیم گیرندگان که فرمان جنایتی را صادر کرده‌اند. ۳- گناه اخلاقی یعنی کسانی که به‌عنوان مثال قربانیان را فراموش می‌کنند. ۴- گناه متافیزیکی که از نظر یاسپرس گناهای هستند که اصل



انسانیت یا اصل همبستگی انسانی را در جامعه از بنیاد نابود می‌کند. که ما در قرآن هم آیهای داریم که می‌فرماید: «هرکس انسانی را کشته است مانند آن است که جامعه‌ای را کشته باشد». در واقع بحث این نیست که کسی عمدا یا سهوا وارد منازعاتی شده و کسی را کشته بلکه مسأله آن است که انسانیت انسان مورد بی احترامی قرار گرفته است. متفکران معتقدند مسأله‌ای که غیر قابل فراموشی است همان گناه دسته ۴ است که انسانیت را زیر سؤال برده یعنی قساوتی که در ذات انسان روا داشته شده است.

حال اگر همین خطوط را ما در افغانستان دنبال کنیم، متوجه خواهیم شد که ما چه چیزی را باید به یاد بیاوریم و چه چیزی را باید فراموش کنیم. آیا می‌توانیم قربانیان را فراموش کنیم؟ آیا می‌توانیم گناهی را که به اصل انسانیت روا داشته شده است، بخشیم؟ اگر ببخشیم نتیجه آن برای جامعه چیست؟ مسلما نتیجه همه این فراموشی‌ها تکرار فاجعه خواهد بود.

سخنران سوم برنامه بنا بود آقای دکتر محی الدین مهدی نماینده مردم برای دور دوم پارلمان باشد. ایشان تا نیم ساعت پیش از آغاز برنامه وعده اشتراک داده بود. گردانندگان به جای دکتر مهدی آقای شیوای شرق را انتخاب نمودند. آقای شرق با تکیه بر مفهوم هویت، تاریخ افغانستان را تاریخ منسوخ دانست و گفت: در تاریخ منسوخ، ما نگاه کثرت گرایانه نداریم. از ویژگی‌های این نوع تاریخ این است که نمی‌تواند همه واقعیت‌های تاریخی، فرهنگی، انسانی، اجتماعی و کنشی جامعه را نظر به بافت، اقوام و تبارشناسی آن بیان کند. که اگر ما نگاهی به تاریخ افغانستان از تاریخ بیپهقی تا سراج التواریخ تا کتاب‌های کاتب هزاره تا کتاب میر محمد صدیق فرهنگ و آقای غبار باندازیم که توسط نویسندگان مختلف در دوره‌های مختلف نوشته شده نظریه تجربه یا و وضوح تاریخی در روح این تواریخ وجود ندارد...

ادامه در صفحه بعد

ادامه از صفحه ۳)

انسان نمی‌تواند...

جنگ و مهاجرت با آن روبه‌رو بوده‌اند، سکوت کرده است. این بود که ما بر آن شدیم تا بخش‌هایی از حرف‌های دل مردم را از زبان شاعران و نویسندگانی که در میان این مردم زندگی کرده‌اند و با درد و رنج مردم از نزدیک آشنا هستند، جمع آوری کنیم. خوشبختانه کتاب پر سیمرخ که دربردارنده بخشی از شعرهایی است که به دبیرخانه جشنواره رسیده، منتشر شده و حالا در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. نسخه دیگری از این کتاب که در واقع نسخه نفیس انگلیسی-دری برخی از اشعار خواهد بود به زودی منتشر خواهد شد. ما تصمیم گرفتیم با انتشار این اشعار به زبان انگلیسی در واقع به جامعه بین‌المللی هم بگوییم که مردم ما چه می‌اندیشند؟ چقدر از جنگ نفرت دارند و به این زبان به آن‌ها بگوییم که ما خیلی از حرف‌ها را می‌فهمیم اگر مجال گفتن داشته باشیم.

در ادامه برنامه آقای کاظم یزدانی با ارایه تعاریف مختلف از تاریخ، گفت: اهمیت آگاهی از تاریخ تا آن جایی است که انسان هر قدر هم که هوشمند باشد، نمی‌تواند دستاوردهایش از تاریخ است. تاریخ هر ملت حافظه آن ملت است. مردمی که از فراز و نشیب‌های گذشته خود آگاه نباشند مانند کسانی هستند که بسر اثر تصادف یا ضربه همه چیز را فراموش کرده و حالا باید دفعتا همه چیز را از نو آغاز کنند. ملتی که از گذشته خود آگاه نباشد، حوادث ناگوار و زیانبار تاریخی بارها و بارها برای آن تکرار خواهد شد. ما حتا اگر امروز تنها به تاریخ ۵۰ سال اخیر افغانستان با دیده عبرت نگاه کنیم درس‌های بسیار مفید خواهیم آموخت. چرا که تاریخ نتیجه عالی ترین تجارب را در اختیار انسان قرار می‌دهد. مطالعه تاریخ برای کسانی که خواهان تغییر جامعه به سوی ترقی، سعادت، عزت و سربلندی هستند، لازم و ضروری است.

یزدانی گفت: مهم ترین بحث این است که چرا مردم افغانستان به تاریخ کم علاقه‌اند؟ این امر می‌تواند علل گوناگونی داشته باشد از جمله فقر عمومی و عدم قدرت خرید کتاب، کم سوادی و نسا آگاهی مردم، کم توجهی و عدم علاقه رهبران سیاسی و دولتمردان به مطالعه تاریخ و غفلت رسانه‌ها و نشرات از اهمیت تاریخ. اما مهم ترین عامل بی‌علاقگی مردم به تاریخ در دل خود تاریخ افغانستان نهفته است و آن مسأله تحریف، جعل، مسخ و یکسو نگری تاریخ افغانستان است. تاریخ رسمی ما از ابعاد گوناگون می‌تواند مورد نقد و ارزیابی قرار بگیرد که از آن جمله می‌توان به چند مورد اشاره نمود:

۱- طبق کاوش‌های باستانشناسی این سرزمین از ۵ هزار سال پیش محل سکونت انسان‌ها بوده، اما تاریخ افغانستان حتا در مورد هویت ساکنان ماقبل آریایی یعنی باشندگان بومی این سرزمین نیز سیاست سکوت و خاموشی پیشه کرده است.

۲- تاریخ مکتوب فعلی انباشته از تبعیض و یک سو نگری است و در آن تنها تاریخ اقوام حکومت‌گر انعکاس یافته است که آن هم انعکاس صحیح و همه جانبه نبوده است. در

حالی که این کشور یک کشور کثیر المللی است و همه آن‌ها در تاریخ این سرزمین نقش آفرینی، فداکاری، ایثارگری و قهرمانی کرده‌اند، اما نامی از آنان دیده نمی‌شود. مثلا در جهاد میوند که نیروهای انگلیسی به شکست سختی دچار شدند، همه طوایف افغانستان حضور داشتند و قهرمانی‌ها کردند اما تمام آن افتخارات آن به نام دوشیزه ملالی که امروز قهرمان ملی شناخته می‌شود، ختم می‌گردد. در حالی که نام این قهرمان ملی در زمان رژیم آل یحیی بر سر زبان‌ها افتاد و پیش‌تر از آن در هیچ منبع تاریخی ذکری از او نشده است، از جمله در کتاب الوقایه یا بحر القواعد یوسف ریاضی یا در سراج التواریخ که از منابع اولیه جهاد میوند هستند هیچ کدام نامی از دوشیزه ملالی نبرده‌اند. در عوض قهرمانان دیگری مانند کرنیل ششیر محمد خان هزاره بودند که در تاریخ رسمی هیچ نامی از او برده نمی‌شود و یا هیچ مرکزی به نام او نامگذاری نمی‌شود. همین‌طور کتاب پُت خزانه که یک کتاب جعلی است، چندین قهرمان موهوم مانند امیر کروور، شیخ پایمند، اسعد سوری و ... را خلق کرده که هیچ کدام از آن‌ها وجود خارجی نداشته‌اند.

۳- از طرفی دیگر سلسله‌های سلطنتی مانند لودیان و سوریان هند که هیچ ربطی به تاریخ این سرزمین ندارند فصلی از تاریخ افغانستان را به خود اختصاص داده‌اند، اما تاریخ سلاطین شیبانی، جامی بیگ‌ها، اوزبک‌ها که در بلخ حکومت کرده‌اند و یا تاریخ سلاطین هزاره جات نادیده گرفته شده‌اند و هیچ ذکری از آنان در تاریخ رسمی افغانستان نشده است. بنابراین تاریخی که مملو از جعل و تحریف باشد، مورد علاقه کسی قرار نمی‌گیرد.

سخنران دوم برنامه آقای اسد بودا با اشاره به هفته قربانیان عنوان سخنرانی خود را فاجعه، فراموشی و بخشایش ذکر کرد و گفت من این عنوان را عمدا انتخاب کرده‌ام برای اینکه اشاره‌ای داشته باشم به آن نگاه‌های سطحی به حوادث افغانستان که به جای طرح مفاهیمی که در دنیای تفکر وجود و

و فکر مردم افغانستان رشد کند، تاریخ هم رشد خواهد کرد. تاریخ زمانی ارزش پیدا می کند که واقعیت‌ها را انعکاس دهد. در حالی که تاریخ افغانستان بیشتر روی افراد و حاکمان تمرکز یافته و عامه مردم مثل زنان افغانستان در وقایع حضور ندارند.

دروازیان از آقای شیوا شرق پرسید: «شما بر قبیله گرای در ۳۰۰ سال اخیر تاکید می کنید در حالی که ما با چنین پدیده‌ای پیش از ۳۰۰ سال اخیر نیز روبه‌رو بوده‌ایم.» شیوا شرق گفت: قبل از ۳۰۰ سال تاریخ ما کمتر دچار سانسور بوده، یعنی به ندرت تحریف و با حقیقت زدایی داشتیم. اما از ۳۰۰ سال به این طرف ما هژمونی و برتری طلبی قومی داشته‌ایم. اما به طور کلی باید در نظر داشت که روح تاریخ ما روح مردسالار است و ادبیات ما ادبیات مذکر است، برای همین است که ما در طول تاریخ نشانی از زنان نمی بینیم.

در انتهای برنامه دو تن از شرکت کنندگان نیز از شیوه برخورد غیر صادقانه سخنرانان با این بحث انتقاد کردند. مجیب مهرداد گفت: علی رغم اینکه شما از عدم صداقت تاریخ رسمی افغانستان صحبت کردید اما همه مثال‌هایی که ارایه دادید حکایت گر ظلم قوم برتر در افغانستان بوده و از مظلومی که بر همین قوم رفته است شما هیچ بر زبان نیاوردید. همین امروز این قوم بیشترین قربانیان را در جنگ افغانستان دارد. زنان این قوم از محروم ترین زنان این کشور هستند. همانگونه که از قتل عام عبدالرحمان خان نام می برید باید از حادثه دشت لیلی هم یاد کنید.

خانم دکتر عالمه هم با انتقاد از سخنان آقای یزدانی که از قهرمانی‌های زنان در دوران جهاد به‌عنوان افرادی که برای مجاهدین آتش‌پزی می کردند، یاد کرد، گفت: شما همیشه از نقش زنان در دوران جهاد یاد می کنید آن هم با تقلیل دادن نقش آن‌ها به آشپزی و سر دیگ بودن و ... در حالی که زنان افغانستان اولین مخالفان جنگ و اولین بازنده‌های جنگ در افغانستان بوده و هستند. شما همیشه وقتی می خواهید از زنان یاد کنید از فدکاری‌های آن‌ها در دوران جهاد یاد می کنید در حالی که آن‌ها را در گره گاه‌های حساس و تصمیم گیر فراموش می کنید. فجایعی که بر زنان در دوران طالبان رفت، اساس آن را مجاهدین گذاشتند.

۱- متأسفانه این دومین بار است که آقای دکتر مهدی برای شهروندان اشتراک کننده وعده ی صحبت می دهد اما حاضر نمی شود، بدون این که اطلاع دهد.

به تقویت نیروهای اردوی ملی و پولیس ملی وابسته است به مشروعیت اقتدار دولت و برقراری حاکمیت قانون نیز بستگی دارد. دولت افغانستان به منظور باز گرداندن مشروعیت خود، باید در راستای محو فساد و محاکمه عادلانه و معیاری و پیشگیری از توقیف های خود سرانه، با جدیت بیشتر تلاش نماید. فعالیت های فرا قانونی نیروهای امریکا و متحدینش در برابر شهروندان افغانستان، دلیل دیگر تضعیف نظام عدلی افغانستان و تشویق شورشیان به ادامه جنگ است. از این رو، اقدامات این نیروها باید بر اساس موازین حقوقی داخلی و بین المللی صورت گرفته و به بازداشت‌های خود سرانه نیز پایان داده شود. از جانب دیگر تا زمانیکه نیروهای امریکا و ناتو سیاستها و اعمال شان را با شرایط حاضر در افغانستان سازگار نسازند، هیچگونه انتظاری نباید داشت که مقامات و نهادهای افغانستان در باز نگری و تجدید ساختار نظام عدلی، موازین بین المللی را مد نظر قرار بدهند.

برای متن کامل خلاصه این گزارش و توصیه ها و پیشنهادات آن به دولت افغانستان و جامعه بین المللی، نگاه کنید به:

دري:

<http://www.crisisgroup.org/en/other-languages/dari-translations/reforming-afghanistans-broken-judiciary.aspx>

انگلیسی:

<http://www.crisisgroup.org/en/regions/asia/south-asia/afghanistan/195-reforming-afghanistans-broken-judiciary.aspx>

متن کامل گزارش (فقط به انگلیسی):

<http://www.crisisgroup.org/~media/Files/asia/south-asia/afghanistan/195%20Reforming%20Afghanistans%20Broken%20Judiciary.aspx>

ادامه از صفحه (۴)

پرو سیمورغ...

نوشته هایی از بین شاعران و نویسندگانی که در متن جامعه زندگی می کنند در واقع بازتاب دهنده اوضاع و احوال آن جامعه در گذشته و امروز است.

در مقدمه کتاب پر سیمورغ آمده است "ما چه کنیم تا با جمع آوری حافظه های فردی به حافظه جمعی دست پیدا کنیم؟ همان حافظه ای که اشتراکیست و سینه به سینه انتقال می یابد و به یک تجربه دسته جمعی و چند صدا مبدل می شود. چه کنیم که خود بتوانیم در انتخاب این که چه چیزی را پاس می داریم و چه چیزی به دست فراموشی سپرده می شود نقش ایفا کنیم. در جغرافیایی که جنگ فرهنگش را محاوره ای ساخته می خواستیم فراتر از رنج های روزمره میراث خود را صاحب شسیم. همه این دغدغه ها دست به دست هم داد تا فکر راه اندازی جایزه ای به نام جایزه صلح سیمورغ شکل بگیرد. در ادبیاتی که همواره از عدالت، انسانیت و هنرمندی ذاتی انسان ها دفاع کرده است و در خدمت این مفاهیم و مفاهیمی مانند این ها بوده است سیمورغ بهانه ای بود تا صدای مردم یکی شود."

ادامه از صفحه قبلی

و بدنه گسترده‌ای از این جامعه که دربرگیرنده ملیت‌های مختلف، فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف است، حضور ندارند. همه این‌ها بر می گردد به جبر تاریخی. یعنی ما در طول تاریخ خود با جبر تاریخی روبه‌رو بوده‌ایم و متأسفانه اگر ما در ۳۰۰ سال گذشته هم مورخی داشته‌ایم تحت تاثیر جبر تاریخی یا اگر تاریخی قرار گرفته است که این امر تا همین امروز هم ادامه دارد. ما در متن تاریخی خود به دلیل استیلا قدرت‌های تمامیت خواه، دیکتاتور و فاشیست دچار سانسور تاریخی شده‌ایم. خاستگاه سانسور تاریخی و جبر تاریخی در افغانستان قومی و برتری طلبی قومی بوده است. اگر امروز بخواهیم تعریفی از تنش‌ها، هویت، زبان، یکپارچگی، ملت شدن، دولت شدن و وحدت ملی ارائه دهیم، لازم است به لایه‌های تاریخی خود مراجعه کنیم، اما حداقل در تاریخ ۲۰۰ ساله اخیر اقوام و ملت‌های بسیاری حضور ندارند. ما امروز در افغانستان دچار بی هویتی هستیم و برای پاسخ گویی به معضل بی هویتی، تاریخ منسوخ و تحریف شده جواب گو نخواهد بود.

از پیامدهای تاریخ منسوخ، یکی افسردگی تاریخی است که مجال پرسشگری و طرح مسایل تاریخی را نمی دهد. دوم روح زمانه حقیقت‌گرا نمی شود. سوم، فرار از واقعیت‌هاست و اما مهم ترین پیامد آن نبود دادگاه تاریخی است به گونه‌ای که امروز تکه داران قومی، رهبران سیاسی و با کسانی که در چرخه قدرت سیاسی قرار داشته‌اند، به منشا عدالت، برابری و دادخواهی تبدیل شده‌اند و بر این اساس است که سعی می شود فاجعه تاریخی در یک جامعه فراموش شود.

شیوا شرق در بخش آخر سخنرانی خود در پاسخ به سوال «چه باید کرد؟» گفت باید مدارک و اسناد تاریخی را جمع آوری کنیم و تاریخ را از نو بنویسیم.

در قسمت پرسش و پاسخ، آقای سیدجواد دروازیان از هر کدام از سخنرانان یک سوال پرسید. از آقای بودا پرسید: ما در طول تاریخ در قسمت‌هایی با افزایش خاطره روبه‌رو هستیم و در جایی دیگر با کم بود خاطره، به طور نمونه زنان هرگز در این تاریخ حضور نداشته‌اند، این کنترل خاطره را شما چگونه معنی می کنید؟

بودا گفت: مفهوم کنترل خاطره را من سیاست‌گذاری خاطره می گویم که اغلب از سوی سیاستمداران اتفاق می افتد و در مورد افغانستان هم همین امر اتفاق افتاده است.

سئوال دوم از آقای یزدانی بود: «چرا در افغانستان تاریخ اجتماعی نداریم؟» آقای یزدانی در پاسخ گفت: تاریخ نویسی در افغانستان سابقه زیادی ندارد و در مراحل بسیار ابتدایی است. هرچه اندیشه

ادامه از صفحه (۴)

اصلاحات در نظام عدلی...

از انجا کوشیده است تا از قانون برای حفظ و تحکیم موقف خویش در منازعات میان جناحهای مذهبی و سیکولار، مرکز و پیرامون و با غنی و فقیر استفاده نماید. عدم توانمندی تاریخی و بی میلی مصرانه دولت در حل و فصل کشمکش میان دو نوع قوانین دولتی، یعنی قوانین اسلامی و قوانین عرفی که در مجموع فرهنگ حقوقی کشور را شکل می دهد، تقریباً، باعث سوق کشور به سوی یک منازعه دایمی گردیده است. قدرت و نفوذ بالایی که برای بنیادگرا ها در قانون اساسی فراهم گردیده است، همزمان تاثیر عمیق روی تکامل نهاد های حقوقی نیز داشته است.

نظام ریاستی معتقد که در قانون اساسی ۲۰۰۴ تصویب گردید، باعث تشدید ضعف نهاد های عدلی گردیده است... از سوی دیگر، جامعه جهانی نیز تلاش کمتری انجام داده است تا اقداماتی را در جهت محدود ساختن قدرت سیاسی و فراهم نمودن زمینه برای حسابدهی در درون قوه مجریه، روی دست گرفته شود. بنا براین، شورای ملی باید گزینه های عملی ساختن باز نگری قانون اساسی افغانستان را ... در نظر بگیرد...

عدم کارکرد درست حکومت های محلی در سطح ولایات از دیر زمان نشان دهنده ناتوانایی این نظام در حل تنشهای موجود میان ادارات به شدت متمرکز و جمعیت خیزی پراکنده و غیر قابل دسترس درونواحی دور دست بوده است. در طی سالهای اخیر حکومت و جامعه جهانی تا حدودی تلاش کرده اند این نقیصه را از راههای چندی و بصورت مشخص با برپایی برنامه های تربیتی و آموزشی برای قاضی ها و دادستان ها، در ولایات جبران کنند. ولی این کار کافی نبوده است. در حال حاضر، نه دولت افغانستان و نه جامعه جهانی بعد از ده سال تعهدات و نوید های مالی، هنوز تصویر کاملی از نیازمندیهای خدمات حقوقی و عدلی در سطح ولایات و ولسوالی ها ندارند... بنا بر این، ایجاد یک درک روشن و قوی از کمبود ها و نواقص در نظام عدلی، اولین گام ضروری در راستای تدوین یک استراتژی مؤثر برای اصلاحات محسوب می گردد.

... این واقعیتی غیر قابل انکار هست که در افغانستان، از جرگه ها و شورا های سنتی و محلی، به منظور حل و فصل منازعات و اختلافات، آن هم بیشتر در مناطق روستایی بصورت گسترده استفاده می گردد و از جانب دیگر دولت فعلی به آن اندازه از توانایی و ظرفیت لازم نرسیده است که بتواند تصمیم های این شورا ها را در نظام عدلی رسمی دولت ادغام کند. مشکل دیگر، تعدد این شورا ها، کثرت رسم و رواجها و شکل گیری نظم اجتماعی متأثر از سالها جنگ و خشونت است که این امر از جایگاه و نفوذ مثبت و اقتدار واقعی این جرگه ها کاسته است. علاوه بر آن، عدم مشارکت زنان در این شورا ها، مشکل جدی را در مطابقت با مکلفیت های قانون اساسی در دفاع از اصل عدالت و تساوی مطابق قانون، به وجود می آورد.

دخالست بین المللی در حوزه بهبود حاکمیت قانون در کوتاه مدت مثر نخواهد بود و این دخالت احتمال دارد به سرگردمی بیشتر در خصوص اختیارات قانونی دولت و اهداف اصلی ائتلاف بین المللی منجر گردد. در حال حاضر وظیفه نظارت و بررسی این شوراهای یک شرکت خصوصی آمریکایی و اگرادار شده است که این شرکت دارای یک سابقه کاری دوامدار و منظم در عرصه های حقوقی و عدلی در افغانستان و در کشور های دیگر نیست. سپردن یک برنامه حساس و پیچیده مانند نظارت بر سیاست عدالت قبیله ای به شرکت فاقد دانش و تجربه کافی، به نفع هیچکس نیست. ایالات متحده و متحدین ناتو اش این واقعیت را باید بپذیرند که استقرار نظام ثبات به همان اندازه که

ادامه از صفحه (۴)

قطعنامه ۱۳۲۵ ...

سرافرازانه داشته باشند.

حالا که ما تعریفی از صلح ارائه نمودیم لازمست تا به سوالات (سوالات و پاسخ ها در مورد قطع نامه ۱۳۲۵) ذیل پاسخ دهیم، سوالاتی که بر نقش زن در ایجاد صلح تاکید می کند:

چرا زنان نسبت به مردان برای گفتگوهای صلح مناسب ترند؟

با داشتن مسوولیت ادامه روند زندگی روزمره در جریان جنگ، زنان تجارب بی نظیری را توسعه داده و می دانند که برای ساختن یک جامعه فعال چه چیز ضرورت است. در جریان درگیری، معمولاً زنان می کوشند تا با زنان طرف مقابل درگیر تماس برقرار نمایند. همچنین آنها اکثراً اولین کسانی هستند که خود را بعد از امضای موافقتنامه آتش بس به زنان طرف مقابل می رسانند. آنها برای حل منازعات راه حل های مناسب، بهتر و بدیل جستجو می کنند. تا زمانی که جنگ به پایان نرسیده باشد رهبرانی که جنگ را شروع کرده باشند افراد مستعد و کامیاب در برقراری صلح نیستند، در این راستا زنان دارای استعداد بزرگی هستند که باید به کار گرفته شود. آنها دیدگاهی از در صلح زیستن در یک جامعه را دارند. زیرا آنها نسبت به مردان که در قدرت اند دید متفاوتی از پدیده ها دارند.

چرا مشخصاً زنان در جنگها آسیب می بینند؟

آثار ناگوار منازعات مسلحانه به صورت نابرابر دامنگیر زنان و مردان است. اکثریت قربانیان این مخاصمات را زنان و کودکان تشکیل می دهند. هم اینان بیشترین آواره گان و پناهجویان جهان و اشخاص بی خانمان را رقم می زنند. در خلال مخاصمات زنان و دختران انواع متفاوت از خشونت و بسی رحیمی را تجربه می کنند. همچون مردان به قتل می رسند، آواره می شوند و در معرض سلاحهای مخرب قرار می گیرند. اما بسیار فراتر از این ها از مخاصمات مسلحانه آسیب می بینند. زنان با همه اشکال خشونت به ویژه خشونت و بهره کشی جنسی از جمله شکنجه، تجاوز به عنف، حاملگی اجباری، بیگاری و بردگی جنسی، روسپیگری اجباری و قاچاق روبرو می شوند. گاهی زنان به عنوان سلاح در جهت هجوم به فرهنگ و عزت یک ملت و تخریب غرور آنان مورد آزار و سواستفاده قرار می گیرند.

از دست دادن همسران و پسران که در منازعات کشته می شوند مسوولیت سنگین تامين زندگی و حراست از خانواده را بر دوش آنان می نهاد. مجروح و معلول شدن همسران نیز زنان را عمری درگیر پرستاری و مراقبت می کند. دسترسی ناکافی به منابع و فقدان حمایت اجتماعی در این زمینه ها زنان را در معرض انواع مشکلات، سختیها، انحرافات و فعالیت های غیر قانونی قرار می دهد.

برای رعایت نیازمندیهای ویژه زنان در جریان جنگ و بعد از جنگ چه باید کرد؟

در اردوگاه آوارگان، زنان آسیب پذیرند و تجاوز بالای آنها معمول است این مهم است که زنان و اطفال در حفاظت باشند. زنان در ارتباط به صحت منحصر به فردشان نیازمندی های ویژه می دارند. آنها برای استحمام خود و اطفال شان جای حمام جداگانه و خوب و روشن را برای جلوگیری از آلودگی ضرورت دارند. زمانیکه به اردوگاه آوارگان کمک فرستاده می شود مهم است که کمک ها شامل لوازم و وسایل و قاپوری از امراض باشند. در جریان تصفیه قومی، تجاوز بر زنان بعضاً به حیث تکلیف جنگ یا برای به دنیا آوردن اطفال بویژه از یک قوم خاص ویا برای اینکه به مردان قوی دشمن ثابت کرده شود که آنها در حفاظت زنان شان ناتوان اند، به کار برده می شود. تجاوز جنسی یکی از جنایات خطرناک علیه بشریت است که در حال حاضر توسط قوانین بین المللی ممنوع قرارداده شده است. ولی با آن هم این جنایات به وقوع می پیوندد. زنانی که قربانی تجاوز جنسی و دیگر انواع مصائب در جریان جنگ قرار می گیرند به کمک نیاز دارند تا روند معالجه مصائب شان برای جلوگیری از مشکلات طولیل المدت روانی مورد اجرا قرار بگیرد. در بسیاری از فرهنگ ها، از جمله کشور ما افغانستان تجاوز جنسی منجبت یک عار و ننگ نگریسته شده و قربانیان آن از حقوق اجتماعی شان محروم می شوند.

قطع نامه ۱۳۲۵ شورای امنیت چیست؟

این قطعنامه توافقی است بین کشورهای عضو ملل متحد که در مورد یک موضوع ویژه چگونه عمل نماید. زمانی که یک قطع نامه به تصویب می رسد، بدان معناست که موضوعات آن به اجندای ملل متحد اضافه شده تا همه دول در اجرای آن متعهد باشند. اتباع کشورها حق دارند حقوق حقه شان را از حکومت خودشان یا هر دولت دیگر بخواهند تا بر حسب قطع نامه عمل نمایند. قطع نامه ۱۳۲۵ شورای امنیت در مورد زنان، صلح و امنیت چارچوب سیاسی جامعی برای حمایت از زنان و نقش آنان در فرایندهای صلح فراهم می آورد.

این برای اولین بار است که سندی بین المللی در قالب قطعنامه توانمندترین رکن و فراگیرترین تشکل سیاسی جهانی هر چند در قالبی غیر الزامی مستقلاً به مسئله زنان صلح و امنیت بین المللی اختصاص می یابد. شورای امنیت برای نخستین بار خواستار ارزیابی فراگیر آثار مخاصمه مسلحانه بر زنان و دختران و نقش آنان در فرایندهای صلح سازی و ابعاد جنسیتی این فرایندها و حل منازعه می شود و به طور خاص به نقش زنان در پیشگیری از مخاصمات مسلحانه پافشاری می کند. پیوند زدن صلح به حقوق بشر هنر اصلی قطعنامه است.

چرا زن و صلح با هم در تداخل هستند؟

نظر به اینکه در دوران مادر سالاری مالکیت خصوصی وجود نداشته و همه آدمها از همه مواهب طبیعی به گونه یکسان و برابر بهره می گرفته اند چیزی به نام داشتن، بیشتر داشتن، اندوختن، افزایش دادن و پدیده های تحت عنوان ذخیره کردن، سوداندوزی و افزایش سرمایه و... وجود نداشته است. از دوران کشاورزی به بعد دوران حاکمیت و سلطه مرد بر آن اجتماع بوده که بالطبع برای حفظ، نگهداری و ذخیره محصول و حتی سپردن آن به فرزند پس از مرگ نه تنها موجب رقابتهایی در اجتماع میشده، بلکه به همین دلیل مرد ناگزیر از انباشت و حفظ و حراست داشتند همراه با حفظ و حراست زن و فرزندش می کرده است.

در همین روند و البته به دلیل ویژگیهای زن/مادر برای بارداری و فرزندزایی که ناگزیر چند روز در ماه و چندین نوبت در طول زندگیش او را خانه نشین می کرده، مرد در این اجتماع و در این دوران اقتدار خود را برای حفظ آن بهکار میگیرد. حاکمیت مرد/پدرسالارانه به دلیل سلطه مرد در خانه بر زن و نیز بر فرزند به دلیل حضور دایم او در سپردن اموال و مازاد سرمایه اش به کسی که از آن خود او باشد در جامعه نضج میگیرد.

حالا که بالقوه جنگیدن در اجتماع آن روزگاران، به دلیل اقتدار و داشتن در حاکمیت مردانه بالفعل می شود ما می توانیم با پدیده «صلح» که آنتیتیز زن/مادرانه است روبرو شویم و صلح را معنا کنیم. بریفو Brifo در کتاب مادران معتقد است که عاطفه، پدیده ای اکتسابی است که زن/مادر آنرا به جهان ارزانی داشته است و از این روست که ما عطفوت را از مادر و از زن داریم. زیرا زن با توجه به توانایی مادرانه و عشق و محبت یکسان و برابر و عادلانه به فرزند نیاز به آرامش و صلح دارد. همچنان دوگی Dogee یک تن از جامعه شناسان می گوید: زن/مادر حتی برای کشت زرع و رشد گیاه از خاک باید آرامش و صبر داشته باشد و ناگزیر است با کار جمعی و برابر، تساوی عدالت و صلح دوستی را پیشه خود سازد.

این ویژگی های زن/مادر اساطیری که اینک «درونی» او شده است از او شخصیتی اتصال دهنده، وصل کننده، آموزنده و مصلح می سازد. هنوز هم در جوامع جهان مادر بزرگ ها یا نای مادری حل و فصل کننده مشکلات خانواده ها هستند. این چنین است که صلح، که خود پدیده های سازنده، عدالت پرور و برابر ساز است و آن تیتز محصول حاکمیت مردانه در ارتباط با قدرت و ثروت و حفظ آن دارد، ریشه ای مادرسالارانه پیدا می کند و زن را به موجودی عشق پرور و صلح دوست و مصلح مبدل می کند.

فراموش نکنیم که اینجا، منظور از صلحجو و مصلح، زنان و مردان مصلحی هستند که در حاکمیت امروزی مرد/پدرسالارانه بالقوه های صلحخواهانیشان را که همان تقویت نیروی زنانه درون انسان یعنی «انیمه» فریه کرده و بالفعل می سازند. در همین حال زنان هم هستند که مکملاً در سلطه حاکمیت مردانه و همراه با اندیشه جنگجویانه آنان در حوزه قدرت و ثروت تلاش میکنند.

نقش زنان در تحکیم صلح

تحکیم صلح در شرایط کنونی از یک منظر به معنای توافق آتش بس و از دیدگاه دیگر معنای رفع درگیری و جنگ از طریق اعمال کنترل بدون توسل به درگیریهای مسلحانه است. در سال جاری ما عملاً شاهد بودیم که چگونه روندهای تثبیت صلح در مناطق مختلف از تیمورشقی گرفته تا جزایر سلیمان و از افغانستان تا عراق با دشواری های عده ای نسبت به سال قبل روبرو گردید. سازمان ملل متحد با تشکیل کمیسیون صلح می کوشد تا ضمن تقویت ساختارهای صلح و افزایش میزان انسجام و همبستگی در بین آنها به اهداف خویش در زمینه گسترش صلح در جهان نزدیک شود. امروز زمان آن فرارسیده است که به جستجوی الزامات عملی در زمینه تحکیم صلح برآئیم و دریابیم که چگونه قطعنامه ۱۳۲۵ سازمان ملل در راستای دستیابی به عدالت و صلح پایدار در جهان می تواند اجرایی گردد. برای رسیدن به این هدف به سه مورد بایست اشاره کرد.

۱. روند های ایجاد صلح باید تضمین کننده امنیت فیزیکی و اقتصادی زنان باشد.

در روندهای ایجاد صلح معمولاً توجه به مسائل مبرم و عاجل موجب فاصله گرفتن و یا فراموشی بسیاری از مسائل کلیدی و پراهمیت می شود. توقف جنگ بعنوان یک امر عاجل و مبرم به معنای دلجویی کردن از طرفین درگیری و توجه نمودن به شکوائیه های آنان در طی گفتگوها و به هنگام تنظیم توافق نامه های صلح دانسته می شود. اما این نکته به فراموشی سپرده می شود که طرفین درگیر در جنگ عیناً همان طرفین درگیر در روند تحکیم صلح نیستند. ایجاد صلح و تحکیم آن نیازمند آن است که همه نیروها اولا خواهان صلح بوده و از این منظر در مذاکره پیرامون ایجاد نوعی قرارداد اجتماعی جدید، ایجاد نهادهای جامعه نوین، و بنای نوین شیوه های زندگی مشارکت نمایند.

زنان منابع حیاتی روندهای تحکیم صلح هستند. هرگاه زنان در این روندها حضور دارند توافق نامه های صلح، فعالیت های مقدماتی در زمینه رفع آثار جنگ، کنترل درگیری ها و تنشهای پس از جنگ به شکل بهتری انجام می گیرند. زنان به سبب داشتن رهیافتهای معین نسبت به صلح و امنیت و توجه نمودن به مسائل اجتماعی - اقتصادی به عنوان مبانی اصلی دستیابی به صلح پایدار نقش متفاوتی در روندهای ایجاد صلح ایفا می کنند. این مسائل معمولاً در غیبت زنان به سهولت نادیده گرفته می شود. مساله این نیست که زنان چه سهمی در روندهای تحکیم صلح دارند بلکه آنچه اهمیت دارد این است که روندهای ایجاد صلح... ادامه در صفحه بعدی

ادامه از صفحه قبل

چگونه می تواند با ارتقا سطح حقوق زنان و برابری جنسیتی به تغییر شکل ساختارهای اجتماعی کمک نموده و مانع از بازتولید محرومیت و حاشیه نشینی بعنوان مبانی اصلی بروز هر نوع جنگ و درگیری شوند.

زنان هزینه های جنگ را می دانند. می دانند موضوع خشونت جنسی قرار گرفتن برای تخریب اجتماع به چه معناست؛ می دانند آواره گی چیست؛ فرار از خانه و کاشانه چه معنایی دارد؛ زنان می دانند محرومیت از زندگی اجتماعی و شهروند درجه دو محسوب شدن چه طعمی دارد. روندهای تحکیم صلح باید به مصونیت کسانی که در طی جنگ مبادرت به اعمال خشونت های جنسی می کنند پایان داده و هزینه های سیاسی و اقتصادی اعمال این رفتارها را بالا برد. باید در توافق نامه های صلح این تضمین داده شود که کسانی که متراکم این قبیل جنایات می شوند هرگز امکان دستیابی به قدرت سیاسی و مشاغل عالی را نخواهند یافت.

دو مورد از نیازهای عاجل زنان تامین امنیت فیزیکی و اقتصادی آنان است. زمانی که زنان با خطرات ناشی از اعمال خشونت در زنده گی اجتماعی روبرو هستند، تلاش های صورت گرفته در زمینه حضور آنان در عرصه های تصمیم گیری و سیاست گذاری در جامعه بی نتیجه خواهد ماند. و تا زمانی که زنان هیچگونه دسترسی به منابع ثروت و تولید معیشت ندارند نمی توان از آنان انتظار داشت که بعنوان کنشگران فعال و موثر در جامعه حضور پیدا کنند و عمل کنند.

بر اساس اطلاعات صندوق توسعه زنان سازمان ملل - یونفم - در شرایط فعلی فضاهای عمومی برای حضور زنان در افغانستان شدیداً کاهش یافته است. زنانی که در افغانستان به دفاع از حقوق زنان در عرصه تصمیم گیری های اجتماعی و عمومی برمی خیزند اصلی ترین هدف حملات و کشتارها هستند. در همه جا شواهدی مبنی بر کشیده شدن دامنه خشونت های جنسی و جنسیتی به درون خانه ها پس از پایان گرفتن درگیری ها و بازگشت افراد مسلح از جنگ دیده می شود، در حالیکه هنجارهای اجتماعی محافظ زنان در طول جنگ و درگیری عملاً از بین رفته اند.

در همه مناطق درگیری، تمایل و خواست زنان برای گذشتن از مرزها، سازماندهی حرکت هایی در حمایت از گفتگو و مذاکره، و به چالش کشیدن خطراتی که امنیت آنان را تهدید می کند، مشاهده شده است. ولیکن نمی توان صرفاً به شهامت و شجاعت زنان تکیه کرد. باید سیستم های ضروری در این زمینه بوجود آید. جامعه بین الملل باید به منظور تضمین سلامتی زنان در زمینه اصلاح بخش های امنیتی بویژه در مناطقی که نیروهای مسلح و یا پلیس خود به عنوان منبع خشونت عمل کرده اند، تلاش کند. زمانیکه پلیس رواندا اعلام نمود که به سبب نداشتن وسیله نقلیه مناسب قادر به حفاظت از زنان نیست، صندوق زنان سازمان ملل با سازماندهی یک واحد معین در ادارات پلیس ضمن دادن آموزشهای لازم به آنان وسایل نقلیه موتوری مناسب جهت خدمات موجه به زنان را در مناطق دورافتاده مهیا ساخت. درحالی که در کشور ما کمترین چنین معاونت هایی برمی خوریم.

۲. دستیابی به صلح پایدار نیازمند تحقق عدالت واقعی برای زنان است

دستیابی به صلح نیازمند تامین عدالت مطابق با استانداردهای جهانی حقوق بشر برای زنان است. این امر بدان معناست که باید کلیه قوانین تبعیض آمیز بر علیه زنان لغو گشته، قوانین نوینی بر اساس برابری جنسیتی تدوین شود، مقررات نهادهای حقوقی به منظور اجرای این قوانین تقویت گردند، و زنان امکان دسترسی به این نهادها و درخواست حقوق شان را داشته باشند.

قوانین مرتبط با غرامتهای جنگی در اغلب کشورهای جنگ زده تجاوز جنسی را جرم کوچکی دانسته و بناً پرداخت غرامت به قربانیان تجاوزات جنسی از لیست غرامتهای جنگی متاسفانه حذف گردیده است. بنابراین اگر خواهان تضمین عدالت و تثبیت صلح هستیم باید در زمینه تامین آموزش های حقوقی لازم برای قضات و وکلا، حمایت از شاهدان، ارائه سرویس های خدمات صحتی و جبران خسارت، تلاش کنیم.

در برخی از کشورها رسیدگی به مسائل خانوادگی و شخصی را به عرف و نظام های حقوقی عنعونی واگذار شده اند؛ یکی از دلایل این واگذاری کم هزینه بودن این روش های حل اختلاف و دآوری است، از سوی دیگر با واگذار نمودن سرنوشت مسائل خانوادگی و شخصی در کنترل و اختیار روسای قبایل و رهبران سنتی همکاری آنان با دولت مرکزی تضمین می شود. تداوم جرم های ناموسمی، مبادله زنان برای حل منازعات قومی، انکار حقوق وراثتی زنان و زیر پا گذاردن سایر حقوق زنان از نتایج این شیوه عمل است.

عدالت برای زنان ارزان به دست نمی آید و نمی توان حقوق زنان را به منظور کسب منافع سیاسی مورد معامله قرار داد. عدالت برای زنان باید به مثابه یک بخش جدایی ناپذیر و قابل وصول در تمامی طرح ها و برنامه های استراتژیک سازمان ملل متحد مورد تاکید قرار گرفته و برجسته شود.

۳. روندهای صلح مستلزم تغییرات بنیادی و ایجاد نظام های پاسخگویی است

مشارکت زنان در امر تحکیم صلح نیازمند سرمایه گذاری مداوم و منسجم در زمینه سیاست های امنیتی، اقتصادی و اجتماعی در زمینه پاسخگویی به نیازهای زنان تاکید دارند و از طریق مهیا ساختن نقش های رهبری برای زنان امکان تاثیرگذاری و نفوذ آنان را در این روندها فراهم می سازند. رویکرد صحیح نسبت به صلح و امنیت باید پنج اصل زیر را در بر بگیرد:

۱. آوردن زنان بر سر میز مذاکرات صلح؛
۲. پشتیبانی و حمایت از زنان در شکل دهی به چارچوب های حقوقی و قانونی نوین؛
۳. تقویت رهبری زنان در توسعه نهادهای جدید نظیر مراکز قضایی با حساسیتهای جنسیتی و سازمان های اجرای قوانین؛

۴. مشارکت در امر شکل دهی و حمایت از جنبش های طرفدار عدالت جنسیتی در سطوح ملی و پیوند زدن آنها با برنامه های مرتبط با صلح، امنیت، توسعه و حقوق بشر؛
۵. پشتیبانی و حمایت از مشارکت زنان در انتخابات و روندهای تصمیم گیری سیاسی.

تجربه نشان داده که در مناطقی که زنان بعنوان کنشگران قانونی فعالیت می کنند، امکان فعالیت آنان در روندهای صلح از طریق میانجی گری، شرکت در مذاکرات، گفتگوهای صلح، و مشارکت در انجام اصلاحات بنیادی بیشتر بوده و عملاً در این مناطق زنان بعنوان کارگزاران صلح به رسمیت شناخته می شوند.

به کارگیری سیستم های تبعیض مثبت در افغانستان و بسیاری از دیگر مناطق موجب افزایش شمار زنان در نشست ها و مجالس ملی گشته است. اما بهره گیری از سیستم سهمیه به تنهایی تضمین کننده مشارکت موثر زنان نیست. یک گروه اجتماعی که مدت های مدید از عرصه تصمیم گیری عمومی محروم بوده است باید از حمایتی لازم برای کسب دانش و مهارتهای ضروری در شکل دهی و تاثیربخشی بر روندهای سیاستگذاری، قانونگذاری و اجرای قوانین برخوردار گردد. این امر تنها به قایلیت های زنان بازمی گردد. مشکلات و موانع موجود در مسیر تحقق برابری جنسیتی در موسسات و نهادهای تعیین کننده سیاست ها، در نحوه اختصاص منابع، و اجرای سیاست ها از جمله این امور است. نهادهای کلیدی نظیر قوای مسلح و وزارتخانه های مالیه و اقتصاد حتی زمانیکه اهداف برابری جنسیتی در توافقاتنامه های صلح به صراحت قید می گردد این اهداف را به طور خودکار تصویب نمی کنند.

به منظور توانمندسازی موسسات و نهادهای عمومی در توجیه کردن به برابری جنسیتی در سطوح رهبری، کارکنان و فعالیتهای مرتبط با تحکیم صلح سه تغییر اساسی باید صورت گیرد:

- تدوین فرآیند کلان در خصوص توجه به حقوق زنان بعنوان یک عنصر کلیدی در امر پیشبرد کلیه فعالیت های موسسه؛

- بهره گیری از نظام های تشویقی برای توجیه نمودن به خواستها و نیازهای زنان و تلاش در راستای تحقق حقوق آنان؛

- ارزیابی برابری جنسیتی در برنامه های انفرادی و بازنگری مراحل اجرایی این برنامه ها. علیرغم حضور زنان در بین نیروهای اردو، پلیس و کارکنان غیرنظامی هیئتهای صلح، زنان همچنان بصورت اقلیتی اندک در ترکیب هیئت های صلح حضور دارند. زنان همچنان به ندرت در سطوح عالی تیم های میانجی و هیات های صلح دیده می شوند. صندوق زنان سازمان ملل به همراه دیگر طرفداران حقوق زنان هر بار باید تلاش نو را برای آوردن زنان بر سر میز مذاکرات صلح و گنجاندن اولویت های آنان در لست نیازهای پس از خاتمه جنگ آغاز کنند؛ در بسیاری موارد پس از انجام موفقیت آمیز این تلاش ها معلوم می شود که منابع لازم به رفع اولویتهای زنان اختصاص نیافته است.

و کلام آخر آنکه اگر خواهان دستیابی به صلح هستیم باید به روندهای پاداش دهی به نیروهای مخرب اجتماعی خاتمه داده و از روش های سازنده و صلح آمیز بهره بگیریم. میشل دو مونتاین فیلسوف فرانسوی در قرن شانزدهم می نویسد: «زمانیکه زنان از اجرای قوانین مرتبط با خودشان سربیزی می کنند به خطا نمی روند زیرا این قوانین را مردان بدون مشورت با آنان برایشان تدارک دیده اند.» یکی از راه های درک و تحکیم صلح تلاش جمعی در زمینه تدوین دوباره قوانین مرتبط با حکومت، عدالت، امنیت و فعالیت های اقتصادی با هدف از بین بردن عسل پدیدهای درگیری و جنگ، بی اعتمادی و نابرابری است. زنان در همه گروه ها و اقسام اجتماعی نمی توانند فرصت مشارکت در بازسازی قوانین را از دست بدهند. تنها در شرایط تحقق عدالت، دستیابی به صلح امکان پذیر می گردد.

ما به تجربه دریافته ایم

در مناطقی که زنان بعنوان

کنشگران قانونی فعالیت

می کنند، امکان فعالیت

آنان در روندهای صلح از

طریق مباحی گری، شرکت

در مذاکرات، گفتگوهای

صلح، و مشارکت در انجام

اصلاحات بنیادی بیشتر

بوده و عملاً در این مناطق

زنان بعنوان کارگزاران

صلح به رسمیت شناخته

می شوند.

ادامه از صفحه (۵)

انستیتوت تاریخ...

انجمن تاریخ تا سال ۱۳۵۷ وجود داشت، از همان آغاز تا ۱۳۵۷ کلاً در خدمت فرهنگ و تاریخ افغانستان قرار داشته و امروز مأخذی که در مجله‌ی آریانا بوده است، نه تنها در افغانستان قابل اعتبار است، بلکه در ممالک همسایه حتی از این مجله به حیث سند معتبر استفاده می‌شود. نویسندگان بسیار توانای کشور مثلاً خلیلی، ابلاغ، حبیبی، کاندید آکادمیسین واحدی و عتیق الله پژواک در این مجله کار می‌کردند.

بزرگترین کاری که انجمن تاریخ در آن زمان انجام داد این بود که برای نخستین بار تاریخ افغانستان را تدوین کردند. مثلاً عمده ترین کتاب تاریخ قدیم افغانستان را احمد علی کهزاد با همکاری غبار، خلیلی، پژواک، نعیمی و... تدوین کردند. در پهلوی آن بالای کتاب‌های تاریخی افغانستان کار کردند، کتاب‌های دیگری را که نسخه‌ی خطی از گذشته‌ها مانده بود، مثلاً بالاحصار کابل، افغانستان در پرتو

تاریخ، افغانستان به یک نظر، تاریخ غوریان، تاریخ غزنویان، تاریخ یغتلی، جنگ نامی غلام میر، جنگ نامی امیر کشمیری و... کتاب‌هایی هستند که نویسندگان آن زمان که در قید حیات بودند، زحمتش را به عهده را گرفتند و از طرف انجمن تاریخ چاپ شد. در آن زمان چون آرشیف ملی وجود نداشت کتاب‌های نسخ قدیمی هم در موزیم ملی وجود داشت. مثلاً کتاب نوای معارف، پادشاهان متأخر، رجال و رویدادهای سیاسی را از موزیم ملی بیرون کردند، این‌ها را به حیث نسخه‌ی خطی تصحیح و تالیف کردند و چاپ کردند. یعنی کتابی برای اولین مرتبه بعد از نوشتن سراج التواریخ فیض محمد کاتب هزاره که خدماتی را انجام داد، همین انجمن تاریخ است که کتاب را تقریباً عام ساخت.

حدوداً چه تعداد کتاب را بخش تاریخ اکادمی علوم توانسته به نشر برساند که امروز در دست رس باشند؟

مثلاً کتاب‌هایی که از انجمن تاریخ تا انستیتوت تاریخ ما بالاتر از ۱۵۰ عنوان کتاب چاپ شده است. کتاب‌های زیاد دیگری به دلیل کم بود منابع و امکانات متأسفانه چاپ نشده است، اما در حدود ۱۵۰ کتاب دیگر ناچاپ شده داریم. سالانه اکادمی حدوداً علوم ۵۰ عنوان کتاب چاپ می‌کند.

چرا شما غرفه‌ی فروش ندارید؟

وقتی که اکادمی علوم به پای خود ایستاد شد یعنی در سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۰ ما در زیر زمینی یک نمایندگی فروش داشتیم. در این‌جا کتاب‌های اکادمی علوم به مسئول فروش تحویل داده می‌شد و به فروش می‌رسید. متأسفانه وقتی که جنگ‌های خانمان سوز آغاز شد، مافیا از فرصت استفاده کرد، غرفه‌ی اکادمی علوم را شهرداری به یک نفر بخشید.

در سال ۱۳۷۱ یعنی آغاز جنگ‌های داخلی در شهر کابل. حالا ما در صدد هستیم که یک جای دیگر پیدا کنیم.

چرا دولت به این مسأله توجه نکرده است؟

نه تنها اکادمی علوم، بلکه تمام نهاد های دولت نهادهای مصرفی است. این نهادها مصرف می‌کنند اما بازدهی پولی ندارند. شما در معارف سالانه ۱ میلیارد دالر هم که مصرف کنید، یک افغانی عاید پولی نخواهد داشت. اما در وزارت مخابرات اگر سرمایه‌گذاری می‌کنید، پول بیشتر به دست می‌آورد. اکادمی علوم نهادی است که صرف نوشته می‌کند، تحقیق می‌کند و علوم را رهبری می‌کند، بنابراین، باید شهرداری ما به این مسأله به دقت توجه کند.

شما همین حالا روی چه مسایلی کار می‌کنید؟

کسانی که در شعبه‌ی تاریخ کار می‌کنند اکثر کسانی هستند که کارهای رسمی دیگری نیز دارند. مثلاً منشی عمومی اکادمی علوم، رییس مرکز علوم اجتماعی، یک یا دو منشی دیگر، یک تعداد دیگر رتبه‌ی علمی خود را ختم کرده‌اند مثلاً مسر محقق شدند. این‌ها پروژه ندارند کار ایشان داوطلبانه است.

ما امروز چند بخش داریم، دیپارتمنت تاریخ قدیم افغانستان پیش از اسلام را مطالعه می‌کند، دیپارتمنت قرون وسطا و دیپارتمنت تاریخ معاصر افغانستان. کسی که در تاریخ معاصر کار می‌کند قرن ۱۹ و قرن ۲۰ را بررسی می‌کند، کسی که روی قرون وسطا کار می‌کند از آمدن اسلام تا قرن ۱۹ را مطالعه می‌کند. کسانی که بالای تاریخ قدیم کار می‌کنند دوران آریایی‌ها، کوشانی‌ها، یغتلی‌ها و... را مورد مطالعه قرار می‌دهند.

تبادل تان با کشورهای جهان چه طور است؟

در گذشته‌های دور که انجمن تاریخ بود، مجله‌ی ما به تمام ممالک همسایه حتی هند بریتانوی و به جاهایی دیگری فرستاده می‌شد. حالا هم مجله‌ی ما زمانی که چاپ می‌شود به سفارت خانه‌ها، رسماً فرستاده می‌شود. تا سال ۱۳۷۱ از ممالک همسایه‌ی خود به شمول اتحاد جماهیر شوروی متخصص‌ها می‌آمدند و ما را برای آموزش به آن‌جا می‌فرستادند. مثلاً انستیتوت شرق شناسی و امثال آن. بعد از تغییر رژیم و آغاز جنگ‌های داخلی ارتباط ما با آن‌ها نیز قطع شد. همین سال جاری یکی از مراکز ما توانست با ایران ارتباط برقرار کند. مرکز معاونیت بخش علوم اسلامی یک سفر دسته

جمعی به ایران داشت. آن‌ها هم نوید دادند که رفت و آمد دوام خواهد یافت. با کشورهای اروپایی و امریکایی که در افغانستان هستند، ارتباطی نداریم.

ما با دو نوع تاریخ نگاری آشنا هستیم، یکی تاریخی است که بر مبنای اسناد دولتی نوشته می‌شود و یکی هم تاریخ مردم یک سرزمین شما روی کدام بخش بیشتر کار کردید؟

۱ در افغانستان واقعه نگار داریم و هم مورخ. واقعه نگار کسی است که چیزی که در دولت و حاکمیت واقع شد ثبت می‌کند، نظر، تحلیل و پیش بینی ندارد. مثلاً حادثه ۲۶ سرطان، ۷ و ۸ ثور یا ۲۸ اسد و... این یک سند است یا یک بخش می‌تواند باشد. مورخ کسی است که واقعه را ثبت کند، تحلیل کند و نتایج آن را استنتاج کند و پیش بینی کند. ما در تاریخ نگارهای افغانستان یگانه کسی که مکتب ایجاد کرد، آقای غبار بود. اگر چه ایشان نام کتاب خود را «افغانستان در مسیر تاریخ» نام گذاریده، یعنی مسیر کرده است. غبار وضعیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را مورد دقت قرار داد. نه هم عصرهای او و نه قبل از غبار هیچ کسی به وضعیت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مردم توجه نکردند.

مکتبی که غبار اساس گذاشته تمام تاریخ نگاران کشور از این سبک پیروی می‌کنند. البته بعد از غبار یک تعداد افراد دیگر روی این مسأله کار کردند. به خصوص آقای فرهنگ هم متأثر از «افغانستان در مسیر تاریخ» است.

کتاب‌هایی که ما چاپ می‌کنیم در مجموع به همین شیوه‌ای که اشاره کردم، نوشته می‌کنیم. این تاریخ نگاران بر این باور هستند که ما وقتی که درد را می‌دانیم، تداوی درد را نیز بدانیم. پزشک خوب کسی است که وقتی درد را می‌داند تداوی آن را نیز بداند. در کل هدف تاریخ نگار امروز ما ترفیع نیست، بلکه این است که ما درد را تشخیص بدهیم و راه بیرون رفت از آن را نیز تشخیص بدهیم.

در فلسفه‌ی تاریخ کسانی مثل والتر بنیامین بر این باور هستند که عوامل متعددی در وقوع یک حادثه موثر است اما کسانی مثل غبار چه قدر به این مسأله پرداخته‌اند؟

ما نمی‌توانیم سال ۱۳۲۲ را با سال ۱۳۲۰ یا ۱۳۸۹ مقایسه کنیم، مقایسه کنیم. غبار و هم نسل های او در دوره ای بودند و کار می‌کردند که امکانات امروز وجود نداشت، کتابخانه نبود، امکانات منحصر به افراد بلند رتبه بود، تمام کتاب بازار افغانستان در بمبئی تهیه و چاپ می‌شد، در بخارا چاپ می‌شد و بسیار کم در ایران. تمام کتاب‌هایی که خود افغانستان از آغاز مطبوعه تا سال ۱۳۵۷ چاپ شده معادل به یک سالی است که امروز چاپ می‌شود. از زمانی که چاپ و نشر کتاب در کشور آغاز شد تا ۱۳۵۷ کتاب های منتشر شده به اندازه‌ی یک ناشر امروز نمی‌شود. غبار در شرایطی کتاب نوشت که با امکانات بسیار محدود حتی در محبس نوشته است. استبداد سلطنتی و هاشم خانی به اوج رسیده بود. حتا مردم یک سخن عامیانه داشتند، این سخن نشان دهنده‌ی اختناق آن زمان است «دیوار موش دارد، موش گوش دارد، پس دیوار گوش دارد» در خانه نویسندگان به تنهایی نمی‌توانستند صحبت کنند، نشود که صدا به گوش حکومت برسد. اما محققان ما امروز به این مسأله توجه کردند. برای مثال آقای یاسین رسولی با کتاب «پاسخ سنت به سکولاریسم در افغانستان» دقیق به همین مسایل می‌پردازد.

شما در تاریخ نگاری غبار حتی این چالش را دارید که بیشتر لغات و کلمات سنگین استعمال شده است. متأثر از ادبیات و تاریخ نگاری دوران باستان است. ولی امروز یک تاریخ نگار وقتی که واژه‌ی شناخت را در زبان خود دارد «معرفت» نمی‌نویسد. یا دانشگاه داشته باشد یونیورسیتی نمی‌گوید و...

به نظر شما یک تاریخ نگار به چه پرسش هایی در وضعیت امروز باید پاسخ بدهد؟

به نظر من بهترین تاریخ نگار کسی است که در خط مردم قرار داشته باشد. تاریخ، کارنامه‌ی شاهان و بزرگان نیست که در گذشته تاریخ شاهان و بزرگان بوده است. امروز تاریخ مردم را باید نوشت؛ اگر به حوادث کشور توجه نفرمایید زعمی رهبری خود را کرده، اما خون را مردم داده‌اند، قربانی را مردم داده‌اند و هزارها سپاهی گم نام در این سرزمین نابود شده و کسی حق این‌ها را ادا نکرده است. مورخ امروز باید حق این‌ها را ادا کند. این بدبختی هایی که از میدان جنگ شروع می‌شود و تا فقر اقتصادی، تا زندانی سیاسی و... ادامه پیدا می‌کند.

پس چرا اکادمی علوم به وضعیت اجتماعی مردم در جنگ‌های داخلی و طالبان نپرداخته است؟

مشکلی که در اکادمی علوم داریم این است که تا تاریخ حداقل از پنجاه سال گذشته نباشد، جزء تاریخ شده نمی‌تواند. برنامه‌های ما عمدتاً بیش از ۵۰ سال پیش است. ولی کسانی مثل نادر خان را به همان روشی که استبداد کرده است ما معرفی کردیم. هم خوبی هایش را مد نظر گرفتیم و هم بدی هایش را کوشش کردیم معرفی کنیم.

روی این مسایل خود ما کار می‌کنیم. من بیشتر از...

ادامه در صفحه بعد

مشکلی که در اکادمی علوم**داریم این است که نا تاریخ****حداقل از پنجاه سال گذشته****نباشد، جزء تاریخ شده****نمی‌تواند. برنامه‌های ما عمدتاً****بیش از ۵۰ سال پیش است.****ولی کسانی مثل نادر خان را به****همان روشی که استبداد کرده****است ما معرفی کردیم. هم****خوبی هایش را مد نظر گرفتیم****و هم بدی هایش را کوشش****کردیم معرفی کنیم.**

بپذیریم که از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۰ یک خلاء بود. در این مدت ما گذشته را از دست دادیم، اما به جای آن تربیت کرده نتوانستیم. به خصوص دوره‌ی طالبان که یک دوره‌ی از هم پاشیده است. در این زمان سخت‌ترین ضربه را اکادمی علوم خورده است به مجلد وارد شدن شان افراد غیر دانشگاهی را در اداره‌ی اکادمیک قرار دادند، شخصی که اصلاً چیزی به نام دانشگاه نمی‌شناخت رییس اکادمی، معاون اکادمی و یا منشی شد. برخورد دیگرشان این بود که کارمندان خانم که در اکادمی علوم بودند در مجموع بیرون شلندند. سوسم - کادرها و کسسانی که مدال گرفته بودند، تقدیر شده بودند حتا کسانی که عضویت احزاب را نیز نداشتند و تقدیر شده بودند، از اکادمی علوم بیرون کردند. یک تعداد این‌ها به کشورهای خارجی کانادا، اروپا مهاجر شدند. تمام جرم این‌ها این بود که به عنوان «افراد ناپسند» تمام نهادها ضربه دیدند اما اکادمی علوم از همه بیشتر ضربه خورد. پیشنهاد من به محققین این است که ما با پی‌گیری زمان باید گام بگذاریم، در پهلوی آن که کار رسمی خود را باید انجام می‌دهیم از زمان و اندوخته‌های امروز بهره ببریم

۱- سرمحقق عبدالصابر جنبش یکی از پژوهشگران در زمینه‌ی تاریخ، مسئول انستیتوت تاریخ اکادمی علوم افغانستان است. در سال ۱۳۳۰ خورشیدی در کنار رودخانه پنجشیر تولد شده است. ایشان مکتب ابتدایی را در زادگاه خود خوانده و بعد از ختم دارالمعلمین کابل، شامل دانشکده‌ی آموزش و پرورش دانشگاه کابل شد، ماستری خود را در زمینه‌ی علوم اجتماعی از دانش سرای عالی پیداگورزی کابل گرفتند. قبلاً به حیث آموزگار در مکتب‌های مختلف بودند. از سال ۱۳۷۵ تا اکنون عضو کلدی اکادمی علوم هستند و اکنون به عنوان سر محقق وظیفه انجام می‌دهند.

(ادامه از صفحه ۵)

پیام کنفرانس یک روزه...

وقتی این پروسه می‌تواند موفق باشد، که مردم از روند برنامه‌های شورای عالی صلح با خبر بوده و آگاهانه در پروسه صلح شریک باشند.

ما در ساختار دولت خود، نهاد شورای ملی را داریم، که در تصمیم مهم و حیاتی کشور، تمثیل کننده اراده ملت شمرده میشود. این نهاد، بنابر حکم قانون، صلاحیت دارد که از خواستها و منافع مردم نماینده گی کند. در حضور شورای ملی، شوراهایی مثل شورای عالی صلح، باید برنامه‌های خویش را با مشورت جامعه مدنی و در هماهنگی و موافقت شورای ملی به پیش برند...

- نهادهای جامعه مدنی و اشتراک کننده گان کنفرانس امروز، اظهارات نماینده گان شورای عالی صلح، مبنی بر امتیاز دادن به طالبان را نگران کننده میدانند. باید پرسید که آیا این شوراهای، در زمینه ارزشهای مدنی، حقوق بشر و به گونه خاص در زمینه حقوق زنان، با طالبان کنار می‌آید؟ آیا برسر دستاوردهای مدنی و قانون اساسی افغانستان معامله خواهد کرد؟ آیا این امتیاز دادن، چقدر از حقوق و امتیازات بشری مردم افغانستان خواهد کاست؟ ... ما از این نکته ابراز نگرانی میکنیم که مبدا قانونیت، دموکراسی، عدالت و حقوق بشر، وجه المصلحه امنیت قرار بگیرد و افغانستان، دوباره به دوران سیاه سالهای قبل برگشت نماید.

- ما معتقدیم که بدون حمایت جامعه جهانی، به ویژه بدون حمایت همسایگان افغانستان، پروسه صلح در کشور، با چالشهای جدی مواجه خواهد شد؛ لذا از آنان میخواهیم تا بر اساس تعهدات بین المللی خویش عمل نموده، از پروسه صلح عادلانه کشور، حمایت همه جانبه و عملی داشته باشند.

- ما معتقدیم که صلح صرفاً امنیت نیست. امنیت، فقط یک شرط ضروری برای صلح است، نه بیشتر. شهروندان، باید در فضای آرام و سالم و برخوردار از حقوق بشری و کرامت انسانی خود زندگی کنند. از این رو ما در عین حالی که صلح را یک ضرورت میدانیم و از آن با تمام قدرت حمایت می‌کنیم، خواستار طرح استراتژی شفاف و مردم پسند در این زمینه نیز هستیم، تا مسایلی مثل حقوق بشر، حقوق زنان، قانون اساسی، تعهدات بین المللی افغانستان و ارزشهای مدنی مثل قانونیت، مدارا، همدگرپذیری، کثرت گرایی و بنیادهای دموکراتیک نظام، مورد تردید و معامله قرار نگیرند.

پیشنهادات:

- ۱- راه اندازی نظرخواهی ملی و ایجاد کمیسیون حقیقت یابی؛
- ۲- جبران خسارت به قربانیان و رسیده گی و التیام به دردهای آنان؛
- ۳- کسب تعهد درازمدت و ضمانت جامعه جهانی، در حفظ دستاوردهای نه سال گذشته؛
- ۴- تغییر در ترکیب شورای عالی صلح و دادن نقش بیشتر به نهادهای مدنی و نماینده های انتخابی مردم، در مرکز و ولایات؛
- ۵- حمایت مادی و معنوی جامعه جهانی از نهادهای مدنی، در راستای صلح پروری و عدالت؛
- ۶- گزارش دهی شفاف و به موقع از فعالیتهای شورای عالی صلح به مردم؛
- ۷- در پروسه صلح پروری کشور، حقوق اقلیت ها و گروه های آسیب پذیر در نظر گرفته شود؛
- ۸- مشخص ساختن صلاحیت های کاری شورای عالی صلح و تنظیم فعالیت های پروسه صلح در چهارچوب قانون اساسی کشور و تعهدات بین المللی افغانستان...

متن کامل در:

<http://cshn.af/Documents%20of%20CSHRN/News%20and%20Reports/News54.htm>

ادامه از صفحه قبل

۱۵۰ مقاله نوشتیم، کارهایی را انجام داده‌ایم، ولی قید دولت است که نباید از ۵۰ سال به بعد را مطالعه کرد.

وقتی پروژه‌ها تان را از دولت می‌گیرید تا چه حد استقلال کاری خواهید داشت؟

از دانشمندان، استادان دانشگاه کابل، دانشگاه‌های دیگر و اعضای علمی اکادمی علوم دعوت می‌کنیم و برنامه را با مشورت آن‌ها تعیین می‌کنیم که بالای چه مسایلی باید در ده سال کار کنیم.

اساسی ترین مشکلاتی که شما با آن‌ها روبرو هستید چیست؟

تعداد محققان ما در بخش تاریخ بسیار محدود است. تاریخ افغانستان حد اقل باید ۱۰۰ نفر عضو داشته باشد. سرزمینی که ما از ۵۰۰۰ سال تاریخ آن صحبت می‌کنیم، با همه فراز و نشیبی آن با ۱۱ نفر هیچ کاری نمی‌تواند انجام دهد.

برای مثال در بلغاریا ۵۰۰ نفر تنها روی فرهنگ و تاریخ فلکلور کار می‌کنند. همین کشور کوچک همسایه‌ی ما تاجیکستان که به مراتب هم نفوس کم تری از ما دارد و هم مساحت کم تر دارد از نگاه اقتصادی هم از ما بهتر نیست. انستیتوت تاریخ آن چندین زیر مجموعه‌ی دیگر دارد که حتا روی تاریخ، ادبیات و نسخه‌های خطی کشورهای دیگر کار می‌کنند. در آن‌جا بخش افغانستان شناسی دارند.

متأسفانه همان طوری که اشاره کردم یک محقق باید به چند کشور مسافرت کند و از تجربه‌ی دیگران استفاده کند. ما دید و بازدید با هیچ کشوری به طور دوام دار نداریم، همین حالا محقق‌های ما فاقد انترنت هستند. کاری که می‌کنیم با زور و بازوی خود می‌کنیم. در شعبه‌ای که ۵ متر طول آن است و ۳ متر عرض آن ۱۱ نفر محقق کار می‌کنیم. در جریان کار ما ده نفر همکار دیگر وقتی یک مهمان برای یک همکارمان بیاید همه از کار می‌مانیم. حد وسط معاش ما خوب است اما بودجه‌ای برای شعبه‌ی ما وجود ندارد. هزینه‌های برای تحقیقات مان نداریم، هر ربع ۵۰۰۰۰ ورق کاغذ تخصیص داریم، ۲ خودکار، ۱ پنس و ۱ پنسِل پاک. تا هنوز کمیوتر نداریم. آثاری را که می‌نویسیم، اول خود مان دست نویس می‌کنیم، استاد مربوطه آن را مطالعه می‌کند، بعد از اصلاح استاد. محقق از معاش خود پول می‌دهد و آن را تایپ می‌کند.

گفته می‌شود «دولت‌ها از تاریخ خوششان نمی‌آید» شما چه نظر دارید؟

واقعیت چیزی است که بالاتر از اراده‌ی ما است. واقعاً ما در افغانستان انتقاد پذیر نیستیم. اگر انتقاد هم می‌کنیم بالای کسی ولو انتقاد به جای باشد، خصمانه می‌دانند و انتقام می‌گیرد. کسسانی که در دربار تاریخ نوشته‌اند اگر مطابق خواست حاکم نوشته نمی‌کردند اثر نه چاپ می‌شد و نه برای آن پول بخشش می‌دادند. متأسفانه این سنت ناشایستی است که از گذشته برای ما میراث مانده هنوز هم ادامه دارد. اکثر شاعران ما اگر در دربار نمی‌بودند آثارشان ماندگار نمی‌شد. همین حالا هم در کشور خود دو گروه نویسنده داریم، نویسندگانی که به خاطر خوشنودی زمام داران می‌نویسند، خیلی مورد پذیرش قرار دارند، نوازش می‌شوند. برعکس کسسانی که در خدمت مردم‌اند نه آثارشان چاپ می‌شود و نه بهایشان توجه می‌شود.

یک بحث دیگر که در تاریخ مطرح است بحث «تاریخ شفاهی» است که در این تاریخ بیشتر قصه‌های واقعی مردم از زبان خودشان جمع آوری می‌شود، آیا مراکز تحقیقاتی افغانستان روی این مسایل کار کرده‌اند یا خیر؟

یکی از بخش‌های اساسی همین است. هم اکادمی علوم، هم سایر نهادها مثل وزارت اطلاعات و فرهنگ باید این بخش را داشته باشند. سنت‌های بسیاری بود که ۵۰ سال پیش وجود داشت اما امروز در حال نابودی و مختم شدن‌اند. در خانه‌ی شخصی من مسایلی را که من می‌دانم فرزندانم و برادر زادگانم نمی‌دانند؛ در حالی که ما کامپیوتر آشنایی دارند و هم به وسایل پیشرفته‌ی دیگر تکنولوژیک اما بسیار واقعیت‌های دیگری وجود دارد که این‌ها بی‌خبراند. ایجاب می‌کند که هم دولت و هم نهادهای دیگر روی این مساله بسیار با دقت کار کنند.

در یک آمار خواندم هر ۱۵ روز یک گویش می‌میرد. من از همین درواز و بدخشان شما اطلاع دارم که از بعضی گویش‌ها ۱۵ فامیل مانده از برخی دیگر زیاد تر و کم تر، مهاجرت باعث شده است که لهجه‌ها و گویش‌ها از بین بروند، فرهنگ و آداب و رسوم سنتی در حال نابودی است. اگر کسی بشنود پیشنهاد من این است، این شعبه مانند اکادمی علوم یک شعبه باشد. و هر نهاد و یا هر مرکزی که تاسیس شود و یا کار کند من جداً همکاری می‌کنم.

از طرف دیگر جنگ‌هایی که طی چند سال وجود داشته مردم قصه‌هایی دارند که تاریخ نگاران و محققین از آن‌ها اطلاع ندارند.

اگر بخواهید برای پژوهشگران و دولت در ارتباط کارهای تان پیشنهادی داشته باشید بفرمایید؟

پیشنهاد من به دولت این است که سرمایه‌ی زیاد، و پژوهشگران جوان و با انرژی را استخدام کند تا تاریخ افغانستان را دوباره باز نویسی کنند. تاریخ افغانستان از آغاز تا امروز به یک باز نویسی ضرورت دارد. ما زمانی یک شخص را دزد گفتیم فردای آن قهرمان یاد کردیم، اگر قهرمان گفتیم فردای آن او را جنایت کار خواندیم. تا هنوز معلوم نیست که این شخص جنایت کار بوده یا نبوده! شاید هم نبوده باشد.

دوم - کادر جدید باید تربیت شود، در افغانستان یک انقطاع به وجود آمده است. این را همه باید

ادامه از صفحه (۵)

نگاهی به کنفرانس...

این یک امر کلی است که صلح بدون عدالت امکان پذیر نیست، مردم افغانستان باید روی یک هدف واحد کار کنند، در این صورت است که ما افغانستان با ثبات و کاملاً امن خواهیم داشت. بسیاری از انسان‌های این سرزمین تلاش می‌کنند تا جامعه را از بحران خارج کنند و به سوی ثبات سوق دهند. اما در بسیاری از موارد نهادهای جامعه مدنی تحت تاثیر نظریات کوتاه بینانه قرار می‌گیرند.

در صورتی که مردم با دولت همکاری نکنند کشور به سوی طالبانیم می‌رود. پنج سال قبل رییس جمهور تعهد داده بود که در افغانستان امنیت و صلح، حکومت داری و مبارزه با فساد اداری از جمله اولویتهایی است که باید به آنها توجه شود. می‌خواهیم مردم افغانستان ما را در این روند حمایت کنند و تلاش بیشتر به خرج دهند. صلح در افغانستان به عنوان معامله دولت با گروه طالبان نیست. روی سه موضوع برای به وجود آمدن صلح در افغانستان کار می‌شود:

۱- انکشاف ظرفیت ملی امنیتی
۲- رسیدگی به مردم و مخالفین: مخالفین یک مفکوره واحد نیستند؛ مجموعه‌ای از مفکوره‌ها و نظریات با هم جمع شدند تا مخالفین به وجود آمده‌اند.

۳- همکاری منطقه‌ای

یکی از بخش‌های دیگر برای رسیدن به صلح در افغانستان کمک همسایه‌ها و منطقه است. طوری که ما در کشورهای دیگر مداخله نمی‌کنیم، همسایه‌هایمان نیز نباید در کشور ما مداخله کنند. ما با همسایه‌ها و منطقه در چهار مورد هم سو هستیم و وجه مشترک داریم:

۱- کشورهای منطقه از بحران ناامنی آسیب پذیر شده‌اند.
۲- قاچاق مواد مخدر را باید کنترل کنند.
۳- از قاچاق سلاح باید جلوگیری شود.
۴- توجه به بلند رفتن سواد در مناطق قبایلی

شورای عالی صلح طرز العمل کاری خودش را دارد و مطابق آن عمل می‌نماید. کمیته‌هایی برای تسریع این روند به میان آمده است: کمیته تماس و بسیج مردم، کمیته آگاهی عامه، کمیته برای حل منازعه که در بخش اقوام وجود دارد، کمیته روابط ملی و بین المللی و کمیته حمایت از ولایات. دولت و جامعه بین‌المللی روی یک مسأله مهم کار می‌کنند تا ثابت بسازند دولت افغانستان توسط قوت‌های خارجی اشغال نشده است. به همین منظور است که تا سال‌های آینده دولت تمام مسئولیت‌های کشور را به دوش خود می‌گیرد: از جمله ظرفیت سازی، تعهد دراز مدت جامعه بین المللی در قبال افغانستان، دریافت اعتماد مردم.
سخنران دیگر این کنفرانس آقای فرانسس وندرل نماینده‌ی پیشین اتحادیه اروپا در افغانستان گفت:

زمانی که در کشورها جنگ ختم می‌گردد تلاش می‌کنند تا پروسه ادغام سازی را روی دست بگیرند، و مخالفین را یک جا سازند تا به پروسه صلح کمک کنند؛ ما ضرورت به صلح پایدار داریم. ولی این صلح بدون عدالت امکان پذیر نیست. سازمان ملل در پروسه ادغام و تامین صلح در کشور مکلفیت دارد. دولت افغانستان باید به تطبیق معاهده و اساسنامه روم که در سال ۲۰۰۳ عضو آن شده است متعهد بماند. در صورتی که دادگاه‌های محلی کارشان را خوب انجام نمی‌دهند؛ دولت افغانستان باید به دادگاه بین المللی جنایی مراجعه کند و از آن‌ها کمک بخواهد. تجربه‌هایی از این موارد در سودان و بسیاری از کشورهای افریقای وجود داشت. باور ما این است که باید برای رسیدن به صلح کار کرد و به تطبیق عدالت انتقالی و حقوق بشر در افغانستان استوار ماند.

در افغانستان فساد اداری بیداد می‌کند و سازمان‌های بین المللی همه در گیر این ماجرا هستند. به دولت پیشنهاد شده بود که نباید از جنگ سالاران حمایت شود. پروسه خلع سلاح در افغانستان با ناکامی مواجه شد زیرا قوت‌های مسلح افغانستان به گونه‌ای که باید تقویت می‌شدند، نشدند. منظور از تطبیق برنامه عدالت انتقالی در افغانستان تنها به محاکمه کشاندن جنایت کاران جنگی نبود بلکه هدف عمده رسیدگی به قربانیان جنگی بود. به مردم باید آگاهی داده می‌شد که نباید دست به جرم زد و کشور را یک بار دیگر به فقر و ناآرامی کشاند. اما در شرایط فعلی تطبیق برنامه عدالت انتقالی در افغانستان مشکل شده است. پارلمان افغانستان قانون عفو را به تصویب رسانید. با وجودی که سازمان ملل متحد و سایر نهادهای مدنی اعتراض کردند و خواهان لغای این قانون شدند اما تاثیری نگذاشت. پارلمان بعدی باید بتواند این قانون را ملغی کند و یا در آن تغییرات بیاورد.

احمد رشید روزنامه نگار پاکستانی در پاسخ به این پرسش که چرا از پروسه صلح حمایت می‌کند، در حالی که طالبان را خوب می‌شناسد و کتاب‌هایی هم در مورد آنها نوشته است، گفت: «جوایی که من دارم این است که باید به جنگ خاتمه داد و جنگ نمی‌تواند راه حلی برای دولت سازی باشد.»

نیروهای خارجی به احتمال بسیار زیاد افغانستان را ترک خواهند کرد ولی نباید بدون برنامه ریزی دقیق و داشتن استراتژی افغانستان را ترک کنند. نباید افغانستان دوباره وارد یک بحران جدید شود. باید روی چند موضوع تمرکز کرد:

۱- باید ارتش افغانستان وجود داشته باشد و تجهیز شود و این ارتش کاملاً مدنی باشد نه سیاسی
۲- خدمات ملی وجود داشته باشد، جامعه مدنی باید نقش عمده و اساسی را در این زمینه اجرا کند.
۳- دولت باید به حرف‌های مردم توجه داشته باشد و خواسته‌های آن‌ها را بر آورده سازد، زیرا یک راه باقی مانده، آن هم توجه به خواسته‌های مردم است.

۴- مبارزه با فساد اداری به صورت گسترده به معنای دقیق کلمه صورت گیرد.

برای خارج شدن نیروهای خارجی از افغانستان که چنین فکر می‌شود. دولت به این باور است که ملیشه سازی کند و مردم افغانستان چه در خارج و چه در داخل کشور می‌توانند با طالبان به صورت مستقلاً صحبت کنند.

رشید تاکید کرد که نقش نهادهای جامعه مدنی باید برجسته شود. آن‌ها یک اجماع ملی بسازند، ملیت‌های مختلف گرد هم بیایند ولی اگر صرف این صلح پشتون‌ها با پشتون‌ها باشد، نتیجه کاملاً بر عکس خواهد بود. وقتی که شورای عالی صلح با طالبان مذاکره می‌کند باید از تمام افراد دعوت به عمل بیاید تا در این مذاکره سهم داشته باشند. زنان باید در مذاکرات حضور داشته باشند، زیرا طالبان باید بدانند که افغانستان تغییر کرده و افغانستان سال‌های قبل نیست. باید تضمین وجود داشته باشد که نصاب آموزش و پرورش تغییر نکند. از جانب دیگر رسانه‌ها در این مذاکرات سهم باشند، اکثر مذاکرات نمی‌تواند شفاف باشد ولی نتایج آن‌ها از طریق رسانه‌ها به گوش مردم رسانده شود. دولت افغانستان باید اهداف و برنامه‌های شورای عالی صلح را برای مردم افغانستان واضح سازد تا هیچ ابهامی در این پروسه وجود نداشته باشد. چارچوب کاری وجود داشته باشد تا دولت خود بداند که چه کاری را انجام می‌دهد.

رشید ادامه داد:

هنوز معلوم نیست طالبان چه می‌خواهند ولی چند مورد روشن است: طالبان از جنگ خسته شده‌اند، خسارات زیادی را متقبل شده اند، می‌خواهند به خانه‌های شان برگردند. به همین دلیل است که آن‌ها علاقمند به پروسه صلح هستند. حنا رهبران طالبان می‌دانند که در این جنگ شکست خورده و نا کام مانده‌اند. یک راه برای شان باز است: مذاکره با دولت افغانستان.

باری سلام رییس رادیو صبح بخیر افغانستان سخنران دیگری بود که تاکید کرد صلح نیاز همگانی است:

«ما در شرایطی به سر می‌بریم که هیچ حادثه‌ای را نمی‌توان پیش بینی کرد. وضعیت بدتر می‌شود.» او تاکید کرد که بدون شک رسیدن به صلح برای ما بزرگترین امر است، اما به پرسش‌های زیر باید پاسخ داد:

۱- پیش زمینه‌های صلح چیست؟
۲- معیارهایی را که دولت افغانستان می‌خواهد با آن برای تحکیم صلح تلاش کند مساعد است یا خیر؟ پروسه صلح باید فراگیر باشد. تمام افراد حق دارند تا در سرنوشت آینده کشورشان دقیق باشند. باید بالای این پروسه عمیقاً فکر کرد. افغانستان نظام‌های استبدادی و خود کاه را تجربه کرده است ولی حالا زمان فرهنگ تحمل پذیری و همدیگر اندیشی است. باید صلح پروری یک پروسه کاملاً ملی و از مشروعیت ملی برخوردار باشد.
۳- هدف از برنامه صلح چیست؟ در این پروسه تضمینی برای حقوق بشر و پاسداری از قانون وجود دارد یا نه؟

آقای سلام دید افراد از نسبت به پروسه صلح در سه بخش تقسیم کرد:
موافقان طرح آشتی، مخالفان پروسه صلح گروه‌های ارزش گرا
۱- موافقان طرح آشتی:

حکومت افغانستان و حامیان بین المللی آن، گروه‌های نزدیک بسا طالبان، گروهی که ادعا می‌کنند شورشیان قبلی در حکومت و نظام جای دارند، پس طالبان نیز باید جز آن باشند و در دولت سهم باشند.

۲- مخالفان پروسه صلح:
اپوزیسیون دولت، جریان رقیب طالبان که حضور طالبان را به معنای حذف خود می‌داند، نظریه پردازانی که ایدئولوژی شکست ناپذیر دارند، کسانی که اعتقاد دارند ناقضین حقوق بشر نمی‌توانند صلح بیاورند و کسانی که پروسه صلح را یک پروسه سیاسی دولتی می‌دانند.

۳- ارزش گراها
کسانی که ترکیبی از نظریات مخالفین و موافقین این پروسه را به خود دارند و بر این نظر هستند که:

الف- دولت ابتکار خوبی را روی دست گرفته است، ولی باید به ریشه‌ی جنگ توجه بیشتر نمود.
ب- پروسه صلح از حمایت تمام مردم برخوردار نیست.
ج- در شورای عالی صلح کسانی هستند که یا طالب بودند و یا همفکران آن‌ها
د- مردم افغانستان از سیستم گزارش دهی این پروسه نا راضی هستند.

چه کسی تضمین می‌کند که مذاکره با طالبان شفاف است؟ آیا در این پروسه حقوق زنان معامله نمی‌شود؟ در صورتی که طالبان هم شرایط دولت را بپذیرند آیا بعد از این قدرت رسیدن آن‌ها آیا قانون اساسی تغییر نمی‌کند؟

نادر نادری به نمایندگی از کمیسیون مستقل حقوق بشر تاکید کرد باید هدف اصلی مذاکره با یک گروه شورشی معلوم باشد، و قبل از این که وارد پروسه صلح شویم باید نکات زیر را روشن کنیم:

- آیا مذاکره از موضع قدرت صورت می‌گیرد و یا نه؟
- آیا حکومت از آرای مردم تشکیل شده و مشروعیت داشته تا چنین تصمیمی را بگیرد؟ زمانی این تصمیم گیری‌ها به جا است که مشروعیت دولت تثبیت شده باشد. دولت باید گزارش کاری خود را برای مردم افغانستان بدهد و مردم باید در جریان باشند. دولت به هیچ عنوان گفته نمی‌تواند که فساد در ادارات دولتی وجود ندارد؛ در چنین شرایطی ... ادامه در صفحه بعد

ادامه از صفحه (۸)

نشر سه عنوان کتاب...

کتاب کتابت، کتابخوانی، استاد رهنورد زریاب، خاتم منبزه باختری و استاد پرتو نادری به عنوان سخنران حرف هایی برای گفتن داشتند که در این کتاب گنجانده شده است و هم چنان بخش پرسش و پاسخ پایان جلسه نیز در آن آمده است.

آزادی بیان و مسوولیت مدنی - مرز میان این دو چیست؟ عنوان گفتگوی بیست و ششم آرمان شهر بود که در آن استاد رهنورد زریاب و استاد تقسیم اخگر صحبت کرده بودند و متن سخنرانی ها و جلسه پرسش و پاسخ این گفتگو نیز در این کتاب گنجانده شده است.

گردآوری تایپ و ویرایش این کتاب ۸۲ صفحه ای توسط بنیاد آرمان شهر صورت گرفته و با تیراژ ۱۰۰۰ جلد در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است.

اقتصاد بازار در افغانستان

این کتاب نیز حاوی سخنرانی ها و پرسش و پاسخ های دو جلسه گفتگوی بنیاد آرمان شهر است: گفتگوی چهاردهم با عنوان "اقتصاد بازار در افغانستان، بحران و راه حل ها" و گفتگوی بیستم با عنوان "فضاهای همکاری و اتحادیه های منطقه ای در آسیا و جایگاه افغانستان" که در آن ها استاد سید مسعود استاد اقتصاد دانشگاه کابل، دکتر لطیف پدرام رهبر کنگره ملی افغانستان و آقای محمد امین وکیلی مسوول مطالعات اقتصادی مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه افغانستان به عنوان سخنران حضور داشتند.

همان گونه ای که از عنوان این کتاب و هم چنین از عنوان موضوعاتی که سخنران ها پیرامون آن ها صحبت و بحث داشتند بر می آید در این کتاب هم آسیب شناسی اقتصاد بازار در یک کلیت به چشم می آید و هم این که تجربه اقتصاد بازار در افغانستان مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

این کتاب ۶۵ صفحه ای با تیراژ ۱۰۰۰ جلد منتشر شده است.

ادامه از صفحه قبل

آیا دولت می تواند از موضع قدرت به مذاکره آغاز کند؟

اما آن چه مهم است این است که هیچ صلحی پایدار نمی ماند مگر این که گذشت مردم را در نظر گیرد و نسبت به آن بی تفاوت نباشد.

آقای اسماعیل قاسمیار عضو شورای عالی صلح گفت: مردم افغانستان در حقیقت کفاره گناهیانی را می پردازند که اصلاً مرتکب نشده اند. مصالحه ملی شامل اقدامات و فعالیت هایی است که افراد در دو سطح، هم در سطح بالا و هم در سطح پایین مورد توجه قرار دهند. اما آن چه آشکار است چالش هایی است که در سطح ملی و منطقه ای وجود دارد:

- عدم اعتماد بین دولت و افراد مسلح

- عدم رضایت مردم از دولت در از بین بردن بی کاری، فقر و اوضاع حاکم بر جامعه - عکس العمل و تهدید کسانی که به پروسه صلح می پیوندند

- شکایت از شکنجه هایی که در زندان ها صورت گرفته است.

از جانب دیگر باورهای وجود دارد که ویرانی افغانستان باعث آبادی و عمران عده ای از کشورها می گردد. این ها مواردی هستند که پروسه صلح را تضعیف می کنند و بی اعتمادی مردم را نسبت به این پروسه روز بروز افزایش می دهند. ابهامی که در پروسه صلح وجود دارد این است: آیا می شود اعتماد مخالفین را جلب کرد یا نه؟

سمیرا حمید رییس شبکه زنان افغانستان گفت:

با وجودی که مصالحه ضروری است، هنوز هم مشکلات زیادی در این زمینه داریم. آن چه در کنفرانس لندن، کنفرانس کابل و جرگه صلح گذشت بیان کننده ای این بود که دولت پروسه شفاف نسبت به قضایای جاری در کشور ندارد.

شورای عالی صلح باید در هماهنگی با مردم افغانستان کار کند و خواسته های آنها را در نظر داشته باشد. زنان افغانستان در محرومیت به سر می برند. هنوز هم در بسیاری از موارد زنان را همکار خود قبول نمی کنند و به فعالیت های آن ها باور ندارند. نگرانی زنان افغانستان این است که آن ها در میز مذاکره حضور دارند یا خیر؟ سرنوشت قانون اساسی افغانستان چه خواهد شد؟ زنان قربانیان اصلی جنگ بودند ۶ سال در زمان طالبان در محرومیت قرار داشتند. اکنون هم این روند ادامه دارد و آن ها را در تصمیم گیری سهم نمی دهند.

یک ارزیابی کوتاه از مباحثات کنفرانس

با وجود این که اکثر سخنران ها در بعضی موارد، به ویژه در مورد مساله زنان نسبت به مذاکرات با طالبان و دیگر شورشیان مسلح ابراز تردید کردند، در بحث ها و سخنان سخنرانان ضد و نقیض های زیادی مشاهده می شود. نگرانی ها نسبت به پروسه صلح وجود دارد. از سویی سازمان ملل متحد که خود را به عنوان یکی از مدافعان حقوق بشر در افغانستان عنوان می کرد و از مدافعان تطبیق عدالت انتقالی بود، حال از زبان نماینده سرمنشی عنوان می کند که نباید برای عدالت شتاب کرد، بلکه اکنون مصالحه مهم است. اما تفاوت نظر میان استغفان دمیسورا نماینده سرمنشی سازمان ملل و فرانسس وندرل نماینده پیشین اتحادیه اروپا قابل توجه است. زیرا برخلاف استغفان دمیسورا، فرانسس وندرل معتقد به استواری در عدالت انتقالی و حقوق بشر برای رسیدن به صلح است و حتا افغانستان را تشویق به استفاده از دادگاه بین المللی می کند. در این جاست که باید سازمان ملل متحد در قبال برنامه های خود در مقابل مردم افغانستان پاسخ گو باشد.

بسیاری از مردم معتقدند بخشی از بحران هایی که در طول تاریخ افغانستان بعد از ۱۹۹۱ اتفاق افتاده ناشی از سیاست های نا سنجیده سازمان ملل متحد بوده است. در آن زمان سازمان ملل به مردم افغانستان اطمینان داده بود که بعد از تسلیم حکومت دکتر نجیب الله به مجاهدین هیچ حادثه ای اتفاق نخواهد افتاد، اما در پی آن جنگ های داخلی رخ داد و افغانستان فراموش شد تا این که طالبان بر افغانستان مسلط شدند. سازمان ملل متحد نیز تنها به صدور چند اعلامیه اکتفا کرد. این گذشته وظیفه سازمان ملل متحد را بیشتر می کند تا بالای دولت افغانستان برای تطبیق عدالت انتقالی و پایبندی به تعهدات بین المللی فشار وارد کند.

از سوی دیگر نمی توان انکار کرد که طالبان از حمایت سیاسی و مالی پاکستان برخوردارند. پاکستان از جمله کشورهایی است که در پروسه صلح مداخله می کند و طرفدار این پروسه نیست. اما جامعه بین المللی و سازمان ملل در این زمینه هیچ اقدامی نکرده اند. جامعه بین المللی با هدف اعلام شده از بین بردن تروریسم وارد افغانستان شد. باید پرسید چرا بعد از ۹ سال نتوانست موفق شود.

در حوزه داخلی با وجودی که نهادهای جامعه مدنی و بین المللی خواهان الغای قانون عفو شده اند. هنوز این قانون وجود دارد و هیچ اقدامی از طرف نهادهای دولتی در این زمینه صورت نگرفته است. آن چه مهم است این است که نهادهای جامعه مدنی باید از قوه فشار خود استفاده کنند و تلاش بیشتری را برای دستیابی به صلح به همراه عدالت انجام دهند. در غیر این صورت خطر آن وجود دارد که افغانستان یک بار دیگر به قهقرا ی سال های دهه ۱۹۹۰ بر گردد و تضمینی وجود ندارد که جهان دوباره متوجه آن شود. راه صلح تنها از راه تطبیق برنامه عدالت انتقالی و حقوق بشر می گذرد. جلوگیری از قاچاق و کشت مواد مخدر و رشد آموزش و پرورش، و مبارزه با بی سوادی و فساد اجزا دیگری از برنامه رشد و پیشرفت کشور به شمار می روند. در چنین وضعیتی است که مردم افغانستان مطمئن خواهند شد که تهدیدی متوجه آن ها نیست. آن چه در پروسه صلح هم مورد توجه است تطبیق عدالت و توجه به گذشته های مردم است. در صورتی که عدالت را در این پروسه نادیده بگیریم حتا اگر صلحی به میان آید شکننده و موقتی خواهد بود.

ادامه از صفحه (۶)

پنهانکاری در باره گور های دسته جمعی...

استفان اشمیت یکی از کارشناسان طب عدلی داکتران حقوق بشر گفت: «به درخواست ما هیچ توجهی نشد و منطقه ای که به ظن ما در آن گورهای دسته جمعی وجود دارد تخریب شد... و همین مساله هم مورد تحقیق قرار نگرفته است.

افراد قدرتمندی که بعضی از آنها در پست های دولتی هستند در جنایت های گذشته نقش داشته اند و نمی خواهند حقیقت آشکار شود. می توان مدارک را از بین برد، اما جنایت را نمی توان برای همیشه پنهان کرد.»

یکی از مسئولان سازمان ملل در دسامبر ۲۰۰۸ گفت که سازمان ملل تعهد دارد به مقامات افغانستان در حفظ این گورها کمک کند تا مدارک جنایت ها حفظ شود.

گورهای دسته جمعی عصری اساسی در اجرای برنامه عدالت انتقالی به شمار می روند،

اما به گفته مسئولان کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان این برنامه حتا به ۱۰ درصد از اهداف اولیه اش دست نیافته است. مهلت رسمی برای اجرای این برنامه در حدود دو سال پیش پایان یافت و آقای کرزی درخواست تمدید آن را نپذیرفته است.

اکثریت قاطع ۴۰۰ نفری که کمیسیون مستقل حقوق بشر در سال ۲۰۰۵ با آنها مصاحبه کرده است گفته اند که ناقضان حقوق بشر و جنایتکاران باید به دست عدالت سپرده شوند. اما کارشناسان می گویند تعهد سیاسی برای انجام تحقیقات ضروری وجود ندارد.

اشمیت می گوید: «افراد مایلند در باره قربانیان خود اطلاع کسب و دادخواهی کنند، اما رسماً این کارمقدور نبوده است.»

نادری از کمیسیون مستقل می گوید: «صرفنظر از اهمیت گورهای دسته جمعی برای عدالت انتقالی - که بسیار مهم است - آنها بخش حل نشده ای از تاریخ خشن ما هستند و باید به احترام قربانیان حفظ شوند.»

هیچ صلحی بدون عدالت ممکن نیست و بیش از ۷۶ درصد مصاحبه شوندگان در سال ۲۰۰۵ به کمیسیون مستقل گفتند که اجرای عدالت، ثبات و امنیت را که از زمان سقوط طالبان بدتر شده باز خواهد آورد. کارشناسان می گویند بسیاری از جنایتکاران قدرتمند حساب پس نداده اند و این وضع تلاش های صلح را تا ناکام می سازد.

چیزی که تحقیقات را در آینده پیچیده تر می سازد این است که با وجود مجرمانه بودن دستکاری گورها، واقعیت لزوماً این نیست: در بعضی موارد، اشخاص محلی که در جستجوی اعضای مفقود خانواده شان بوده اند، استخوان ها را از گورهای دسته جمعی برداشته و در جای دیگری دفن کرده اند. در بعضی مناطق نیز گزارش هایی در باره دفن دسته جمعی بقایای انسان ها به دستور رهبران مسلمان محلی وجود دارد.

مسلمان محلی وجود دارد. <http://www.irinnews.org/PrintReport.aspx?ReportID=89975>

عکس: Akmal Dawi/IRIN

ادامه از صفحه (۶)

معرفی کنوانسیون‌های...

جهانی و منطقی‌ای را به وضع متبوع تر در آورد؟ عده‌ای استدلال می‌کنند که اعتراف به وجود قواعد جنگی درست نیست زیرا این به نحوی مشروعیت دادن به جنگ است. اما واقع می‌شود که جامعه‌ی بیسن المللی در برخی موارد از وقوع جنگ جلوگیری نمایند؛ بنابراین، ضرورت دارد که مقررات محدود کننده‌ای در این خصوص وجود داشته باشد تا دول متحارب با هر وسیله و روش ممکن به نابودی دشمن خود اقدام نکنند. یا حد اقل عده‌ای به نوعی از قواعد انسان دوستانه بهره مند شوند. اصولاً حقوق جنگ به آن شلخته‌ای از حقوق اطلاق می‌شود که در مباحث خود اصول کلی مربوط به افراد درگیر جنگ و نیز کسانی که را که استحقاق کمک و مساعدت دارند، مورد بررسی قرار می‌دهد و راه حل مناسبی را برای افرادی که به طور ناخواسته در گیر جنگی فراگیر شده‌اند فراهم می‌سازد. چون جنگ یک واقعیت انکار ناپذیر است؛ طبیعتاً باید افرادی که مشمول رأفت قرار می‌گیرند نیز قواعد حمایتی داشته باشند.

در واقع تمام کنوانسیون‌ها و مقررات مربوط به حقوق جنگ سعی دارند ملاحظاتی انسان دوستانه بر ضروریات نظامی مرجح باشند.

محدودیت‌ها برای عملیات جنگی

به طور کلی در مقررات مربوط به جنگ سه نوع محدودیت در عملیات جنگی در نظر گرفته شده است:

الف- محدودیت در میدان عملیات جنگی

ب- محدودیت سلاح‌های جنگی

ج- محدودیت عملیات جنگی به افراد رزمنده.

بدین منظور حقوق جنگ:

۱- حمله به کسانی که مستقیم در جنگ شرکت ندارند.

۲- همچنین افراد مسلحی که سلاح خود را به زمین گذاشته باشند.

با منع و توصیه کرده:

۳- با کسانی که به علت بیماری و جراحت، بازداشت یا به هر علت دیگری قادر به جنگ نباشند بدون هیچ گونه تبعیض و اجحافی طبق اصول انسانی رفتار شود.

همچنین پروتوکول‌های الحاقی مصوب سال ۱۹۷۷ دربارۀ قربانیان جنگ‌های مسلحانه غیر بین المللی است. کنوانسیون ممنوعیت یا محدودیت استفاده از برخی سلاح‌های متعارف مصوب ۱۹۸۰، به عنوان بخشی از کنوانسیون‌های ژنو به شمار می‌رود. همه این کنوانسیون‌ها اشتراک هدف دارند، و آن محدود ساختن حملات غیر قابل جبران به نیروهای انسانی درگیر در جنگ است. پروتوکول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو در سال ۲۰۰۵ میلادی استفاده از ماین و بمب‌های خوشه‌ای علیه انسان‌ها را ممنوع اعلام کرد.

کنوانسیون‌های ژنو:

در ۱۲ اگست ۱۹۴۹ کنوانسیون‌هایی تحت عنوان کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو از تصویب نمایندگان دولت‌های متعاقد گذشت. بنا به اطلاعات سال ۲۰۰۹، ۱۹۴ کشور عضو سازمان ملل به چهار کنوانسیون ملحق شده‌اند، گرچه تمام آنها همه پروتکل‌های الحاقی را نپذیرفته‌اند. (برای فهرست کشورهایی که به کنوانسیون‌ها و پروتکل‌ها ملحق شده‌اند، نگاه کنید به:

<http://www.icrc.org/eng/assets/files/annual-report/icrc-annual-report-2009-states-party.pdf>

کنوانسیون اول ژنو در مورد وضعیت مجروحین و بیماران در میادین جنگی؛ به اساس ماده ۱۳ این کنوانسیون افرادی که در یکی از عناوین زیر قرار گیرند شامل مجروحین و بیماران در میدان جنگی می‌شوند.

۱- اعضای نیروهای مسلح دولت داخل در جنگ و همچنین قوای چریکی و دسته‌های داوطلب که جزء نیروهای مسلح باشند.

۲- اعضای چریکی و دسته‌های مقاومت یک کشور چه داخل یا خارج مملکت حتی اشتغال شده، مشروط به این که این نیروها مشمول یکی از بندهای زیر باشند:

الف) در رأس آنها شخصی باشد که مسوول اتباع با شرایط فوق باشد.

ب) دارای علامت مشخص باشد.

ج) علناً حمل سلاح نمایند.

د) در عملیات خود طبق قوانین و رسوم جنگ عمل نمایند.

۳- اعضای نیروهای مسلح خود را وابسته به دولت یا مقامی اعلام کرده باشند که توسط دستگیر کننده شناخته شده باشند.

۴- اشخاصی که همراه نیروهای مسلح باشند، بی آن که جزء آنان باشند مانند خبرنگاران.

۵- اعضا و فرماندهان و خدمه کشتی‌های تجاری مشروط بر عدم معامله معتبر طبق سایر قوانین.

۶- ساکنان یک سرزمین اشغال نشده که با ورود دشمن برای مقابله اسلحه به دست می‌گیرند.

کنوانسیون دوم ژنو راجع به بهبود سرنوشت زخم داران، بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا - کنوانسیون دوم ژنو به منظور تجدید نظر در قرارداد لاهه مربوط به مصوبه‌ی ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ راجع به انطباق اصول قرار داد ۱۹۰۶ ژنو راجع به جنگ دریایی اتفاق نظر یافته و قرار داد نهایی آن به امضا رسید. این کنوانسیون دارای ۸ فصل و ۶۳ ماده است. به موجب تعریفی که کنوانسیون از زخم داران و بیماران و غریقان نیروهای مسلح به عمل آورده افرادی مشمول مقررات این کنوانسیون می‌شوند که تحت یکی از عناوین ماده ۱۳ کنوانسیون قرار گیرند.

بر اساس ماده ۱۳ تمام کسانی که مجروح یا غرق شوند باید در همه حال مورد احترام و حمایت قرار گیرند و دولت متخاصمی که اشخاص مذکور را در اختیار دارد باید بدون هر گونه تبعیض ناشی از رنگ، جنس و نژاد، عقاید سیاسی، مذهب و ملیت، محترمانه بر خورد نموده و از آن‌ها پرستاری نماید. هر گونه دست درازی از جمله قتل متحضران، قتل عام، شکنجه، انجام آزمایش‌های بیولوژی و رها نمودن آنان بدون کمک پزشکی و پرستاری با سبق تصمیم و نیز قرار دادن آنان در معرض مخاطرات سیرات یا ابتلای امراض و بیماری‌ها اکیداً ممنوع شده است. توصیه شده است که با زنان با کلیه احترامات خاص که لازمی جنسیت آنان است رفتار شود، تقویب نوبت معالجه فقط به علل فوریت طبی مجاز دانسته شده است. در ماده ۱۹ کنوانسیون دولت متخاصم را مکلف نموده است

که پس از دست گیری افراد زخم دار، بیمار و غرق مردگان باید اطلاعات پرسنلی آن‌ها شامل نام و نام خانوادگی، نام پدر نام دولت متبوع، نوع و شماره خدمت و تاریخ تولد، تاریخ و محل دست گیری، اطلاعات جراحت و فوت را دقیقاً ثبت و به دفتر اطلاعات ماده ۱۲۲ قرار داد سوم ارسال دارند. ماده‌ی ۱۶ این کنوانسیون به صراحت اعلام می‌دارد که بیماران، غریقان و مجروحان، پس از دست گیری اسیر جنگی تلقی می‌شوند و دولت دستگیر کننده می‌تواند آنان را به هر کجا که تمایل دارد اعزام، نگهداری یا مسترد کند. اما این افراد پس از استرداد، حق شرکت در عملیات جنگی را به‌طور مجدد ندارند.

دولت‌ها بر اساس مواد ۴۵ و ۴۶ کنوانسیون مکلف شده‌اند که چنانچه قوانین داخلی آن‌ها نارسا باشد برای جلوگیری از هر گونه سوء استفاده از مقررات کنوانسیون قوانین لازم را تصویب نموده و در حالت جنگ موجبات اجرای این قرار داد بین المللی را توسط فرماندهان خود فراهم سازند.

طبق ماده ۳ کنوانسیون اعمال زیر در حالت جنگ ممنوع اعلام شده است:

۱- لطمه به حیات و تمامیت بدنی از جمله قتل به تمام اشکال آن و زخم زدن، رفتار بی رحمانه، شکنجه و آزار

۲- گروگان گیری

۳- لطمه به حیثیت اشخاص از جمله تحقیر و تحقیف

۴- صدور حکم محکومیت و اجرای حکم اعدام بدون دادگاه قانونی و تصمیمات قضایی

فصل چهارم دربارۀ پرسنل کشتی‌های بیماربر است، به اساس ماده ۳۶ کنوانسیون کارکنان بهمداری، بیمارستانی، کارکنان ناهسای بیمار بر و خدمه مذهبی در ردیف همدیگر قرار گرفته و محترم شمرده شده و مورد حمایت قرار می‌گیرند. فصل پنجم در مورد وضعیت حقوقی حمل و نقل بیماران است.

کنوانسیون سوم در باره‌ی رفتار با زندانیان جنگی و اسیران در ۱۴۳ ماده و دو پیوست تنظیم شده است..

از ماده ۱۱ مقررات عمومی

ماده‌ی اول: «دولت‌های معظمه‌ی متعاقد تعهد می‌نمایند این قرارداد را در همه‌ی احوال محترم شمارند و اتباع خود را به احترام آن وادارند»

در ماده دوم می‌خوانیم: «این قرار داد در جریان وقوع جنگی که رسماً اعلام شده باشد و یا هر گونه نزاع مسلحانه که بین دو یا چند دولت متعاقد بروز کند اجرا خواهد شد... این قرارداد دربارۀ هر گونه موارد اشغال تمام یا قسمتی از خاک یکی از دول معظمه‌ی متعاقد نیز معتبر است ولو آن‌که اشغال مزبور با هیچ گونه مقاومت نظامی مواجه نشده باشد.»

از ماده ۱۲ تا ماده ۱۶ در مورد حمایت کلی از اسیران جنگی، از ۱۷ تا ۱۰۸ در باره‌ی «اسارت» است. در این باب شروع اسارت، بازداشت اسیران جنگی، مسکن، غذا و لباس اسیران جنگی، بهداشت و پرستاری طبی، کارکنان بهداری و مذهبی که برای کمک به اسیران جنگی نگاه داشته می‌شوند، مذهب و فعالیت‌های فکری و بدنی، انتظامات، درجات اسیران جنگی، چگونگی انتقال اسیران جنگی پس از ورود به بازداشت‌گاه است. در ماده ۴۶ تأکید شده است: «بازداشت کننده هنگامی که تصمیم به انتقال اسیران جنگی می‌گیرد باید منافع اسیران را مورد توجه قرار دهد خصوصاً از این نظر که مشکلات اعاده‌ی آن‌ها به وطن‌های شان مزید نشود.»

در باره‌ی کار با اسیران جنگی، ماده‌ی ۴۹ صراحت دارد بازداشت کننده می‌تواند اسیران جنگی سالم را با رعایت سن و جنس و درجه و استعداد جسمانی آن‌ها به‌عنوان کارگر به کار گمارد مخصوصاً از لحاظ این که آن‌ها را در سلامت جسمانی و روحانی نگاه دارد. در پاراگراف دوم آمده «افسران جز را که اسیر شده‌اند نمی‌توان جز به کارهای نظارتی، به کارهای دیگری مجبور ساخت.» در باره‌ی منابع مالی اسیران جنگی و روابط اسیران جنگی با خارج، روابط اسیران جنگی با مقامات رسمی، در ماده ۷۸ آمده «اسیران جنگی حق دارند نسبت به کیفیات اسارت که در حق آنان معمول است به مقامات نظامی که آن‌ها را اسیر کرده‌اند عرض حال بدهند.» بدون هیچ گونه محدودیتی حق دارند خواه به وسیله معتمد خود و خواه چنان‌که لازم بدانند مستقیماً به نمایندگان دول حامی مراجعه و موارد شکایات خود را نسبت به کیفیات اسارت خویش ابراز نمایند. در ماده ۷۹ گفته شده اسیران جنگی در کلیه اماکنی که اقامت دارند به استثنای اماکن افسران هر شام یک مرتبه اسیران جنگی آزادانه و با رای مخفی معتمدینی انتخاب خواهند کرد که نمایندگی از آنان را نزد مقامات نظامی و دولت‌های حامی و کمیته‌ی بین المللی صلیب سرخ و هر دستگاه تعاونی دیگری داشته باشد. در ماده‌ی ۸۳ گفته آمده «در صورتی که تردید حاصل شود که عمل ارتكابی اسیر جنگی مشمول مجازات نظامی یا مجازات قضایی است دولت بازداشت کننده مراقبت خواهد کرد که مقامات مربوطه اغماض را در قضاوت امر مرعی دارند و تا جایی که ممکن است تصمیمات نظامی را بر تعقیب قضایی مرجح دارند.»

به اساس بند اول ماده ۱۰۹ «دولت‌های متخاصم با قید و شرط بند سوم این ماده مکلف‌اند که اسیران جنگی را که شش‌پیدا، بی‌ما یا شش‌پیدا مجروح‌اند بدون ملاحظه‌ی تعداد یا درجه آنان... پس از آن که قادر به حمل و نقل شدند به میهن خود عودت دهند.» بند سوم «هیچ اسیر جنگی که به موجب بند اول این ماده برای بازگشت به‌کشور خود در نظر گرفته شده نباید در دوره مخاصمات بر خلاف میل خود او بازگشت داده شود. در ماده‌ی ۱۱۰ مقرر شده است که کدام اشخاص مستقیماً به وطن شان بازگشتانده شوند.

بند اول ماده ۱۲۲ به محض شروع جنگ و در کلیه موارد اشغال هر یک از دولت‌های متخاصم یک دفتر رسمی اطلاعات در باب اسیران جنگی که در اختیار خود دارد، تاسیس خواهد کرد.

نیروی بازداشت کننده باید به اسیران جنگی غذا و لباس رایگان با اندازه‌ی کافی بدهد. برای آن‌ها محل سکونتی مثل نیروهای خود تهیه کند و امکانات پزشکی را در حدی که سلامتی آنان را تضمین کند، در اختیار آن‌ها بگذارد. در اسنای کار باید به همه این‌ها دست مزد پرداخت کند. و شرایط کار باید همچون ملت بازداشت کننده باشد. اسیران نباید وادار به کارهای خطرناکی شوند که سلامتی آن‌ها را به مخاطره اندازد و یا تحقیر آمیز باشد.

یادداشت:

درشماره‌های بعدی کنوانسیون چهارم ژنو و پروتوکول‌های الحاقی آن را مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

ادامه از صفحه (۸)

جراغ «شب های کابل»...

دیگری را مطرح کرد با این مضمون که: «داستان چگونگی از انسان آینه‌گی می‌کند و چه ویژگی‌های انسانی در آن آشکار می‌گردد؟» آن‌گاه در پاسخ گفت: «در داستان‌ها، ویژگی‌ها و مختصات انسانی زیر آشکار می‌گردند: حس زیبایی‌دوستی و ارضای حس زیبایی‌شناختی؛ تمایلات معطوف به ایجاد لذت و سرگرمی؛ آرمان‌های اخلاقی و اجتماعی؛ خصوصیات و ویژگی‌هایی چون تنهایی، درد و رنج، آزادی، مرگ آگاهی و مانند آن که به تعبیر فیلسوفان اگزیستانسیالیست، خصوصیات وجودی انسان بوده و بر حسب مفاهیم انتزاعی، به صورت دقیق و فنی بیان نمی‌شوند. در واقع، این خصوصیات، روایت نمی‌شوند، بلکه آشکار و ملموس می‌شوند. افزون بر آن، شرح هجران، غربت و دورافتادگی از اصل خویش و عشق به وصال که در ادبیات عرفانی به کار رفته است، در داستان نیز به چشم می‌خورد».

حسین فخری: زبان رهنورد، جزالت و سلاست و فخامت بیشتری دارد

در ادامه آقای حسین فخری، نویسنده و منتقد ادبی در گفتاری با عنوان «همسانی‌ها و ناهمسانی‌های آثار رهنورد زریاب و سپوژمی زریاب» گفت: «سپوژمی زریاب و رهنورد زریاب با وجود حشر و نشر نزدیک و پیوند زن و شوهری و مواضع فکری تقریباً همسان و مشابه و همکاری احتمالی ادبی، هر دو، صاحب شیوه‌ها و سلیقه‌های ادبی کاملاً متمایز و مخصوص به خود هستند.» وی در مورد زریاب چنین بیان داشت: «رهنورد زریاب در پی آن نیست که به صراحت سخن گوید و در پرداخت آثارش، نه مسامحه می‌ورزد، نه از دیگران انتظار مسامحه دارد. کلمات و جملات و چرخش‌گاه‌های داستانی را به صورت دقیق و عمیق بررسی می‌کند و در ارایه آثار خویش کوشش خستگی‌ناپذیر و پرسواسی به خرج می‌دهد.» آقای فخری افزود: «زبان رهنورد از پیشینیان و کلاسیک‌ها اقتباس می‌کند و جزالت و سلاست و فخامت بیشتری دارد و سبک سنجیده، یک‌دست و جاف‌ناده دارد. معانی زیاد داستان‌های رهنورد زریاب از ابهام زبانی و موضوعی آن به دست آمده‌اند؛ ابهامی که راه‌گشای تأویل‌های بسیاری چون تأویل‌های فلسفی، جامعه‌شناسانه، روان‌شناسانه، دینی، عرفانی، اسطوره‌ای، سمبولیستی و سرانجام، ریالیسم جادویی است.»

علی امیری: نثر پاکیزه و پیراسته و دلواپسی و وسواس زریاب برای زبان فارسی، ستودنی است

علی امیری، نویسنده و پژوهشگر، سخنران بعدی شب نهم «شب‌های کابل» بود که در سخنانی با عنوان «عنوان پروای سخن» چنین گفت: «نوشته‌های دنیای مدرن یا حکم برزخ را دارند و گذار از دنیای کهنه به نو را روایت می‌کنند، مانند آثار سروانسی و داستایوفسکی. دون کیوش، تاریخ‌گذار از دنیای کهنه به دنیای نو است؛ دنیایی که زوال پیدا کرده است، ولی خطره آن هنوز در یادهاست و به صورت مخدوش و معوج یا کم‌دی، خود را بازتاب می‌دهد. آثار داستایوفسکی نیز سراسر معطوف به جدال شک و ایمان و سرشار از یک دهشت و خوف مقدس است. اگر از آثار دوران گذار که جزو نخستین رمان‌های دوران جدید است، درگذریم، دو گرایش جدی و در واقع، دو دنیای داستانی بر ادبیات حاکم بوده است: اگزیستانسیالیسم و رومانسیسم. ریالیسم و سورریالیسم و کلاسیسیسم و غیر آن، سبک است، مکتب است و بالاخره، مد است. ادبیات جدید یا اتوپیا است یا دیستوپیا. یا آرمان‌شهر است یا ویران‌شهر. یا «بهشت گم‌شده» و «بهشت باز یافته» جان همپلتون است یا «بیگانه» کامو و «۱۹۸۴» جورج اورول. یا دنیایی قشنگ و سرشار از زیبایی و عاری از فقر و فاقه و شقاوت و شرارت است که در گذشته اتفاق افتاده است و آرزو می‌کنیم که در آینده نیز اتفاق بیفتد یا درد و دهشتی است که اکنون به دامن ما چنگ انداخته است و پیش‌بینی می‌کنیم که در آینده، شر و بلاهت، جهان را به تسخیر خود درخواهد آورد. آثار کافکا سرشار از دهشتی است که در آینده و بعد از مرگ او اتفاق افتاد. آثار زریاب را اگر از این منظر ببینیم، با هیچ یک از دو دنیای داستانی نسبت ندارد یا نسبتی بسیار بی‌رنگ دارد. در نوشته‌های زریاب، نه کابوس وجود دارد، نه رؤیا. درون‌مایه‌های داستانی او بیشتر از اسطوره بار گرفته است تا واقعیت. اما او در جستجوی دنیای خیالی خود هم نیست».

ایس پژوهشگر با طرح این پرسش که «زریاب با نوشته‌های خود چه دنیایی فراروی ما قرار می‌دهد؟» در پاسخ به آن اظهار داشت: «به نظر من، اهمیت زریاب در جایی دیگر است. من عنوان این سخنرانی را «پروای سخن» گذاشتم. زریاب در داستان‌هایش، در مقاله‌هایش، در پژوهش‌هایش و در ترجمه‌هایش همه جا پروای سخن داشته است. نثر پاکیزه و پیراسته و دلواپسی و وسواسی که ایشان برای زبان داشته است، در این دوران عسرت زبان فارسی، او را به یگانه غم‌خوار و پشتیبان این زبان در روزگار ما و در سرزمین ما مبدل کرده است. زریاب در بازنمایی آن دنیای داستانی و رؤیایها و کابوس‌هایی که ادبیات قرن بیست را تسخیر کرده است، چیزی به خواننده نمی‌گوید و در آثار او تمام لذت‌ها به لذت ملموس و بصری یعنی لذت نثر تقلیل یافته است، اما در حرمت و پاسبانی از زبان، کوشش کام‌یابی کرده است که بی‌تردید، اکنونیان و آیندگان قدر آن را به درستی خواهند دانست».

عباس آرمان: جهان داستانی زریاب با تغییر و دگرگونی به شدت مشکل دارد

آقای عباس آرمان، نویسنده و منتقد ادبی، سخنران پایانی شب نهم «شب‌های کابل» با تمرکز بر آثار دهه چهل استاد رهنورد زریاب و بیان این که نقدهای انجام شده بر آثار زریاب، بیشتر شکلی بوده و به درون‌مایه آثار توجه کمتری صورت گرفته است، دل‌مشغولی‌های عمده نویسنده را موضوعاتی چون تنهایی، ناامیدی، مرگ و نوستالژی یا گذشته‌خواهی دانست. وی اضافه کرد: «این مفاهیم درهم می‌آمیزند و معنای واحدی را القا می‌کنند و آن هم جدال میان گذشته و حال است؛ جدال میان شهر و روستا، میان ارزش‌های قدیم روستایی و ارزش‌های جدید شهری؛ میان

خوب بودن گذشته و بد بودن زمان جاری؛ میان پدر و مادر.» آرمان در پایان سخنانش گفت: «جهان داستانی زریاب با تغییر و دگرگونی به شدت مشکل دارد. پادهای گذشته شیرینند و وضعیت حال به شدت ناآرام و نامطمئن می‌نماید».

رهنورد زریاب: هنوز در افغانستان، زبان معیار نداریم

در ادامه برنامه، پس از نمایش مستند کوتاهی از زندگی استاد رهنورد زریاب که آقای جواد خادم، هنرمند معاصر تهیه کرده بود، استاد در جایگاه سخنرانی قرار گرفت. رهنورد زریاب با قدردانی از خانه ادبیات افغانستان در تلاش برای نهادینه‌سازی فرهنگ نقد و نقدپذیری و برگزاری چنین برنامه‌هایی برای رشد و توسعه ادبیات در کشور و با اشاره به گفته‌های سخنرانان و منتقدان برنامه، در مورد زبان و کاربرد آن در داستان و جامعه چنین اظهار داشت: «متأسفانه امروز نویسندگان، زبان‌های محلی و گویش‌ها را وارد داستان‌ها کرده‌اند و این امر موجب پراکندگی و تشتت زبانی شده است. از آن جا که در افغانستان هنوز زبان معیار نداریم، باید به زبان فارسی سره و معیار نوشت تا کم به کم به زبان معیار در کشور رسید.» ایشان در مورد تأثیرگذاری و تأثیرپذیری نویسندگان از همدیگر نیز گفت: «هیچ نویسنده‌ای را نمی‌توان یافت که از دیگران (چه از پیشینیان و معاصران) تأثیر نپذیرفته باشد.» وی این امر را نه ضعف نویسنده، بلکه امری کاملاً طبیعی دانست.

شکور نظری، مدیر اجرایی خانه ادبیات افغانستان در پایان این برنامه اعلام کرد دهمین شب از «شب‌های کابل» به شعر جوان کابل اختصاص خواهد داشت. وی از شاعران جوان خواست تا آثارشان را به نشانی خانه ادبیات افغانستان بفرستند. وی همچنین اضافه کرد که خانه ادبیات افغانستان در دوره جدید فعالیت‌هایش، هر ماه، نقد تخصصی کتاب برگزار خواهد کرد که در آن به بررسی ادبیات معاصر افغانستان پرداخته می‌شود.

آرمان شهر منتشر کرده است

- * کاروان شعر برای صلح و دموکراسی در افغانستان، بهار ۱۳۸۲ خورشیدی
- * کاروان مهر (ویژه جوانان)، بهار ۱۳۸۲ خورشیدی
- * تجلیل از احمد شاملو: وجدان آگاه شعر جهان، قوس ۱۳۸۵ خورشیدی
- * شهروند کیست، چه وظایف و اختیاراتی در مقابل دولت و جامعه دارد؟ قوس ۱۳۸۵ خورشیدی
- * نقش شهروندان در حقیقت یابی و عدالت جویی، قوس ۱۳۸۵ خورشیدی
- * عدالت اجتماعی در اسلام: سیستم‌های دولت داری و مکاتب دیگر، جدی ۱۳۸۵ خورشیدی
- * چالش‌های آزادی بیان: رسانه‌ها و مطبوعات در افغانستان، دلو ۱۳۸۵ خورشیدی
- * دموکراسی و عدالت اجتماعی در کشورهای کثیرالقوم، حوت ۱۳۸۵ خورشیدی
- * در جستجوی جامعه مدنی: تجارب بین المللی و حقیقت‌های محلی، حمل ۱۳۸۶ خورشیدی
- * تهاجم فرهنگی و تأثیر یک ربع قرن مهاجرت در امور فرهنگی و سیاسی، ثور ۱۳۸۶ خورشیدی
- * علیه فراموشی، تجربه کمیسیون‌های حقیقت و دادخواهی، ثور ۱۳۸۶ خورشیدی
- * آیا دانشگاه‌های افغانستان ظرفیت پرورش نخبگان جامعه را دارد یا خیر؟ جوزای ۱۳۸۶ خورشیدی
- * دو تعبیر از جهانی شدن، سرطان ۱۳۸۶ خورشیدی
- * ما همه فمینیستیم (شاید خیر نداریم)، اسد ۱۳۸۶ خورشیدی
- * جنبش زنان: نهضت ملی یا روند تصنعی، اسد ۱۳۸۶ خورشیدی
- * زنان صلح را می‌سرایند (ویژه زنان)، بهار ۱۳۸۸ خورشیدی، «سکوت را بشکنیم»
- * سنت و تجدد: رویارویی با همسویی، بهار ۱۳۸۸ خورشیدی
- * سید جمال الدین و نواندیشی دینی، بهار ۱۳۸۸ خورشیدی
- * جای خالی اندیشه در تحصیلات عالی افغانستان: دلایل و راه حل‌ها بهار ۱۳۸۸ خورشیدی
- * نقض حقوق بشر و سیاست امریکا، تابستان- پاییز ۱۳۸۸ خورشیدی، «سیاست نامه ۲-۱»
- * سیمرغ (مجموعه شعر برای صلح)، پاییز ۱۳۸۸ خورشیدی، «سکوت را بشکنیم»
- * جوانان و شورای ولایتی- شورای ولایتی چه می‌کند، مردم چه می‌خواهند؟ پاییز ۱۳۸۸ خورشیدی
- * راه‌های قربانیان به دادگاه بین المللی جنایی، پاییز ۱۳۸۸ خورشیدی، «سکوت را بشکنیم»
- * مذاکره ملی با زنان: دادرسی یا عقب نشینی؟ پاییز ۱۳۸۸ خورشیدی
- * این جا زمان متروکیست، روح الامین امینی، زمستان ۱۳۸۸ خورشیدی، «سکوت را بشکنیم»
- * ناتو، استننا بر دموکراسی و افول امپراتوری‌ها، زمستان ۱۳۸۸ خورشیدی، «سیاست نامه ۳»
- * صدای قربانیان برای عدالت، تابستان ۱۳۸۹ خورشیدی «سکوت را بشکنیم»
- * از ساختار پارلمان تا نگاه انتقادی به کارنامه مجلس اول در افغانستان، تابستان ۱۳۸۹ خورشیدی
- * پُر سیمرغ (برگزیده اشعار جایزه صلح سیمرغ)، پاییز ۱۳۸۹ خورشیدی «سکوت را بشکنیم»
- * اقتصاد بازار در افغانستان، پاییز ۱۳۸۹ خورشیدی
- * از کتاب تا آزادی بیان، پاییز ۱۳۸۹ خورشیدی
- * قلعه حیوانات، تابستان ۱۳۸۹ خورشیدی، «سیمرغ»
- * بررسی یک دهه حضور بین‌المللی در افغانستان، پاییز ۱۳۸۹ خورشیدی
- * در جستجوی حقیقت و عدالت در افغانستان، پاییز ۱۳۸۹ خورشیدی «سکوت را بشکنیم»
- * تا سیگار بیست و یکم، پاییز ۱۳۸۹ خورشیدی «پُر سیمرغ»

To receive regular information about Armanshahr Foundation you can join one of the following groups

<http://groups.google.com/group/armanshahrfoundationopenasia?hl=en>

http://groups.yahoo.com/group/armanshahrfoundation_openasia

On Facebook: Armanshahr Foundation/OPEN ASIA

<http://javezasimorgh.blogfa.com/>

<http://campaign50darsad.blogfa.com/>

<http://afpa.blogfa.com/>



